

فصل سوم - بخش اول

تاریخچه فلسطین

فلسطین قلب میهن عربی و واسطه العقد و قبله انظار آن است. فلسطین گهواره

ادیان توحیدی بزرگ تاریخ و ملتقای تمدنهاست سرزمینی پربرکت و زیبا که از

لحاظ سوق الجیشی، سیاحتی و دینی یکی از مهمترین نقاط زمین است.

مساحت فلسطین در حدود ۲۷۰۰۹ کیلومتر مربع است. مستطیل شکل است و از

شمال تا جنوب در حدود ۴۳۰ کیلومتر طول دارد. عرض آن شامل میان ۵۱ و ۷۰

کیلومتر و در وسط میان ۷۲ و ۹۵ کیلومتر است. عرض فلسطین در جنوب بیشتر

است و به حدود ۱۱۷ کیلومتر می رسد.

فلسطین از غرب محدود است به دریای مدیترانه از شرق به سوریه و اردن از

شمال به لبنان و سوریه و از جنوب به شبه جزیره سینا (مصر) و خلیج عقبه.

قدمت فلسطین

فلسطین سابقه تاریخی ۱۰ هزار ساله دارد. قدمت شهر اریحا به ۷ هزار سال قبل

می رسد. اولین ساکنان فلسطین کنعانیان (فلسطینی ها) بودند که از سه هزار

سال قبل از میلاد به این سرزمین آمدند.

در سال ۱۲۰۰ قبل از میلاد قبایل عبری (یهودی) از کلبه از شرق به سرزمین کنعان و در نتیجه به شهر اریحا حمله کردند.

تا ۲۰۰ سال عبری ها حکومتی نداشتند و با فلسطینی ها در جدال بودند تا در ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد داود پیامبر اولین حکومت عبری (یهودی) را در فلسطین بنا نهاد. بتدریج فلسطینی ها و اسرائیلیها با یکدیگر خو گرفتند و ترکیب شدند. حکومت داود پیامبر فقط ۸۰ سال بود.

مهاجرت یهودیان - طرح صهیونیستی

فلسطین بخشی از امنیت امپراتوری عثمانی شد که گاه تابع حاکم بیروت و احیانا تحت ولایت صیدا و یا دمشق در می آمد، عکس آن نیز اتفاق می افتاد و گاه حاکم عثمانی در حيفا و یا عکا و یا قدس، بیروت و یا صیدا و ... را نیز اداره می نمود. با تدوین قانون اساسی عثمانی در سال ۱۸۷۶ م انتخابات پارلمانی برگزار شد و نمایندگانی از ولایات تابعه عربی از جمله فلسطینیان قدس به جمع نمایندگان پیوستند.

کما اینکه جمعی از شخصیت‌های عرب و من جمله فلسطینی ها در پست های عالی رتبه لشکری و کشوری گمارده شدند.

اشغالگران یهود کم کم زمینهای فتودالها و زمینداران بزرگ لبنانی و سوری را خریداری و کشاورزان فلسطینی را از این زمین ها، بیرون راندند.

در سال ۱۸۸۶ م اولین درگیری روی داد و کشاورزان رانده شده از دو روستای الخضیره و ملبس (بتاح تکفا) این دو مستعمره را مورد حمله قرار دادند.

این حوادث دولت عثمانی را بر آن داشت تا در (سال ۱۸۸۷ م) مهاجرت صهیونیستها به فلسطین را منوط به شرایط خاصی کند.

در سال ۱۸۹۲ م حمله به مستعمره های یهودی با همان دلایل پیشین تکرار گشت

و بخشنامه های جدیدی از سوی دولت عثمانی با هدف محدود کردن مهاجرت یهودیان صادر گردید، لیکن عثمانی ها زیر فشار اروپا ناگزیر از لغو آن شدند.

فلسطینی های قدس، یافا، نابلس، عکا و غزه که توانسته بوند طی سالهای ۱۹۰۸ و

۱۹۱۲ م به پارلمان عثمانی راه پیدا کنند، موضوع اولین کنگره صهیونیستی (سال

۱۸۹۷ م) در بال سوئیس و برنامه ریزی یهودیان برای ایجاد کشوری قومی در

فلسطین را در دربار مطرح و به بحث و بررسی آن بپردازند و موفق شدند

عثمانی ها را متقاعد سازند که مهاجرت یهود به فلسطین را ممنوع کرده و تسلیم

فشارهای اروپایی نشوند.

این عده همچنین علیه رشوه خواری تعدادی از استاندارانی که به یهودیان جهت مهاجرت به فلسطین و تملک زمین های فروشی توسط برخی از سرمایه داران سوری و لبنانی و عمدتاً مسیحی (آل سرسق، توینی، کساب، خوری و مطران و ...) کمک می کردند، شکوائیه ای را مطرح ساختند.

در سال ۱۸۹۷ م کمیته ای به ریاست محمد طاهر الحسینی مفتی قدس با هدف ارزیابی و بررسی دقیق راه کارها و شیوه های صهیونیستها برای دستیابی به زمینها تشکیل گردید.

از سوی دیگر سلطان عبدالحمید دوم در واکنش به برگزاری اولین کنگره صهیونیستی، هیأتی از کارکنان دربار خود را گسیل داشت تا شخصا بر استان قدس اشراف و نظارت داشته باشد. مطبوعات فلسطینی و عربی مانند روزنامه مصری المنار و ... نیز فعال شده و نسبت به نتایج و پیامدهای طرح شوم صهیونیستی جهت استیلا بر فلسطین (بلافاصله پس از اجلاس بال) هشدار دادند.

یوسف ضیاء الخالدی شهردار و نماینده شهر قدس در پارلمان عثمانی در سال ۱۸۹۹ م با ارسال پیامی به تسادوق کاهن رئیس خاخامهای فرانسه خواستار آن شد تا فلسطین را برای مردمانش باقی بگذارند. در قسمتی از این پیام آمده بود:

شما را به خدا، فلسطین را به حال خود واگذارید.^۱

خاخام کاهن نیز هرتسل را در جریان این نامه قرار می دهد و هرتسل هم بنوبه

خود در پیامی برای خالدی چنین عنوان می کند: اگر مردم فلسطین راضی به

پذیرش صهیونیستها نیستند، ما جای دیگری را جستجو خواهیم کرد و بالاخره

این مکان را خواهیم یافت.

همزمان با شکل گیری و قوام مطبوعات فلسطینی، روزنامه های فلسطینی و در

رأس آنها روزنامه کرمل که در حیفا منتشر می شد، مبادرت به روشنگری و

برملاسازی خطر صهیونیسم کردند.

نجیب عازوری نیز با انتشار کتاب بیداری امت عربی خود در سال ۱۹۰۵ م نسبت

به عواقب طرحهای سیاسی صهیونیستها در فلسطین هشدار داد.

کنگره استعماری ۱۹۰۷ م

در سال ۱۹۰۷ م کنگره ای استعماری با مشارکت جمعی از اندیشمندان

کشورهای استعماری در بریتانیا برگزار گردید. ماحصل این کنگره گزارشی بود

که به گزارش (گامیل باترمن) معروف گشت. محورهای مورد بحث در این کنگره

عبارت بودند از:

۱- صدای فلسطین اسلامی، سال سوم، شماره (۳۲)، تیر ۱۳۸۰، ص ۲۴.

بررسی خطرهایی که آینده استعمار را تهدید می کند.

تدوین طرحهای ضامن دفع این خطرها.

تضمین تداوم حضور استعماری و مالکیت مستعمره ها.

همچنین از جمله پیشنهادهای و مصوبات این کنگره:

۱- لزوم تجزیه کشورهای حوزه دریای مدیترانه و ایجاد فتنه و خصومت میان

ملل آنها.

۲- لزوم ایجاد حایل بشری بیگانه در بهترین منطقه، که بتواند میان عربهای

مشرق و عربهای مغرب جدایی بیندازد و این مکان فلسطین است.

در مورخه ۱۶ مارس ۱۹۰۸ م فلسطینی ها در منطقه ساحلی یافا با مهاجران

صهیونیست که از راه دریا وارد فلسطین شده بودند، درگیر و طی آن تعدادی از

فلسطینی ها و یهودیان کشته و مجروح شدند. درگیریها طی ماههای فوریه و

آوریل سال ۱۹۰۹ م میان کشاورزان فلسطینی و صهیونیستها از سر گرفته شد و

این بار درگیریها در نزدیکی شهر الناصره روی داد.

مطبوعات و علمای اعلام اسلامی و مسیحی و خطیبان مساجد ضمن روشنگری و

بیان طرحهای شوم صهیونیستی در فلسطین، از یک سو حکومت عثمانی را به

مقابله با آن فراخوانده و از سوی دیگر مردم را به مخالفت و مقاومت همه جانبه

با طرحهای صهیونیستی دعوت کردند. در همین رابطه نجیب نصار روزنامه نگار فلسطینی کتابی تحت عنوان صهیونیسیم ... تاریخچه، اهداف و تهدیدها منتشر ساخت.

در سال ۱۹۱۱ م روزنامه ای با نام فلسطین منتشر گشت. این روزنامه طی فراخوانی از خوانندگان خود می خواهد، نسبت به پیامدهای استعمار صهیونیستی هوشیار باشند.

در همین حال فلسطینی های عضو پارلمان عثمانی به منظور تحت فشار قرار دادن دولت اتحاد و ترقی که حکومت سلطان عبدالحمید دوم را سرنگون کرده و با یهودیان همکاری می کرد، دست به تلاش زده و از آن خواستند، تسلیم فشارهای اروپایی نشده و تصمیماتی در مقابله با مهاجرت جمعی صهیونیستها اتخاذ کند و مانع از اسیتلای صهیونیستها بر اراضی فلسطین شود.

یک روزنامه نگار فلسطینی طی مقاله ای در روزنامه فلسطین به تجزیه و تحلیل توطئه صهیونیستها پرداخته و می نویسد:

صهیونیستها، کشور ما را روستا به روستا و شهر به شهر اشغال خواهند کرد و فردا تمامی قدس و سرتاسر فلسطین از دست خواهد رفت.

اسعاف النشاشیبی در سال ۱۹۱۱ م کتابی را با عنوان جادوگر و یهودی به رشته تحریر درآورد.

معروف الارناووط نیز کتابی بنام دختر صهیون را نگاشت و محمد روحی الخالدی در همین سال دست نوشته ای از کتاب تاریخ صهیونیسم را بر جای گذاشت. نامبرده در این نسخه خطی خاطر نشان کرده که هدف صهیونیسم همانا برپائی دولت یهودی در فلسطین است. وی در عین حال صهیونیسم را از یهودیت متمایز کرده و نسبت به خطرات و تهدیدهای شهرک نشینها در فلسطین هشدار داده است.

سرانجام، صهیونیستها با همکاری سفرای اروپائی و امریکائیها دولت اتحاد و ترقی را وادار ساختند، روزنامه های الکرمل (در سال ۱۹۰۹ م) و فلسطین (در سال ۱۹۱۳ م) را که در امر اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به مردم در عرصه های گوناگون و تفهیم وظایف ملی، میهنی و اسلامی و نیز فاش ساختن توطئه صهیونیستها و صلیبی ها تأثیر بسزایی داشتند، تعطیل کند.

ناگفته نماند که مطبوعات عربی نظیر روزنامه المنار، المقتبس، المقطم و الاهرام در مصر و دیگر کشورهای عربی تأثیر مهمی در برانگیختن ملل عرب بر ضد طرحهای شوم صهیونیستی داشتند.

در این برهه همچنین جمعیتها و سازمانهای ضد صهیونیستی مانند جمعیت مبارزه با صهیونیسم که در اوت ۱۹۱۳ م به مرکزیت نابلس تاسیس و دارای شعب بسیاری در شهرهای فلسطین شد.

این جمعیت مردم را به تظاهرات فرا می خواند و تلگرامهای اعتراض آمیزی به مجامع گوناگون ارسال می داشت.

جنگ جهانی اول

با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م صهیونیستها بیش از چهل شهرک یهودی در مساحتی قریب به ۴۰۰ هزار دونم (هر دو نم ۱۰۰۰ متر مربع است) در بهترین زمینهای فلسطین یعنی مناطق الجلیل، دشت مرج بن عامر و دشت ساحلی احداث کرده بودند. و بدین ترتیب یهودیان دیگر آن اقلیت دینی ساکن فلسطین در قبل از طرح اشغالگرانه - تجاوزگرانه صهیونیستی نبودند و جو و شرایط علیه آنها ملتهب و خصمانه شده بود.

با پیدایش جنگ، شهرک نشینان یهودی در کنار انگلیس ها و فرانسوی ها علیه دولت عثمانی و فرانسوی ها علیه دولت عثمانی و آلمان صف آرایی کردند و این در حالی بود که فلسطینی ها به دو دسته موافق و مخالف عثمانیها تقسیم شده بودند و بسیاری از جوانان فلسطینی با انگیزه های اعتقادی - اسلامی و به

اشکال مختلف چه به عنوان نیروی وظیفه و چه داوطلب در کنار ترکیه وارد جنگ شدند و جمع دیگری نیز مجذوب طرح انقلاب بزرگ عربی به رهبری شریف حسین و فرزندش امیر فیصل شدند با این امید که از عثمانی ها رهایی یافته و کشور خود را آزاد کنند، البته آنها فریب وعده های انگلیس به شریف حسین را خوردند. شایان ذکر است که جمع کثیری از مسیحیان فلسطینی و سوری نیز با گرایش طایفه ای و ناسیونالیستی در این طرح شرکت جستند.

ضمن آنکه عملکرد «جمال پاشا» آن فرمانده ترک شهره به جلادی، سفاکی و عامل اعدام دهها انقلابی عرب و فلسطینی از یکسو و گرسنگی و شرایط دشوار اقتصادی که فلسطینی ها و سوری ها در دوران جنگ با آن دست به گریبان بودند، تأثیر وسیع و عمیقی بر فضای خصمانه و روبه رشد ضد ترک و پیوستن به انقلاب بزرگ عربی برجای گذاشت. در همین زمان صهیونیستها از اموال هنگفت سازمانها و مراکز بین المللی یهودی و کمکهای بی دریغ ثروتمندان یهودی چون روچیلد و غیره و به ویژه کمکهای اهدایی امریکایی بهره می بردند.

افزون این صهیونیستها به همراه انگلیس ها، فرانسوی ها و امریکائی ها برای صدور بیانیه بالفور و بردن فلسطین و کشورهای عربی (در خاتمه جنگ) به زیر یوغ (بریتانیا و فرانسه) به دسیسه چینی و توطئه پرداختند.^۱

سران عرب نیز فریب وعده ها و نیرنگ انگلیس را خوردند، گرچه اهداف موافقت نامه سایکس - پیکو مبنی بر تقسیم کشورهای عربی میان بریتانیا و فرانسه و بیانیه بالفور برملا شده بود اما با این وجود بریتانیا توطئه را منکر شده و به فریب و نیرنگ خود ادامه داد.

قیمومیت انگلیس بر فلسطین

فلسطین به عنوان بخش جدا شده از امپراطوری عثمانی در زمره کشورهای بود که استقلال آنها (بعد از جنگ جهانی اول و در مقررات جامعه ملل) موکول به نظارت دولت قیم در اداره آن موقتا شناخته شد. این قیمومیت از طرف شورای عالی متفقین در «سان رمو» در سال ۱۹۲۰ به بریتانیا تفویض شدند. خطوط کلی

متن قیمومیت نامه در ۲۲ ژوئیه ۱۹۲۲ به تصویب جامعه رسید و در ۲۹ سال ۱۹۲۳ وارد مرحله اجرا شد.

۱- همان، ص ۲۷.

حکم قیمومیت دو هدف داشت اول اجرای ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل و هدف دوم اجرای اعلامیه بالفور و ایجاد تسهیلات برای مهاجرت یهودیان.

کشورهایی قیم مسئولیت های خاصی بر عهده داشتند و وضعیت قیمومیت، وضعیت موقیتی بود. دیوان داوری بین المللی بعدها در این باره گفت که هدف نهایی، اعطایی حق تعیین سرنوشت و استقلال به مردمی بود که درگیر این قضایا بودند. در تعیین سرنوشت سرزمین های تحت قیمومیت آنها قرار بود که خواسته های مردم آن سرزمین ها به عنوان عامل اصلی در نظر گرفته شود.

در سال ۱۹۲۲ جامعه ملل بنا به درخواست انگلستان به آن کشور در اداره فلسطین قیمومیت داد و قرارداد قیمومیت فلسطین بین جامعه ملل و انگلستان به امضا رسید. این حکم حاوی اعلامیه بالفور بود و دقیقا به همان ترتیب توسط هیئت وزیران انگلستان در ۱۹۱۷ تصویب شد. در انگلستان اعتراضاتی علیه صدور این حکم به وقوع پیوست مبنی بر اینکه شناسایی اعلامیه بالفور به مثابه

سیاست حاکم در فلسطین، حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را از بین خواهد برد. تعدادی از اعضای مجلس اعیان انگلستان پیشنهاد کردند انگلستان این حکم را نپذیرد زیرا بنا به گفته آنها قیمومیت فلسطین اعلامیه بالفور را شامل می شد

این پیشنهاد به رأی گذاشته شد و با ۶۰ رأی موافق در مقابل ۳۹ رأی مخالف به تصویب رسید.

جنبش اعراب و سرکوب انگلیس

در سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ عربهای فلسطین به دنبال اعتصابی طولانی و بی ثمر که به شکست انجامید و نادیده گرفته شد، برای برپانمودن یک طغیان ملی تلاش کردند. دیوید بن گوریون که در واقع گرای او تردیدی نیست، به ماهیت این تلاش پی برده و در یک بحث داخلی چنین گفته است: «ما ضمن بحثهای سیاسی

خارجی مخالفتهای عربها را ناچیز جلوه می دهیم. ولی خودمان، نباید واقعیت را نادیده بگیریم. از لحاظ سیاسی ما متجاوز هستیم و آنها از خود دفاع می کنند. مملکت مال آنهاست زیرا در آنجا زندگی می کنند، در حالیکه ما می خواهیم به اینجا وارد و بعد هم مستقر شویم.» و از دیدگاه ایشان می خواهیم هنوز وارد نشده کشور آنها را از چنگشان در آوریم. «طغیان آنها» مقاومت فعالانه فلسطینی

هاست در برابر چیزی که به نظر خودشان غصب سرزمین اصلی آنان توسط

یهودیان تلقی می شود. در ورای خرابکاری های نهضتی وجود دارد که هر چند ابتدایی است، اما از آرمان گرایی و فداکاری بی بهره نیست.^۱

وقتی انگلیسی ها به موجب موافقت نامه ۱۹۳۸ مونیخ اجازه یافتند تا نیروی نظامی کافی به منطقه اعزام دارند، طغیان مزبور را با بیرحمی فراوان در هم شکستند. در سالهای بعد جمعیت بومی عرب اندیشه ای را که در غرب پذیرفته شده بود مردود دانسته و گفتند که ایشان اخلاقاً تعهدی ندارند تا به جبران جنایاتی که اروپایی ها در حق یهودیان مرتکب شده اند، موطن خود را قربانی

کنند. شاید هم متحیر بودند که به چه دلیل نباید واکنش مناسبتر تخلیه جمعیت باواریا و تبدیل آنجا به یک کشور یهودی باشد؟ یا با توجه به مواعظه حق طلبانه و اخلاقی امریکا چرا این برنامه در ماساچوست یا نیویورک به مرحله اجرا در نیاید.

کمیتة فلسطین و طرح تقسیم

زمانیکه انگلستان در دوم آوریل ۱۹۴۷ از سازمان ملل متحد خواهان راه حلی برای مسئله فلسطین شد، ه کشور عربی از مجمع عمومی خواستند تا مسئله

۱- نعام چامسکی، مثلث سرنوشت ساز، فلسطین، آمریکا و اسرائیل، ترجمه: عزت ا... شهید، تهران، مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۸.

فلسطین را در چارچوب خاتمه قیمومیت بر فلسطین با اعلام استقلال آن حل کند ولی مجمع عمومی موافقت نکرد و به درخواست فلسطین مبنی بر تشکیل کمیته ویژه فلسطین جواب مثبت داد. به این ترتیب مجمع عمومی در اولین نشست مخصوص که در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۴۷ تشکیل داد کمیته مخصوص برای فلسطین (unscop) را تأسیس نمود.

کمیته مخصوص در ۳۱ اگوست ۱۹۴۷ با توافق اعضایش بر سر مسئله خاتمه قیمومیت اصول استقلال فلسطین و نقش سازمان ملل در آن به توافق دست یافتند اما این اجماع نظر نهایی بر سر مسأله فلسطین نبود. در سپتامبر ۱۹۴۷ کمیته ویژه، گزارش خود را به مجمع عمومی تقدیم کرد کمیته به این نتیجه رسیده بود که حق تعیین سرنوشت اعراب فلسطین با گنجاندن اعلامیه بالفور در حکم قیمومیت اعراب فلسطین در جامعه ملل، نقض شده است. کمیته سپس اظهار داشت که اصل تعیین سرنوشت که پس از جنگ جهانی اول در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده بود در مورد دیگر سرزمین های عرب به اجرا در آمده بود. اما در فلسطین به دلیل قصد تهیه امکانات برای ایجاد یک وطن ملی یهود به کار گرفته شده است. کمیته ویژه فلسطین اظهار نظر کرد که وطن ملی یهود و حکم منحصر به خود برای فلسطین با اصل تعیین سرنوشت در تضاد هستند.

نهایتاً سه عنصر کمیته شامل هند، عراق و یوگسلاوی پیشنهاد کردند که یک کشور فدرال با اجزای یهود و عرب تشکیل شود و اورشلیم هم به عنوان پایتخت

این فدرالیسم، این طرح به طرح اقلیت شهرت یافت، در مقابل اکثریت اعضای کمیته شامل کانادا، چکسلواکی، گواتمالا، هلند، پرو، سوئد و اروگوئه پیشنهاد کردند که فلسطین به دو کشور مستقل عرب و یهود با اتحاد اقتصادی تقسیم شود و تنها عضو باقی مانده کمیته یعنی استرالیا به هیچکدام از طرحها رای مثبت نداد و مهمتر آنکه هیچ یک از اعضا از پیشنهاد تشکیل یک کشور واحد در

فلسطین که راه حل ترجیحی کمیته عالی عرب بود حمایت نکرد.

با اعلام این خبر و قبل از رأی گیری در مجمع عمومی اعراب اعتراض نمودند و پیشنهاد تقسیم فلسطین را بخاطر اینکه به حقوق آنها لطمه می زند و مخالف قانون و عدالت و اصول و دموکراسی بود، رد کردند.

در مقابل صهیونیست ها تمام نیروی خود را برای اینکه رای سازمان ملل را به

نفع تقسیم فلسطین حائز اکثریت شود به کار بردند.

قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی

قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی یکی از مهمترین قطعنامه های سازمان ملل متحد

درباره فلسطین و شاید حتی بتوان گفت که به تعبیری مهمترین قطعنامه در این

موضوع است چرا که اسرائیل از طریق قطعنامه خود اولین کشوری بود که از سازمان ملل متولد شد. قطعنامه ۱۸۱ مهمترین دستاویز اسرائیل برای توجیه

مشروعیت خود است. این قطعنامه تمام فعالیت های در قالب سازمان ملل و حتی غیر آن را برای موضوع فلسطین در طول سالهای بعد تحت شعاع خود قرار داد و بطور کلی آینده فلسطین را ترسیم نمود.

مفاد قطعنامه ۱۸۱ تقریباً همان طرح اکثریت است که قبلاً درباره آن صحبت شد فقط باید اضافه کرد که ضمن قطعنامه مجمع از شورای امنیت می خواهد که تمام

اقدامات لازم برای حسن اجرایی این قطعنامه را فراهم سازد.

همچنین در قطعنامه آمده است که قیمومیت فلسطین حداکثر تا اول اوت ۱۹۴۸ خاتمه یابد و تاسیس حکومت مستقل عربی و یهودی و رژیم مخصوص بین المللی شهر بیت المقدس دو ماه پس از تخلیه کامل نیروهای مسلح دولت قیم و حداکثر تا اول اکتبر ۱۹۴۸ تشکیل خواهد شد و در همین راستا کمیسیون منتخب

سازمان ملل، پس از مشورت با احزاب دموکراتیک و سایر سازمانهای عمومی دولت عرب و یهود، در اسرع وقت شورای موقت حکومت را در هر یک از دو کشور انتخاب و مستقر خواهد کرد و فعالیت های این دو شورا در تحت رهبری کلی این کمیسیون خواهد بود. همچنین مطالبی درباره مکانهای مقدس و محلهای

مذهبی و حقوق مذهبی اقلیتها تابعیت و قراردادهای بین المللی و تعهدات مالی و همچنین وحدت اقتصادی و حق عبور گفته شده است. همچنین فصلی نیز درباره

چگونگی وضعیت شهر بیت المقدس تحت یک رژیم بین المللی بوسیله سازمان ملل آمده است.

بنابراین بر اساس قطعنامه ۱۸۱ یهودیان که قبلا ۶ درصد سرزمین های فلسطین را در اختیار داشتند و حدود ۳۰ درصد جمعیت را تشکیل می دادند و اکثریت آنها هم از مهاجرین دوران قیمومیت بودند. اکنون ۵۶ درصد سرزمین های فلسطین را

صاحب شده بوند. یک روز بعد از صدور قطعنامه یعنی در تاریخ ۳۰ نوامبر ۴۷ کمیته عالی عرب قطعنامه ۱۸۱ را رد کرد.

نهایتا قطعنامه ۱۸۱ بدلیل اشکالات و بی عدالتی های موجود در آن که با تلاش امریکا در مجمع عمومی و به زحمت رای اکثریت $\frac{۲}{۳}$ را بدست آورد نتوانست کوچکترین تاثیر مثبتی برای منازعه اعراب اسرائیل داشته باشد و شاید تنها تاثیر

آن مشروعیت بخشیدن به خواسته های یهودیان بود. لذا بحران شعله ورت شد. اعلام تشکیل دولت یهود و حمله اعراب

در تاریخ ۵ مارس ۱۹۴۸ (یعنی در کمتر از ۳ ماه از صدور قطعنامه ۱۸۱ و شکست آن) شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ای را به تصویب رسانید و از ۵

عضو دائم شورا انگلستان، چین، فرانسه، آمریکا و شوروی خواست تا پیشنهادهای خود را در مورد اینکه مسئله تقسیم فلسطین چگونه باید اجرا شود ارائه دهند.

همچنین شورا در اول آوریل از مجمع عمومی خواست تا در مورد مسئله دولت آینده فلسطین تجدید نظر کند و راه حلی ارائه دهد که برای طرفین قابل پذیرش و قابل اجرا باشد. به این ترتیب سازمان ملل چهار ماه پس از آنکه طرح تقسیم فلسطین را در پی بحث طولانی و دشوار به تصویب رسانید آنرا مسکوت گذاشت.

در پی نزاع های اعراب و یهودیان فلسطین در دهم آوریل کشتار معروف دیریا سین اتفاق افتاد که طی آن ۲۵۰ عرب بی دفاع غیر نظامی بدست افراطیون صهیونیست کشته شدند و تعداد زیادی نیز آواره شدند.

در هفدهم آوریل بدلیل تشدید نزاع اعراب و یهود در فلسطین شورای امنیت با صدور قطعنامه ای از تمام افراد و سازمانهای فلسطینی و مخصوصاً هیأت عالی

عرب و آژانس یهود تقاض کرد که دستورات زیر را اجرا نمایند:

۱- تمام حرکات و عملیات نظامی خود را موقوف کنند.

۲- از اعمال تروریستی و تخریبی دست بکشند.

۳- از وارد کردن افراد مسلح، ستونهای نظامی، اسلحه و مهمات به خاک فلسطین خودداری نمایند.

ولی هیچکدام از این دستورات موثر واقع نیفتاد و نزاع هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کرد.

قیمومیت بریتانیا بر فلسطین در تاریخ ۱۴ می ۱۹۴۸ به پایان رسید. بدنبال آن کمیته عالی عرب اعلام نکرد که درصدد ایجاد یک دولت است ولی در ساعت ۴ بعدازظهر همان روز در موزه ای در تلاویو، دیوید بن گورین در زیر تابلویی از

تئوروهرتسل، تاسیس دولت یهودی به نام اسرائیل را در سرزمین فلسطین اعلام کرد. آژانس یهود در اعلامیه ای که به این مناسبت صادر کرد چنین گفت: با استناد به حق تاریخی و طبیعی مان و با اتکا به قدرت قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل، استقرار یک کشور یهود در «ارتز اسرائیل» را که کشور بنی اسرائیل نام بخواد داشت در اینجا اعلام می کنیم بنابراین آژانس یهود مسکوت

گذراندن طرح تقسیم فلسطین توسط مجمع عمومی را نادیده گرفت و اصرار ورزید که قطعنامه ۱۸۱ به آنها حق قانونی اعطا کرده است.

به همین ترتیب، زمانی که آژانس یهود سازمان ملل را از صدور اعلامیه خود آگاه ساخت، آژانس از قطعنامه ۱۸۱ به عنوان سند شناسایی حق مردم یهود در

استقرار کشور مستقل خود از سوی سازمان ملل نام برد آبا ابان در سخنرانی خود در سازمان ملل، اسرائیل را «نخستین کشوری که توسط سازمان ملل تولد یافته است» خواند.

روز بعد ارتش های مختلف اعراب وارد فلسطین شدند. لژیون عرب وارد ناحیه ای شد که اختصاص به اعراب داشته و در یهود و سامرا واقع بود ارتش مصر به غزه و بر شبح به حرکت درآمد و ارتش لبنان به منطقه عرب نشین جلیله و ارتش عراق هم همراه بالژیون عرب به پیش رفتند و سوره نیز نزدیک مرز مستقر شد.

به این ترتیب اولین جنگ منظم بین اعراب و اسرائیل شکل گرفت.

بدنبال حمله اعراب آژانس یهود که اکنون به اسرائیل تفسیر نام داده بود به سازمان ملل اعلام کرد که حمله اعراب یک اقدام تجاوزکارانه است، در شورای امنیت اسرائیل به امریکا پناه برد و امریکا در شورا برای حل مسئله به رایزنی پرداخت. در ضمن از تمامی کمکها و امکانات انگلیس و امریکا برای مقابله با

اعراب سود جست بطوریکه موازنه را تغییر دادند و به کمک غرب و امریکا عرصه را بر اعراب تنگ نمودند. شورا تنها از همه حکومت ها و مراجع درخواست کرد تا بدون پیش داوری نسبت به حقوق ادعاها یا مواضع طرفهای درگیر، از هرگونه عمل نظامی خصمانه در فلسطین خودداری ورزند. بدون تعیین

مقصر شورا اظهار داشت که وضعیت موجود در فلسطین تهدید علیه صلح است و درخواست برقراری آتش بس نمود. به این ترتیب با فشار انگلستان و امریکا،

اعراب در تاریخ دوم ژوئن ۱۹۴۸ فرمان آتش بس شورا را پذیرفت، موعده آتش بس از تاریخ ۱۱ ژوئن به مدت ۴ هفته بود. اما این آتش بس به ضرر اعراب تمام شد چون بر خلاف مواد آتش بس، یهودیان از این فرصت استفاده کردند و تمام نیروهای خود را (با کمک های خارجی) مسلح نمودند.

۱- علل ناکارآمدی سازمان ملل متحد در بحران اعراب - اسرائیل، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل وزارت امور خارجه، مهر ۱۳۷۸، ص ۶۲-۵۷

فصل سوم - بخش دوم

تقابل تشکیلات خودگردان فلسطین و حماس

انگیزه ها و اهداف

جنبش مقاومت اسلامی خود را در زمانی می بیند که (تعالیم) اسلام از زندگی

حذف شده است و به همین سبب معیارها و مفاهیم دگرگون شده و ارزش ها

تغییر یافته و اشرار بر دنیا مسلط شده اند و ستم و تاریکی بر جهان سایه افکنده

است و بزدلان به لباس شیران درآمده اند و سرزمین های مختلف غصب گردیده

و مردم از آنجا کوچانده و آواره شده و در نقاط مختلف غصب گردیده و مردم

از آنجا کوچانده و آواره شده و در نقاط مختلف زمین پراکنده و پناهنده شده اند

و دولت حق از میان رفته و جایش را دولت باطل گرفته است و هیچ چیز در جای

صحیح خود قرار ندارد. آری، این گونه است که هر گاه اسلام از صحنه بیرون

رود همه چیز دگرگون می شود و این همان انگیزه است.

اهداف

به پایین کشیدن پرچم باطل، سیطره بر آن و بیرون راندنش، جهت برقراری

حاکمیت حق و باز ستاندن سرزمین های غصب و اشغال شده و پخش اذان از

سر گلدسته های مساجد به منظور اعلام تأسیس دولت اسلامی به منظور

بازگشت مردم (آواره) به دیار و کاشانه خود و بازگرداندن همه چیز به جای

صحیح خود، هدف ماست و خداوند متعال تنها یار و یاور حقیقی است.

«و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض و لكن الله ذو فضل على العالمين»^۱ «و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نکند، فساد زمین را فرا می گیرد، ولی خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان دارد.»

جنبش مقاومت اسلامی در ادامه طی طریق خود، با تمامی توان از همه مستضعفان حمایت و از همه ستمدیدگان پشتیبانی می کند و از هیچ تلاشی برای احقاق حق و نابودی باطل با گفتار و عمل در هر جایی که امکان دسترسی به آن وجود داشته باشد، فروگذار نیست.^۲

اساس نامه یا میثاق نامه حماس

از آنجایی که یکی از منابع اصلی در تشخیص ایدئولوژی و شناخت اهداف یک سازمان و گروه اساسنامه آن است، نگاهی به اساسنامه حماس می اندازیم. نگاهی گذرا به این اساسنامه نشان می دهد که این گروه اسلام گرا و دارای ماهیتی اسلامی است.

یک سال بعد از اعلام موجودیت حماس، اساسنامه این جنبش در تاریخ اول محرم ۱۴۰۹ برابر با ۱۸ اگوست ۱۹۸۸ تدوین شد. اساسنامه حماس با یک مقدمه و پنج

۱- سوره بقره، آیه ۲۵۱.

۲- میثاق نامه جنبش مقاومت اسلامی حماس، ماده ۶ و ۱۰.

فصل و یک خاتمه، دارای ۳۶ ماده است. مقدمه این اساسنامه که با آیات ۱۱۰ تا ۱۱۲ سوره آل عمران شروع می شود، پس از نقل سخنانی از حسن البنا و شیخ

امجد الزهاوی و درود فرستادن بر پیامبر اسلام (ص)، خطاب به عموم مردم هدف کلی از این اساسنامه را اعلام می کند. سپس در فصل اول، ماهیت جنبش را در هشت ماده و در فصل دوم، اهداف آن را در دو ماده بیان می کند. در فصل سوم طی دوازده ماده به بیان استراتژی و ابزارهای مورد استفاده جنبش می پردازد و در فصل چهارم دیدگاههای حماس نسبت به سایر طرف های درگیر در

صحنه فلسطین، جهان اسلام و جهان عرب را در ده ماده اعلام می کند. فصل پنجم، به قضاوت تاریخ نسبت به مسئله فلسطین و مسئولیت مسلمانان در خصوص آن پرداخته و در خاتمه نیز یک ماده با تاکید مجدد بر ماهیت اسلامی حماس آورده شده است.

مجموعاً در این اساسنامه به ۴۳ آیه از ۳۳ سوره قرآن کریم استناد شده است. به عبارت دیگر، در هر ماده ای از آن به یک آیه از قرآن استناد شده و در متن آورده شده است.

ماده یکم این اساسنامه به طور کاملاً واضح بیان می دارد که اسلام راه روشن حماس است و همه افکار و دیدگاههای آن نسبت به زندگی و انسان برگرفته از

اسلام است. ماده دوم، حماس را جزئی از مجموعه اخوان المسلمین اعلام می کند. در فصل دوم نیز هدف از تاسیس حماس مبارزه با ظلم و ستم، احقاق حق و

ابطال و احیای حکومت و شریعت اسلامی اعلام شده است. در واقع، در این فصل اساسنامه که برای بیان اهداف آورده شده، هیچ اشاره ای به آزادی فلسطین نشده و مبارزه برای آن را جزئی از مبارزه کلی حق و باطل به حساب آورده است.

وجود شعار لا اله الا... و محمد رسول... در آرم این جنبش نیز تأکیدی دیگر بر

اسلامی بودن آن است. تکیه بر اصول اسلامی در راه مبارزه برای آزادی فلسطین از سوی حماس، بنابر آنچه در اساسنامه آن آمده، در مقایسه با اساسنامه سازمان آزادی بخش فلسطین که کوچک ترین اشاره ای به دین و اسلامی بودن قضیه فلسطین نکرده، بسیار قابل توجه است.^۱ در میثاقیه حماس تصریح شده است: حرکت مقاومت اسلامی یکی از جناحهای

اخوان المسلمین بوده و حرکت اخوان المسلمین یک سازمان جهانی می باشد. همچنین در همین میثاقیه آمده است: حرکت مقاومت اسلامی یک حرکت متمایز فلسطینی است که ولایت را از آن خدا می داند و اسلام را برنامه زندگی و خط

۱- فصلنامه نهضت، سال دوم - شماره ۲۰، اسفند ۱۳۸۰، ص ۶۳.

مشی خود به حساب می آورد. این جنبش می کوشد پرچم... را در هر وجه از خاک فلسطین به اهتزاز در آورد.^۱

روش های جنبش حماس برای دستیابی به هدفهای استراتژیک

جنبش حماس برای دستیابی به هدفهای استراتژیک، مرحله و آنی خود از ابزارها و روشهای متنوعی بهره گرفت. مهمترین این روشها به صورت زیر دسته بندی می شود:

۱- بسیج مردم در مساجد

جنبش حماس به مثابه یک نیروی اعتقادی محل عبادت مسلمانان یعنی جایگاه مسجد را مورد توجه جدی قرار داد. این مسئله هنگامی مورد توجه قرار می گیرد که یک جنبش آزادیبخش با گرایش اسلامی هدف خود را حول تربیت نسلها حول آموزه های دینی متمرکز کند. برگزاری آیینهای دینی و مطالعه آگاهانه قران و سنت پیامبر یکی از روشهای تقویت روح مقاومت تلقی می شود.

نهاد مسجد یکی از ابزارهای مهم جنبش حماس در ترویج اصول خود در راه دستیابی به هدفهای اعلام شده است. مسجد جایگاه وعظ، ارشاد و بسیج سیاسی، عقیدتی و جهادی است. وضعیت و جایگاه مسجد به گونه ای است که از

۱- میثاق حرکت مقاومت اسلامی حماس، ۱۸/۸/۱۹۸۸، ص ۸.

امکان گردآوری مردم در پنج نوبت روز (اوقات نماز) برخوردار است. در این نهاد انسانها آموزشهای گوناگونی می بینند که مقاومت در برابر اشغالگران به

مثابه یک تکلیف دینی یکی از آنهاست. در نتیجه مسجد وسیله ای برای پرورش نسلها و پاکسازی درون آنها و نیز وسیله ای برای جذب شمار زیادی از مومنان و پیروان دین محسوب می شود. فضای مسجد می تواند پیروان اسلام را حول نقاط مشترک متحد کرده و آنها را برای انضمام به نیروی اسلامی مقاوم علیه اشغالگران (یا حداقل حمایت از آن) آماده کند. دست اندرکاران بسیج مردم به مدت طولانی به این روشها عادت کردند.

به همین خاطر «مسجد از مهمترین ساز و کارهای فعالیت اجتماعی و سیاسی جنبش حماس بوده است، زیرا به نقطه تجمع و نیروی محرکه مردم برای انجام فعالیتهای گوناگون اجتماعی علاوه بر جایگاه عبادت و نیایش تبدیل شد.»^۱

۲- فعالیت سیاسی و تبلیغاتی

در واقع فعالیت سیاسی جنبش حماس ادامه و شکل بهبود یافته روشهایی است که جماعت اخوان المسلمین در گذشته آن را به کار گرفته بود. جنبش حماس این

۱- جوادالحمد، ایاد برغوثی، سیری در اندیشه سیاسی حرکت مقاومت فلسطین «حماس»، ترجمه سید حسین موسوی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۸۳.

فعالیت را در شکل برگزاری میزگردها و تجمع سیاسی و نمایشگاههای اسلامی بویژه در دانشگاههای فلسطین تداوم بخشید. حماس به انتشار بیانیه، جزوه و به

برگزاری مراسم یادبود و بزرگداشت شهدا و فعالیتهای اسلامی و برگزاری تظاهرات و تجمع اعتراض آمیز از قبیل تحصن همت گمارد. دانشگاهها یکی از مهمترین جایگاههای فعالیت سیاسی و تبلیغاتی حماس بویژه در سالهای اولیه انتقاضه (۱۹۸۷-۱۹۹۰) و پیش از آن به شمار می رفت. این خط مشی حماس در مرحله ای دنبال می شد که فعالیت سیاسی این جنبش به قلمرو برقراری مناسبات سیاسی محلی، منطقه ای و بین المللی منتقل نشده بود.

الف- اعلامیه ها

صدور بیانیه در آغاز وقوع انتقاضه مهمترین وسیله حماس در بسیج توده های مردم بود. این اقدام نقش برجسته ای در فرهنگ سازی و هدایت و گسترش روح مقاومت و تقویت اراده ملی برای مقابله با اشغالگران ایفا کرد... همچنین صدور

بیانیه هایی پیاپی موجب شد ارتباط میان حماس و مردم و اعتماد متقابل تحکیم یابد. این امر همچنین موجب شد تا حرکتهای خودجوش مردم از انضباط و پیروی از اصول مورد قبول همگان محروم نشود. در اهمیت صدور بیانیه ها در

جریان انتقاضه همین کافی است که شائول مشعال استاد علوم سیاسی دانشگاه تل آویو و یویان آهارونی انتقاضه را «جنگ بیانیه ها» توصیف کردند.

اهمیت بیانیه ها را زمانی درک می کنیم که بدانیم از یک سو جنبش حماس فقط از طریق بیانیه موجودیت خود را اعلام کرد و از سوی دیگر همین بیانیه ها در واقع سخنگوی رسمی جنبش حماس طی سالهای انتقاضه و بازتاب دهنده جنبه های گوناگون فعالیت سیاسی نیروهای فلسطینی بوده است.

ب- انتخابات سندیکایی و صنفی

جنبش حماس به منظور جلب حمایت مردم فلسطین نسبت به دیدگاه خود در قبال مسئله فلسطین، تلاش کرد در همه انتخابات سندیکاها و اصناف مشارکت کند. این یکی از روشهای مهم حماس در چارچوب فعالیتهای سیاسی مناطق کرانه باختری و نوار غزه به شمار می رود. جنبش حماس به طور کلی موفق شد ۳۵ تا ۵۰ درصد آرای انتخابات عرصه های گوناگون را به نامزدهای خود اختصاص دهد.

ج- اتحادها و مناسبات سیاسی خارجی

مشارکت در فرمول نیروهای فلسطینی مخالف اجلاس مادرید و قرارداد اوسلو حلقه ای از زنجیره فعالیت سیاسی حماس در عرصه خارجی بوده است. «زیرا جنبش حماس در اوایل شروع انتقاضه به ریشه دوانی در درون جامعه فلسطین

نیاز داشت. درست به همین دلیل و همان طور که دکتر موسی ابو مرزوق می گوید، سخن گفتن با افکار عمومی فلسطین در شکل صدور اطلاعیه و بیانیه افزایش یافت و پس از نفوذ جنبش در ساختار جامعه فلسطین و دستیابی به جایگاهی غیر قابل چشم پوشی در معادله داخلی، حماس تصمیم گرفت به محیط خارجی و برقراری روابط سیاسی با جهان خارج برای شناساندن خود به دیگران راه یابد. بدین ترتیب حرکت سیاسی و تبلیغاتی حماس در کشورهای پیرامونی آغاز شد تا موجودیت خود را در جهان عرب و اسلام تحکیم کرده و فضای این مناطق را برای حمایت از مسئله فلسطین فعال کند. از سال ۱۹۹۰ سخنگویان و نمایندگان رسمی حماس در برخی کشورها همراه با گشایش دفاتر رسمی در برخی کشورهای عربی و اسلامی مستقر شدند. این اقدام موجب شد جنبش حماس از فعالیت زیرزمینی سیاسی و نظامی در سرزمینهای اشغالی خارج شده و به قلمروهای وسیع برای ترویج برنامه سیاسی خود در مقاومت علیه اشغالگران و شاید برای رقابت با سازمان آزادی بخش فلسطین که از اصل مقاومت به سوی سازش سیاسی (با اسرائیل) عقب نشینی کرده بود، راه یابد.»

پس از آن برقراری ارتباط مستقیم با دیپلماتهای برخی کشورهای غربی و سفرای آنها در چارچوب سیاستهای حماس برای گسترش کانالهای ارتباطی در

روابط خارجی با همه کشورهای جهان و محافل رسمی و غیر رسمی آنها صورت گرفت. جنبش حماس در آغاز به تقویت مناسبات خود با نیروهای

گوناگون فلسطینی همت گماشت و سپس به سوی کشورهای عربی و اسلامی به منظور روشن کردن مواضع و هدفهای خود برای همه کشورهای جهان و نهادهای بین المللی حرکت کرد.^۱

سوم- شبکه نهادها

جنبش حماس جنبش اسلامی است که جنبه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی زندگی انسان را مورد توجه قرار می دهد. در نتیجه این جنبش در قبال موضوع بنای جامعه تحت اشغال خود مسئولیت دارد، بویژه آنکه «اشغال و بی تفاوتی دو روی سکه اند.»

جنبش حماس نهادهای اجتماعی، نیکوکاری و آموزشی و اقتصادی اخوان المسلمین را فعال کرده و آنها را به خدمت مردم فلسطین سوق داده فعالیت این

نهادهای نقش مهمی در کاهش فشارهای ناشی از مقاومت مردم فلسطین (ممنوعیت رفت و آمد، بستن مناطق کرانه باختری و نوار غزه) ایفا کرد.

۱- همان، ص ۹۱.

«نهادهای ساختاری و حمایتی جنبش حماس چه نهادهای بهزیستی و چه آموزشی (مهدکودک ها، مدارس و دانشگاهها) گامهای مهمی در راه جایگزینی نهادهای ملی بوده است. مضافاً بر این نهادهایی از این قبیل به لحاظ مالی کمک بسیار زیادی به جنبش حماس کرد تا مدیریت این نهادها و کارآمدی آن را بالا برده و برنامه مقاومت جویانانه خود را تداوم بخشد.»

چهارم- مقاومت مدنی

حفظ ابزارهای سنتی انتقاضه و نقش آن برای جنبش حماس و دیگر نیروهای فلسطینی اهمیت داشت. سنگ پرانی با دست یا تیرکمان یا سنگ قلاب و آتش زدن لاستیکهای اتومبیل و ایجاد موانع و کاشت میخها در راههای مواصلاتی اسرائیل بخشی از رویاروییهای خودجوش مردم محسوب می شود. از سوی دیگر اعتصابها در کنار دیگر روشهای مقاومت مدنی (تظاهرات، نافرمانی مدنی، اعتراضها و مخالفت با هرگونه همکاری) در برنامه جنبش مقاومت حماس اهمیت فراوانی داشت، زیرا اعتصابها ابزاری بود که تجربه انسانی به مثابه ابزار مخالفت یا مقاومت بدان دست یافته و با هدف تضعیف منافع اقتصادی طرف مقابل و افزایش هزینه های آن به کار گرفته می شد.

جنبش حماس از اواخر نخستین سال انتفاضه امکان پیدا کرد که به صورت مستقل مردم را در کرانه باختری و نوار غزه دعوت به اعتصاب سراسری کند.

مردم به طور کلی به این دعوتها پاسخ مثبت می دادند و به صورت فعال در آن شرکت می کردند. این چیزی بود که بسیاری از سازمانهای فلسطینی قادر به انجام آن نبودند. موفقیت برگزاری اعتصابهای سراسری می توانست نشانه ای از پایگاه وسیع نیروی برگزارکننده در میان مردم باشد.

پنجم- عملیات نظامی

که شامل چند مرحله می باشد.

۱- مرحله مقاومت مدنی مردم از طریق سنگ پرانی، سوزاندن لاستیک خودروها و برگزاری اعتصاب و تحصن سراسری و تحریم کالاهای اسراییلی و نیز ممانعت از انتقال کارگران فلسطینی به وسیله خودروهای اسراییلی و ...

۲- مرحله جنگ چاقوها- این مرحله از ماههای پایانی سال سوم و آغاز سال

چهارم انتفاضه و به صورت طبیعی و در اثر شدت یافتن اقدامات سرکوبگرانه

اشغالگران علیه مردم فلسطین آغاز شد. در این مرحله شمار شهدا و زخمیهای

فلسطینی روبه افزایش گذارد... همچنین عقب نشینی برخی سازمانهای فلسطینی

در عرصه انتفاضه موجب پیدایش مرحله مقاومت مردم با سلاحهای سرد یا

«جنگ چاقوها» شد که در واقع پس از کاهش پدیده مشارکت مردم در انتقاضه به وقوع پیوست. این امر موجب شد آن که رهبران فلسطینی در جست و جوی راهی برای انتقال به فاز عملیات کیفی باشند. در این میان «جنگ چاقوها» از ابزارهایی بود که به جای اتکا به مشارکت انبوه مردم، به گروههای محدودی از مبارزان نیاز داشت.

۳- مقاومت مسلحانه- جنبش حماس پس از مشارکت در روند رویاروییهای مردمی و فرماندهی «جنگ چاقوها»، عملیات نظامی را بهبود بخشید و آن را به عملیات کیفی ارتقا داد. در واقع آنچه گردان های عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس، در ژانویه ۱۹۹۲ انجام داد یکی از نتایج انتقاضه بود، زیرا با طولانی شدن سالهای انتقاضه، به نظر می رسد نیاز به کاستن فعالیتهای کلی انتقاضه و انتقال به مرحله ساماندهی عملیات کیفی به منظور کاهش فشارهای اقتصادی و اجتماعی و نیز جلوگیری از ادامه تعطیلی مراکز آموزشی و خدماتی، مطرح شد.

از سوی دیگر افزایش عملیات «واحدهای ویژه اسرائیل» در پیگرد و ترور هسته ای فعال انتقاضه به نوبه خود نقش مهمی در تسریع عملیات نظامی سازماندهی شده جنبش حماس ایفا کرد، زیرا این اقدام از یک سو پشتوانه مهمی برای

انتقاضه محسوب می شد و از سوی دیگر می توانست در رویارویی با اقدامات خشونت بار اسرائیل، موازنه نسبی برقرار کند.

نقش و موقعیت جنبش حماس پس از هر عملیات گردان های مسلح عزالدین قسام در صفوف فلسطینیها تقویت می شد. واکنش مثبت مردم فلسطین به جنبش حماس امکان داد کارکرد نظامی خود را متنوع کرده و بهبود بخشد.

وجوب جهان برای آزادی فلسطین

هر گاه دشمنان منطقه ای از سرزمین اسلامی را غصب و اشغال کنند، جهاد بر

همه مسلمانان فرض عینی خواهد بود. برای مقابله با اشغال فلسطین به دست یهودی چاره ای جز به اهتزاز درآوردن پرچم جهاد وجود ندارد. این امر هم نیازمند آگاهی اسلامی عموم مردم مسلمان در جای جای مناطق جهان اسلام است، نیز، باید روحیه جهاد را در میان امت اسلامی توسعه داد و با آغاز نبرد علیه دشمنان، به صفوف مجاهدان پیوست.

افزایش آگاهی عمومی نیز نیازمند فعال شدن اندیشمندان و علمای مسلمان و فعالان عرصه های آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت و اصحاب مطبوعات و رسانه ها و عموم اهل فرهنگ به ویژه جوانان و پیران عضو جنبش های اسلامی است. برای این منظور باید تغییراتی پایه ای در نظام آموزشی ایجاد شود و آثار

تجاوزات فکری که به دست خاورشناسان و مبشران مسیحی در نظام های آموزشی کشورهای اسلامی نفوذ کرده است، زدوده شود. این متجاوزان پس از

آنکه صلاح الدین ایوبی ارتش های صلیبی را از منطقه بیرون رانده بود و صلیبی ها فهمیدند که سرکوب و سیطره بر مسلمانان جز با یورش فکری به آنان و آشفته کردن اندیشه های اسلامی و تخریب وجهه میراث این تمدن و تخریب وجهه تمدن آنان امکان پذیر نیست و پس از آن است که تجاوز نظامی میسر می شود و این تهاجم فکری بود که مقدمات تجاوز استعماری غرب را فراهم کرد و

ژنرال آلنبی فرمانده ارتش انگلیس به هنگام ورود به قدس گفت: «امروز جنگ های صلیبی پایان یافت» و یک ژنرال دیگر انگلیسی به نام «گورو» در برابر مقبره صلاح الدین ایستاد و گفت: «آری، صلاح الدین، ما دوباره باز گشته ایم.» استعمار زمینه را برای تقویت تهاجم فرهنگی و فکری و تعمیق ریشه های این تهاجم که همچنان نیز پابرجا مانده است، فراهم کرد و همه این ها زمینه ساز از دست رفتن

فلسطین گردید.

می بایست قضیه فلسطین در ذهن و فکر نسل های مسلمانان به عنوان یک قضیه دینی احیا گردد و بر این اساس این قضیه حل و فصل شود، زیرا بخشی از مقدسات اسلامی از جمله مسجد مبارک الاقصی که با مسجد الحرام و با اسرا و

معراج رسول گرامی اسلام (ص) پیوندی ناگسستنی دارد، در این سرزمین واقع است.

«یک روز جهاد در راه خدا از دنیا و هر آنچه در آن است، بهتر است و جای شمشیر یکی از شماها بهتر از دنیا و همه چیزهایی است که در آن است و رفت و آمد بنده در مسیر جهاد در راه خداوند از آنچه در دنیا و هر آنچه در آن است بهتر است.»^۱

همبستگی اجتماعی حماس

جامعه اسلامی یک جامعه به هم پیوسته است و پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «اشعری ها قوم خوبی هستند که اگر در سفر یا حضر کاری می کنند، آنچه را در اختیار دارند گرد می آورند و سپس به صورت مساوی میان خود تقسیم می کنند. این روحیه اسلامی باید بر همه جوامع مسلمان حاکم شود، جامعه ای که با دشمنی ددمنش و نازیست که میان زن و مرد و کبیر و صغیر

تفاوتی قائل نیست، باید به روح و معانی اسلام و تعالیم و آموزه های آن متصف باشد. دشمن ما از روش مجازات دسته جمعی استفاده می کند، میهن و املاک مردم را غصب و اشغال کرده و آنان را در پناهگاه ها و اردوگاه هایشان هم

۱- میثاق نامه جنبش مقاومت اسلامی حماس، ماده ۱۵.

راحت نمی گذارد و از انواع ترفند و عملیات ها مانند «شکستن استخوان» و غیره و با بهانه و بدون بهانه به سوی زنان و کودکان و سالمندان تیراندازی می کند و

آنان را هدف قرار می دهد و هزاران نفر را در زندان هایش با وضعیتی اسفناک به اسارت گرفته است، مضاف بر آنکه منازل را تخریب، کودکان را یتیم و احکام جائزانه ای در حق هزاران جوان صابر می کند تا آنان بهترین دوره زندگی خود را که جوانی است در سیاهچال های اسارتگاه های صهیونیستی سپری کنند.

سیاست فاشیستی صهیونیست ها حتی زنان و کودکان را نیز استثنا قرار نمی

دهد، زیرا بر اساس افکار و اندیشه های برگرفته از صهیونیسم همه باید از این جنایت ها آسیب ببینند، آنان معیشت مردم را نیز مورد تهاجم قرار داده اند و اموال آنان را غارت و چپاول و شرف آنان را لگدمال کرده اند و با این جنایت های بی شرمانه با مردم حتی بدتر از جنایتکاران جنگی رفتار می کنند، سیاست تبعید از وطن نیز نوعی کشتار است. در برابر این اقدامات و جنایت ها و تجاوزها،

همبستگی، اتحاد، انسجام و یکپارچگی میان مردم فلسطین ضروری است و برای

مقابله با دشمن صهیونیستی باید متحد بود و چون پیکره ای واحد عمل کرد که اگر عضوی به درد آید، سایر اعضا با تب و درد، بیماری را نشان دهند.^۱

تقدیم کمک های مادی و معنوی به نیازمندان یکی از مظاهر همبستگی اجتماعی است و مشارکت در انجام کارها نیز بخشی دیگر از آن است. اعضای جنبش اسلامی باید منافع عموم مردم را همسان منافع شخصی خود بدانند. آنان باید از هیچ تلاشی برای تحقق منافع عمومی و حفظ و حراست از آن فروگذار نکنند و از هر چیزی که بر آینده نسل ها تاثیر منفی می گذارد یا برای جامعه ای که در آن

زندگی می کنند زیانبار باشد، جلوگیری کنند، زیرا این مردم از طیف همین عناصر هستند و آنها نیز از مردمنند، قدرت مردم قدرت آنان به شمار می آید و آینده ملت آینده آنان است. اعضای جنبش مقاومت اسلامی باید در غم و شادی مردم با آنان شریک باشند و از خواسته ها و مطالبات آنان حمایت کنند و از هر آنچه منافع و اهداف جنبش اسلامی و مردم را تأمین کند، دفاع کنند. اگر روزی این روحیه بر جامعه ما حاکم شود انس و الفت میان مردم تعمیق می یابد و همکاری

۱- همان، ماده بیستم.

و همفکری صورت واقعی می پذیرد و وحدت تثبیت می گردد و صفوف در برابر دشمنان متحدتر و منسجم تر می شود.^۱

جهان شمولی دایره مبارزات فلسطین از دیدگاه حماس

صهیونیسم جهانی و قدرت های استعماری با حرکتی هوشمندانه و برنامه ریزی شده و هدفمند تلاش می کنند که کشورهای عربی را یکی پس از دیگری از دایره درگیری با صهیونیست ها کنار بگذارند تا ملت فلسطین در این مسأله تنها بماند.

صهیونیسم مصر را با امضای توافق ننگین کمپ دیوید عملا و تا حد زیادی از

دایره منازعه کنار گذاشت. رژیم صهیونیستی همچنین تلاش می کند که با امضای

توافقاتی مشابه با دیگر کشورها، آنها را نیز از دایره درگیری دور سازد.

جنبش مقاومت اسلامی از ملت های عرب و مسلمان می خواهد که مانع اجرای

این توطئه پلید شوند و در جهت توجیه عموم مردم بکوشند و عموم مرد را نسبت

به خطری که فاصله گرفتن از مبارزه با دشمن صهیونیستی برای همه مسلمانان

در بر دارد، آگاه سازند، زیرا امروز فلسطین با این خطر مواجه است و فردا

منطقه یا مناطق دیگری با همین خطر مواجه خواهند بود و توطئه صهیونیسم حد

و مرزی ندارد و آنان پس از فلسطین قصد دارند طرح شوم «نیل تا فرات» خود را

۱- همان، ماده بیست و یکم.

اجرا کنند و هنگامی که منطقه مورد نظر خود را بلعیدند به فکر بلعیدن و توسعه سلطه خود بر دیگر نقاط خواهند افتاد و طرح های آنان در «پرتکل های دانشجویان صهیون» و وضعیت کنونی آنان بهترین دلیل این امر است.

بنابراین دور شدن و خروج از دایره درگیری با صهیونیسم خیانتی بزرگ محسوب می شود و کسانی که به این خیانت دست می زنند، مطرود و ملعون جامعه مسلمانان خواهند بود. «و من یولهم یومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحیزا الی فئه فقد باء بغضب من ا... و ماواه جهنم و بئس المصیر» (انفال / ۱۶)

«هر کس در آن هنگام بدانان پشت کند و فرار نماید مگر برای تاکتیک جنگی یا پیوستن به دسته ای گرفتار خشم خدا خواهد شد و جایگاه او دوزخ خواهد بود و دوزخ بدترین جایگاه است.»

به همین سبب باید همه نیروها و توانایی ها برای مقابله با این تجاوز وحشیانه و ددمنشانه بسیج گردند و در غیر این صورت سرزمین های اسلامی از دست

خواهند رفت، ساکنان آنها آواره خواهند شد و فساد در زمین گسترش خواهد یافت و همه ارزش های دینی نابود خواهد شد و هر انسانی باید بداند که در برابر خداوند متعال مسئول است. «فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرا یره» (الزلزله / ۷-۸) «پس هر کس که به اندازه یک خردال کار نیک انجام دهد

(پاداش) آن را خواهد دید و هر کس که به اندازه یک خردل کار بد انجام دهد
(پادافره) آن را خواهد دید.»

در نبرد با صهیونیسم جهانی، جنبش مقاومت اسلامی خود را رأس پیکان یا خط
مقدم جبهه نبرد می داند و در تلاش است تا همه فعالیت ها و تلاش های فعالان
عرصه فلسطین را در خود گرد آورد و پس از آن باید از سوی جهان اسلام و
جهان عرب گام های دیگری در این مسیر برداشته شود، زیرا فردا مسئولیت
مقابله با توسعه طلبی یهودیان آن تجار جنگ ها، بر عهده جهان اسلام و جهان
عرب است.

ویرانگر تاتارها که می توانست همه تمدن بشری را نابود کند، به دقت می نگرد و
از آن درس عبرت می گیرد، زیرا تجاوز و تهاجم امروزی صهیونیست ها پس از
آن تجاوزات و تهاجمات صلیبی غربی ها و یورش تاتارهای شرقی تبار صورت
گرفته است و همان گونه که مسلمانان با آن تهاجم ها مقابله کردند و اقداماتی

برای دفع آن انجام دادند و عاقبت آنان را شکست دادند، این بار نیز می توانند با
این تهاجم صهیونیستی مقابله کرده و متجاوزان را دفع کنند و آنان را شکست
دهند و این امر بر خداوند متعال دشوار نیست، اگر مسلمانان نیت ها را خالص و

عزم و اراده خود را تقویت کنند و از تجربه های گذشته بهره بگیرند و اثرات تجاوز فکری را بررسی کنند و روش های گذشتگان خود را در پیش گیرند.

اعضای جنبش مقاومت اسلامی سربازند.

جنبش مقاومت اسلامی حماس در ادامه راه خود یک بار دیگر به همه فلسطینیان و ملت های عربی و اسلامی تاکید می کند که این جنبش در پی کسب شهرت برای خود یا کسب منافع مادی یا جایگاه اجتماعی برای خود نیست و دشمن یا رقیب هیچ یک از فرزندان ملت فلسطین نیست و درصدد گرفتن جایگاه هیچ یک از آنان

نیز نیست. این جنبش همچنین دشمن هیچ یک از مسلمانان یا غیر مسلمانانی که از در صلح با و به طور مسلم خدا یاری می دهد کسانی را که او را یاری دهند. خداوند نیرومند و چیره است.

حمایت های حماس

هدایت و آموزش شاخه نظامی جنبش حماس در درون سرزمین های فلسطینی انجام می گیرد. در گذشته، مبارزه در مرزها انجام می گرفت و کمک ها از کشورهای همسایه دریافت می شد و از طریق حزب ا... و خود حزب ا... کمکهای بسیاری دریافت می نمودیم. اما این مساله متعلق به یک دوره ای بود و سپری شد. در نتیجه، مقاومت به داخل محدود شد و این شرایط جدید ما را به همکاری

با نیروهای خارجی در ابعاد سیاسی و تبلیغاتی ملزم می سازد... ما شیوه توسعه و مراوده با همگان را در امت عربی و اسلامی برگزیده ایم.^۱

طرح حماس برای اتحاد گروه ها

ما در طرح خودمان اعلام کرده ایم که بر وحدت موضع فلسطین کاملاً پایبند هستیم، و اشاره کرده ایم که چارچوب های فعلی بیانگر موضع سیاسی فلسطین نیست. ما خواستار شده ایم که یک مرجع عالی فلسطینی برای یک مدت محدود مورد توافق تشکیل گردد و مسئولیت اتخاذ تصمیم را که برای همگان لازم الاجرا

خواهد بود، بر عهده بگیرد، و ضعف ها و کاستی هایی را که ممکن است رهبری فلسطین و از جمله سازمان آزادی بخش داشته باشد، مورد مطالعه و بررسی قرار دهد، و ضوابطی را تعیین نماید که در نهایت بازگوینده نظریات و خواسته های تمامی فلسطینی ها باشد.

آیا این پیشنهاد مصر را که عرفات یک رئیس افتخاری باشد و نخست وزیری

تعیین گردد که اختیارات حقیقی در دست او باشد، می پذیرید؟

۱- هبه محمد پاشا، ترجمه محمد حسین زوار، الاهرام چاپ مصر، ۲۰۰۴ هـ م.

ما با عرفات مشکلی نداریم. اختلاف ما با عرفات نه اختلاف شخصی که یک اختلاف سیاسی است و چنانچه در مورد یک مشی سیاسی به توافق برسیم، از نظر ما مانعی وجود نخواهد داشت که عرفات رئیس شود.

اسامه حمدان، عضو دفتر سیاسی جنبش حماس، تاکید کرد که این جنبش و جهاد اسلامی و جبهه خلق و فرماندی کل و صاعقه حاضر نشدند هدف قرار دادن غیر نظامیان را متوقف سازند. وی بر درخواست حماس در مورد پی ریزی چارچوب رهبریت جدید فلسطینی تاکید ورزد.

مسأله اسراء هدف حماس

مساله بازداشت شدگان فلسطینی و برادران عرب آنها که جیفه ای دنیوی را رها کردند تا در میدان شرافت و جایگاهی برای خودشان دست و پا کنند، از مهمترین مسایلی است که جنبش مقاومت اسلامی فلسطین سعی می کند راه حل هایی شرافتمندانه برای آن بیابد. در حال حاضر، بیش از هشته هزار بازداشت شده

فلسطینی و عرب در پشت میله های زندان های دشمن صهیونیستی به سر می برند. این عدد رقم ثابتی است که احتمالاً در برخی مواقع کم و زیاد می شود، اما تعداد واقعی شکنجه شدگان در اتاق های بازجویی صهیونیست ها، که سال ها در سلول ها و بازداشت گاههای دشمن به سر بده اند صدها هزار نفر است. با وجود

بهانه های امنیتی که صهیونیست ها برای محروم ساختن این تعداد عظیم از نعمت زندگی بدان متوسل می شوند، ولی رهبران تروریست و فاسد صهیونیستی از این بازداشت های ظالمانه و غیر انسانی اهداف پلیدی را دنبال می کند. از جمله این اهداف:

۱- ایجاد رعب و وحشت در دل جوان فلسطینی مسلمان مدافع میهن: آن با هدف کشتن روح جهاد و مبارزه - که از ویژگی های این نسل مسلمان به طور اخص در فلسطین و به طور اعم در جهان عرب و اسلام به شمار می رود می باشند.

آنچه امروزه صهیونیست ها از آن بیم دارند ظهور نسل های مومن دارای اعتقاد و کرامت است که، زیر بار سازش و تسلیم شدن نمی رود.

۲- محروم ساختن جوانان فلسطینی از فرصت های آموزشی و ارتقا به درجه شناخت و معرفت: اکثریت بازداشت شدگان جوانانی هستند که در مراحل مختلف یادگیری هستند. آشکار است که دانش به عنوان یکی از مهمترین عناصر قدرت که

همه به آن نیازی مبرم دارند دارای یک ارزش است. تا بتوان با دشمن صهیونیستی غاصب میهن و مقدسات مقابله نمود.

۳- صهیونیست ها از بازداشت به عنوان یک شیوه پلید برای انداختن جوانان فلسطینی در دام سرسپردگی از طریق اعمال شکنجه های شدید جسمی و روحی

در اتاق های بازجویی استفاده کردند، و متأسفانه شماری از جوانان فلسطینی از شدت شکنجه های وارده جان به جان آفرین تسلیم کرده اند.

۴- دشمن صهیونیستی از بازداشت به عنوان وسیله ای برای اعمال فشار بر جوانان فلسطینی با هدف وادار ساختن آنها به مهاجرت از میهن استفاده کرده اند. به آنها گفتند که از بین بازداشت یا مهاجرت یکی را برگزینند. در نتیجه، هزاران جوان به امید کسب دانش و درامان ماندن از بازداشت تن به مهاجرت ناخواسته دادند، و شماری از آنان نتوانستند مجدداً به خاک میهن بازگردند.

۵- بازداشت یکی از روش های شیطانی دشمن برای آشفته کردن وضعیت اقتصاد ملت فلسطین است، که اصلاً به دلیل عملکردهای ظالمانه اشغالگران، و به دلیل شیوع فساد در حال احتضار به سر می برد. این تعداد زیاد از جوانان به صورت نیروهای غیر فعال و ناکارآمد درآمده اند و در عین حال بار سنگینی بر اقتصاد فلسطین به شمار می روند. این جوانان به کسانی نیاز دارند که به وضعیت معیشتی آنها و خانواده هایشان که نان آور خودشان را بازداشتگاه ها از دست داده اند رسیدگی نمایند.

۶- غرق کردن ملت در رنج و گرفتاری به طوری که تقریباً یکی از اعضای هر خانواده فلسطینی در بازداشتگاههای رژیم صهیونیستی بسر می برد، هر خانواده

فلسطینی که به ملاقات فرزند یا فرزندان‌شان در بازداشتگاه‌های صهیونیست‌ها می‌روند محدودیت‌های سخت و دشواری را متحمل می‌شوند، و انجام یک ملاقات انتظاری چندین ساعته را می‌طلبد.

۷- بازداشت، تلاشی مذبوحانه از سوی دشمن برای متوقف کردن عملیات شهادت طلبانه است دشمن معمولاً برای تحت فشار گذاشتن جوانان مسلمان که آرزویی بهتر از شهادت در راه خدا ندارند به بازداشت پدران و مادران و برادران و فرزندان شهدا متوسل می‌شود.

دشمن صهیونیستی برای تحقق این اهداف هزاران بازداشت شده فلسطینی را در بدترین شرایط به عنوان گروگان نگهداشته است. در نتیجه، یکی از مهمترین دغدغه‌های جنبش اسلامی فلسطین آزادی این بازداشت شدگان است.^۱

ما می‌دانیم که حزب ا... جغرافیایی را در اختیار دارد که ما از آن بی‌بهره ایم، این جنبش می‌تواند اسرای صهیونیستی را در اختیار داشته باشد بی‌آنکه

صهیونیست‌ها بتوانند به آنها دسترسی پیدا کنند، و همین امر ذهن صهیونیست‌ها را به بررسی و تفکر در مورد مبادله به خود مشغول می‌کند. اما اگر این

۱- رنتیسی، عبدالعزیز، موضوع اسراء در صدر ...، ترجمه: محمد حسین زوار کعبه، القدس العربی، ۱۷ بهمن ۱۳۸۲، ص ۲۶.

عملیات در داخل فلسطین صورت گیرد، صهیونیست ها طرح هایی را برای عقیم ساختن عملیات پی ریزی خواهند کرد. آنها هرگز به مبادله نمی اندیشند مگر اینکه

امید به امکان نقش برآب ساختن عملیات را از دست بدهند، و این اتفاق بارها رخ داد و حماس طی بیش از ۲۲ عملیات توانست تعدادی از سربازان صهیونیستی را دستگیر نماید. از مشهورترین دستگیرشدگان عملیات می توان آفی سیسپارتوس، ایلان سعدون، نسیم تولیدانو، نخشون فاکسمن، شارون ادری، آلون کرفاتی، یارون تشین، یهودک روک، ایلان لیفی، یوهوشوا فریدبرگ و غیره را نام برد.

رد راه حل های سازش با صهیونیسم

طرح ها و آنچه راه حل های مسالمت آمیز و سمینارهای بین المللی برای حل و فصل قضیه فلسطین نامیده می شود، با عقیده جنبش مقاومت اسلامی در تضاد است. زیرا چشم پوشی از جزئی از فلسطین به معنای چشم پوشی از بخشی از دین است، زیرا میهن پرستی جنبش مقاومت اسلامی بخشی از دین و عقیده این

جنبش است و بر این اساس اعضای خود را تربیت می کند و آنان برای به اهتزاز درآوردن پرچم دین الهی در میهن خود جهاد می کنند.

«و ... غالب علی امره و لکن الناس لا یعلمون» (یوسف/۲۱) «و خداوند بر کار خویش چیره است، اما مردم آن نمی دانند»

هر از چند گاهی فراخوانی به منظور برگزاری سمینار یا کنفرانسی بین المللی به منظور حل قضیه فلسطین منتشر می شود و برخی راه حل های ارائه شده را می

پذیرند و برخی رد می کنند و هر یک برای برگزاری کنفرانسی یا مشارکت در آن شرط و شروطی می گذارند. جنبش مقاومت اسلمی به سبب آنکه برگزار کنندگان این کنفرانس ها و سمینارها را می شناسد و از مواضعی که آنان در گذشته و حال در قبال قضایای مسلمانان گرفته اند، آگاه است، عقیده دارد که این کنفرانس ها و سمینارها خواسته های مسلمانان را محقق نمی سازد و حقوقشان را به آنان

باز نمی گرداند و انصاف را در حق ستمدیدگان رعایت نمی کند. این جنبش همچنین بر این باور است که این سمینارها و کنفرانس ها یکی از راه های تحکیم سیطره اهل کفر در سرزمین مسلمانان است، بنابراین کی دیده شده است که اهل کفر در حق اهل ایمان انصاف قائل شوند؟

«و لن ترضی عنک الیهود و لا النصارى حتى تتبع ملتهم قل ان هدی ا... هو الهدی

و لئن اتبعت اهواءهم بعد الذی جاءک من العلم ما لک من ا... من ولی و لا نصیر»^۱
«یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خشنود نخواهند شد، مگر این که از آئین آنان پیروی کنی، بگو: تنها هدایت الهی هدایت است و اگر از خواست ها و آرزوهای

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۰.

ایشان پیروی کنی، بعد از آنکه علم و آگاهی یافته ای، هیچ سرپرست و یاوری از جانب خدا برای تو نخواهد بود.»

قضیه فلسطین راه حلی جز جهاد ندارد و طرح ها و پیشنهادهای و سمینارها و کنفرانس های بین المللی جز تلف کردن وقت و تلاش بیهوده ثمری ندارد و نباید به کسی اجازه داده شود که آینده و سرنوشت ملت فلسطین و حقش را در تعیین سرنوشتش به بازی بگیرد.^۱

آتش بس مشروط حماس «خروج اسرائیل از نوار غزه»

سخنگوی سازمان حماس پس از ملاقات اسماعیل هانیه، وزیر امور داخلی فلسطین، با ابومازن و محمود دحلان، گفت که سازمان حماس مایل است حملات خود را در داخل مرزهای به رسمیت شناخته شده اسرائیل متوقف کند، مشروط بر آنکه اسرائیل نیز از سوء قصد به رهبران حماس و کشتن آنان دست بردارد. با این حال، او تاکید کرد که حمله به ساکنان شهرک های مهاجرنشین و سربازان مستقر در کرانه باختری و غزه ادامه خواهد داد.

قیس ابوالیلا، رهبر جبهه دموکراتیک رهایی بخش فلسطین گفت: ممکن است آنها یک آتش بس مشروط را بپذیرند. آنان از جانب قدرت های منطقه از جمله

۱- میثاق نامه جنبش مقاومت اسلامی حماس، ماده سیزدهم.

عربستان سعودی تحت فشار بسیار شدیدی قرار گرفته اند. سوریه در حال حاضر بی طرفی در پیش گرفته است و شواهدی در دست است که حتی ایران در موضع گیری خود (در قبال آن سازمان) به ملایمت روی آورده است. من کوچکترین تردیدی ندارم که حماس و احتمالاً جهاد اسلامی کلیه اقدامات نظامی خود را متوقف خواهند کرد، مشروط بر آنکه اسرائیلی ها نیروهای خود را از کرانه باختری و غزه، صرف نظر از این که در حال حاضر چه می گویند، خارج کنند.^۱

مواضع جدید حماس، پس از شهادت شیخ یاسین رهبر حماس

اگر، به دلیل جایگاه معنوی بزرگ این شیخ جلیل در جنبش، درباره سرنوشت جنبش حماس پس از شهادت نامبرده پرسشی به میان آید، این پرسش هر آینه در خود جنبش مطرح نیست، نه از آن روی که غیبت شیخ هیچ اثری در پی ندارد، که از آن روی که شیخ توانست سازمان پیکارجویی بنیاد نهد که توانست خود یک جنبش مرد می گردد، و هنگامی که هر جنبش پیکارجو به این مرحله برسد، دیگر، غیبت رهبر، هرچه هم بلند پایگاه باشد، اثر منفی ای در روند حرکت آن

۱- کونال اورکها، آمادگی حماس برای دادن یک آتش بس، ترجمه: مهری ملکان، فلسطین در مطبوعات جهان، اردیبهشت، ۱۳۸۲، ص ۲۰.

نخواهد داشت. جنبشی که دارای سررشتی مردمی است، می تواند خلاء خاسته از میان رفتن هر رهبری را پر کند، و این همان کاری است که حماس توانست با موفقیت انجام دهد، و این هنگامی بود که به روانی و سرعت امور رهبری خود را سامان داد، و دکتر عبدالعزیز رنتیسی چونان مسئول حماس در داخل، و دکتر خالد مشعل، چونان رئیس دفتر سیاسی همه جنبش (در داخل و خارج) برگزیده شدند.

شیخ احمد یاسین، در نظر، مسئول جنبش در داخل بود، ولی نفوذ معنوی وی بسیار از این بیشتر بود. یک اشاره از او کافی بود که یک موضع سیاسی اتخاذ شود یا یک تصمیم سیاسی که با آن مخالف بود، منتفی شود. همه به دیدگاه وی، اگر هم با آن مخالف بودند، توجه می کردند. بدین سان، سلسله مراتب ویژه ای، ویژه جنبش حماس، پدید آمد که ارتباطی با سلسله مراتب تشکیلاتی اعلام شده نداشت.

اما پس از شهادت شیخ و از میان رفتن این جایگاه معنوی موثر، بازگشت به سلسله مراتب تشکیلاتی سنتی ناگزیر بود، و این سلسله مراتبی بود که اختیارات را یکسر به دست دفتر سیاسی می سپرد و مسئول داخل (جدید) نیز بر پایه این سلسله مراتب وابسته به دفتر سیاسی و تصمیمات آن است و باید با آن هماهنگی

کند. گفته دکتر رنتیسی در آیین های سوگواری در غزه، با این مضمون که وی به فرمانبری پایبند است، و همچنین صدور بیانیه رسمی ای از جنبش حماس با امضای خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی، که در آن انتخاب دکتر رنتیسی برای به عهده گرفتن مسئولیت جنبش در داخل اعلام شده بود، خود نشانی از همین بازگشت به سلسله مراتب سازمانی است. بدین سان، حماس به روانی و سرعت از یکی از پیچیده ترین مشکی که جنبش ها و گروهها و احزاب با آن، در تنگنایی از این دست، روبه رو می شوند، گذشت.^۱

در مصاحبه تلویزیونی، خالد مشعل با عباراتی قاطع و نیرومند موضع جدید و متمایزی را اعلام کرد و گفت: ما به کسانی که با نیروگیری از روابط خود با طرف های اسرائیلی و غیر اسرائیلی در اندیشه آند که بر غزه تسلط یابند، هشدار می دهیم که جنبش در کمین آنها خواهد بود و به آنها اجازه نخواهد داد که آن چه را بدان می اندیشند، تحقق بخشند، و جنبش این امر را یک خط قرمز به شمار می آورد که نمی توان پا از آن فراتر نهاد. این موضع نو پدید حماس را، پس از آن که در موضع یک واکنشگر بود به جایگاه مسئول سرنوشت میهن، به

۱- بلال الحسن، آیا حماس وارد مرحله سیاسی جدید شده است. ترجمه محمد رضا آصفی، شرق الاوسط، ۴ آوریل ۲۰۰۴.

جایگاه یک پیشگام و پیشدست فرا می برد، و این خود موضعی است که ناگزیر پیامدهایی در آینده خواهد داشت.

موضع دیگری را نیز خالد مشعل در سخنرانی خود در آیین سوگواری ای که حزب ا... لبنان در بیروت برگزار کرد، اعلام کرد. او گفت که جنبش حماس از این پس به کسی که شایستگی ندارد اجازه نخواهد داد به تنهایی و از پشت سر ملت فلسطین توافقنامه هایی امضا کند و در روند آن از این یا آن حق در گذرد. این موضع جنبش حماس را در تصمیم گیری های سیاسی فلسطین شریک خواهد کرد، و این شراکت شراکتی عملی خواهد بود و نه شراکتی ملی به معنی عام واژه. و این موضع نیز پیامدهای خود را در آینده خواهد داشت.

حماس (مخفف حرکت مقاومت اسلامی) با مدارس و بیمارستانهای خاص خود امروزه وزنه مخالف چشمگیری را در مقابل دستگاه حکومتی فلسطینی تشکیل می دهد. بازوی نظامی آن، پس از آغاز شدن نخستین قیام انتفاضه در سال

۱۹۸۷ شکل گرفت. سوء قصد کنندگان انتحاری این سازمان امروزه برای اسرائیل خطری به مراتب بزرگ تر از ساف به شمار می روند. دولت غیر دینی ساف برای اسلامگرایان فاقد اهمیت است. آنان در تلاش برای نیل به حکومت الهی و اسلامی هستند. در این نوع از حکومت برای اسرائیل جایی نیست. اسرائیل باید نابود

گردد. ابراهیم غوشه، از جناح رهبری امور خارجی حماس، چنین می گوید: هر یهودی در سراسر جهان دشمن خونی ماست.

مقر جناح رهبری خارجی این گروه در دمشق است. این گروه از اردن طرد شده است.^۱

ایران و سوریه یاری رسانی های نظامی، آموزشی و تهیه سلاح را امکان پذیر می سازند. بخش دیگر کمک های مالی از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس به آنان می رسد.

در بسیاری از کشورهای غربی، منابع مالی معروف مسدود شده اند. در آلمان این منبع، صندوق الاقصاب بود.

این کمکهای مالی برای مقاصد رزمی و نهادهای اجتماعی واریز می شود که در این مورد تفکیکی روشن وجود ندارد. در عین حال، بنیان اصلی حماس کمتر در نیروی ضربتی نظامی آن نهفته است دیگر وجهه این گروه در نهادهای اجتماعی

اش است. کسی که در مناطق فلسطینی به کمک نیاز داشته باشد، می تواند میان

۱- نوربرت یسنی، دولت الهی و اسلامی یک هدف می ماند، ترجمه، پریسا رضایی، مجله دی دولت آلمان، ۳۰ اوت ۲۰۰۳.

تشکیلات خودگردان و حماس یکی را انتخاب کند. یاری رسانه‌ی حماس سریعتر و غیر بوروکراتیک تر است.

نابودی رژیم صهیونیستی از سرکوب حماس آسانتر است «خالد مشعل»

خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس در گفتگوی

مفصلی با هفته نامه کویتی المجتمع خاطر نشان کرد از آنجاییکه رژیم

صهیونیستی در طول ۸ سال مذاکرات به اهمیت و تأثیر همکاری امنیتی با

حکومت خودگردان پی برده است، می کوشد این تشکیلات را در تأمین خواسته

هایش و مهار نیروهای مقاومت تحت فشار قرار داد. لیکن مردم فلسطین تسلیم

اینگونه فشارها نخواهند شد و از طرفی عامل و مسئول عملیات مقاومت همان

طرفی است که اشغالگری، کشتار و خشونت را پایه ریزی کرده است.

وی هماهنگی امنیتی میان رژیم صهیونیستی و حکومت خودگردان را از

چالشهایی دانست که موجب کندی عملیات نظامی شده و همچون خنجری بر

پشت مقاومت نشسته است.

خالد مشعل اظهار عقیده نمود که وضعیت موجود به هیچ یک از طرفین (رژیم

صهیونیستی و تشکیلات خودگردان) اجازه بازگشت به هماهنگی فیمابین را نمی

دهد و جای توجیهی باقی نگذاشته است.

رئیس دفتر سیاسی «حماس» اوج همکاری سه جانبه آمریکا، رژیم صهیونیستی و

حکومت خودگردان را پس از اجلاس شرم الشيخ مصر دانست و افزود این سه به

خود امید می دادند که توانسته اند زیر بنای جنبش حماس را از بین ببرند ولی گذشت زمان خلاف این امید واهی را ثابت کرد و نشان داد که حماس تشکیلات بی پایه و بی ریشه ای نیست که بتوان بسادگی آن را از بین برد.

وی گفت، حماس ریشه در باورهای مردم فلسطین دارد. حماس نهضتی فراگیر و برخوردار از برنامه و مشی نظامی - سیاسی، اجتماعی بوده و دارای نهادهای خدماتی است که کاملاً در خدمت مردم هستند.

خالد مشعل تاکید کرد، جنبش با این وسعت و فراگیری و با این حجم عظیم خدماتی و نیز در سایه همدلی و همگرایی گسترده مردمی با آن، نه تنها از بین بردنش را محال ساخته که زوال رژیم صهیونیستی را از سرکوب حماس آسانتر گردانیده است.

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس از مزایای انتفاضه اقصی را مکمل بودن مقاومت دانست و گفت، اگر انتفاضه یک ضرورت است، مقاومت نیز یک ضرورت

مبرم است چه هر دو کانون امنیت رژیم صهیونیستی را نشانه رفته اند. وی در همین رابطه تصریح کرد، اینک مردم به این باور رسیده اند که راهی و گزینه ای جز مقاومت ندارند، خاصه اینکه دوره هشت ساله مذاکرات نه تنها هیچ دست

آوردی نداشته که از پایان دادن به توسعه شهرک سازی صهیونیست ها عاجز مانده است.^۱

عدم ادغام حماس و دولت خودگردان

حماس که محبوبیت خود را بر شهرت درستکاری و عزم فعالان خود که مسئولیت بیشتر سوء قصدهای انجام شده در اسرائیل را بر عهده دارند بنا کرده است، حاضر نیست آنچه پیروزی خود می داند از دست بدهد. چندی قبل از کشته شدن بنیانگذار حماس، شیخ احمد یاسین در ۲۲ مارس، اعلام کرده بود که نهضت

حماس به مسئولیت خود پس از خروج احتمالی ارتش اسرائیل از غزه عمل خواهد کرد. حماس که سوگند خورده است انتقام قتل وی را بگیرد موضع خود را تغییر نداده است و حضور خود را در غزه اجتناب ناپذیر می داند.

یاسر عرفات با آگاهی از اینکه تناسب نیروها همچون گذشته به نفع وی نیست به طور آشکار خواهان ادغام حماس در تشکیلات فلسطین شده است. تاکنون نهضت

اسلامگرای حماس همواره از پیوستن به ساف تحت کنترل عرفات از طریق الفتح، مهمترین نهضت فلسطینی، خودداری کرده است.

۱- صدای فلسطین اسلامی، سال سوم، شماره ۳۲، تیر ۱۳۸۰.

حماس که دومین نهضت مهم در میان جمعیت فلسطینی پس از فتح می باشد ترجیح می دهد به جای حل شدن در نهادهای کنونی ساختارهای جدیدی ایجاد کند. اما برای آقای عرفات این دورنما چندان قابل ملاحظه نخواهد بود.

فصل سوم - بخش سوم

تقابل تشکیلات خودگردان فلسطین و حماس

مخالفت شدید حماس با تشکیل دولت فلسطین

پس از پایان کار نوزدهمین دوره اجلاس شورای ملی فلسطین و صدور قطعنامه

پایانی که در آن صریحا به حل و فصل قضیه فلسطین بر اساس مصوبه سازمان

ملل متحد ۲۰ سال ۱۹۴۷ و قطعنامه ی ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل و

با تضمین حقوق ملی و قانونی خلق فلسطین و حق تعیین سرنوشت دعوت شده

بود. جنبش حماس به مصوبات اجلاس شورای ملی فلسطین شدیداً اعتراض کرد

و اعلام تشکیل دولت فلسطین را از سوی این شورا یک اقدام نسنجیده و زودرس

دانست. در این خصوص شیخ یاسین تصریح می کند: ما هنوز هیچ بخشی از

سرزمینمان را آزاد نکرده ایم! هر گاه توانستیم بخشی از وطنمان را آزاد کنیم آن

گاه می توانیم دولت تشکیل دهیم. ما هنوز زیر سایه شوم اشغال به سر می بریم،

و سایه اشغال از روی سرمان برداشته نشده است، بنابراین در چه مکانی می

خواهیم این دولت را تشکیل دهیم؟ بدون شک لازم می دانم به این نکته اشاره کنم

که بدون قید و شرط و بدون اعطای هیچ گونه امتیازی می بایست سرزمینی

داشته باشیم و آزادانه دولت مان را روی آن به وجود بیاوریم. خاطرنان می

شود بیانیه ها و پیامهایی که پس از انعقاد نوزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین

از جانب جنبش حماس صادر گردید همان مواضع شیخ یاسین را منعکس می ساخت.

جنبش حماس در بیانیه ای که به مناسبت طرح شامیر منتشر ساخت تصریح می کند: دشمن صهیونیستی هیچ امتیازی به ما نمی دهد، مگر اینکه خودمان بتوانیم با زور و قدرت حقان را از او بگیریم. بنابراین از مردم مان می خواهیم، ضمن حفظ هشیاری فریب طرحهای دشمن را نخورند. بیایید شعارمان را بر اساس مردود دانستن طرحها و ابتکارات رابین و شامیر متمرکز کنیم. انتخابات کذایی را رد کنیم و پس از طرد قوای اشغالگر، خودمان انتخابات برگزار نماییم.

جنبش حماس در بیانیه هایش پیوسته از رهبری ساف دعوت به عمل می آورد، این همه به امریکا دل نبندد و دنبال گفتگو با اسرائیل نرود و از تقدیم این همه امتیازات به دشمن خودداری کند. جنبش حماس در این بیانیه خطاب به سران ساف می گوید: در این راه پر تلاطم و مجهول، قدری توقف کنید و صادقانه از

خودتان پرسید به کجا می خواهید بروید؟ روزی نمی گذر مگر اینکه می شنویم فلسطینیان گامی به عقب بر می گردند، و در هر گام بخشی از حقوقشان را ضایع می کند، در حالی که هیچ تزلزلی در مواضع دشمن پدید نمی آید! تا چه وقت می خواهید این همه امتیاز بدهید و این همه عقب نشینی کنید؟

در این رابطه شیخ احمد یاسین تاکید می کند که جنبش حماس مسئول برانگیختن انتفاضه می باشد و هرگز در نیمه راه خود را کنار نخواهد کشید، حتی اگر دیگر گروهها و گرایشهای سیاسی خود را کنار بکشند. شیخ یاسین می افزاید جنبش حماس به تنهایی قادر است انتفاضه را ادامه دهد.^۱

شیخ احمد یاسین می گوید: ما در رسیدن به حقوق مان با یکدیگر اختلاف داریم، لیکن اختلافاتمان به شیوه و سبک دموکراتیک حل و فصل می گردد و توسل به جنگ و خونریزی را برای حل این اختلافات مردود می دانیم.

از جانب دیگر دکتر محمد صقر رئیس دانشگاه اسلامی غزه اظهار می دارند: حرکت مقاومت اسلامی (حماس) راه حلهای مسالمت آمیز مورد قبول سازمان آزادیبخش فلسطین را نمی پذیرد، زیرا این راه حلها با اهداف و اصول جنبش اسلامی مطابقت ندارد. اما در هر حال اسلام گرایان به شروط و اصول بازیهای سیاسی پایبند خواهند بود و به شیوه های نوین و دموکراتیک مخالفتشان را بیان خواهند کرد.

تشکیلات خودگردان و مواضع حماس

۱- زیاد ابو عمرو، جنبش های اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه، ترجمه: حسن خامه یار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۳۷.

شیخ احمد یاسین در پاسخ به پرسش پیرامون حجم همکاری موجود میان جنبش حماس و شورای رهبری متحد قیام اظهار می دارد: در حقیقت یک نوع همکاری

محدود در مسائل بخصوص وجود دارد. این روابط با جزر و مد توأم بوده و هر چند مدت یک بار دچار تغییر و تحول و دگرگونی می گردد. این در حالی است که برخی منابع جنبش حماس در کرانه باختری بر این عقیده اند که عملاً هیچ نوع هماهنگی میان حماس و شورای رهبری متحد قیام وجود ندارد.

اما در خصوص شرایط جنبش حماس برای همکاری با شورای رهبری متحد قیام

و پیوستن به سازمان آزادیبخش فلسطین شیخ احمد یاسین چنین می گوید: قبل از هر چیز لازم است زمینه های مناسب برای همکاری مشترک بر اساس تعهد به اصول و ارزشهای اسلامی و عدم تجاوز به این تعهدات در دوران جهاد و مقاومت فراهم بشود. همچنین ضروری است از قبل توافق به عمل آید نظام حکومتی که بعد از آزادسازی فلسطین تشکیل می شود مبتنی بر اسلام باشد. ما

به میثاق ملی فلسطین معترض می باشیم، زیرا اگر دولت لائیک را بپذیریم بدین معنی است که از اسلام فاصله گرفته ایم. سازمان نهایی فلسطینی بر اساس اهداف سیاسی و ملی گرایی محض به وجود آمده اند. اخوان المسلمین هم دارای اهداف سیاسی و ملی هستند، لیکن در چارچوب برنامه ها و طرحهای اسلامی

فعالیت می کنند. ناگفته نماند که اعتراض جنبش حماس و اخوان المسلمین به میثاق ملی فلسطین با اعتراض اسرائیل به همان میثاق ۱۸۰ درجه تفاوت دارد

اخوان المسلمین نه به این دلیل به میثاق ملی فلسطین معترض است که در آن به نابودی کیان غاصب صهیونیستی در فلسطین دعوت شده است، بلکه به این خاطر که در این میثاقیه به تشکیل حکومت اسلامی بعد از آزادی فلسطین تصریح نشده است.

لازم به یادآوری است که تردد و رجوع تعداد فراوان شهروندان فلسطینی به

منزل رهبری جنبش حماس بر اساس این ایده استوار بوده که رهبری حماس قدرت رسیدگی به مشکلات مردم و قدرت صدور احکام و اجرای آنها را دارا می باشد. افزون بر آن رهبری حماس بدون دریافت هیچ گونه وجهی مبادرت به حل منازعات می کند.

مواضع تشکیلات خودگردان و حماس در رابطه گفتگو با اسرائیل

لازمه مقاومت فلسطین مقاومت و پایداری اعراب است، و این مسئله جنبش حماس را که معتقد است قضیه فلسطین یک قضیه عربی - اسلامی است به تلاش برای یکپارچه سازی موضع عربی در حمایت از ملت ما و مقاومت آنها، و مخالفت با شرایط تحمیلی صهیونیسم و امریکا بر می انگیزد.

از آنجا که سرشت مسایل و مسلمات حرکت ملی این است که گروههای مقاومت فلسطین گرد هم آیند و راجع به نحوه مقابله با اشغالگری صهیونیست های متجاوز گفتگو کنند، سرشت مرحله ای که اینک قضیه ملت فلسطین شاهد آن می باشد و ایجاب می کند که این گفتگو با جدیت و به شکل مستمر ادامه یابد، تا در نهایت یک برنامه ملی برای دفع تجاوز به سرزمین و مقدسات ما پی ریزی گردد. ارزیابی موضع سیاسی جنبش حماس از مرحله ای که ملت فلسطین و نیروهای مقاومت دلاور آن در آن به سر می برند، این است که دشمن صهیونیستی روز به روز خشن تر و افراطی تر می شود، و این امر در انتخابات اخیر کاملاً ملموس بود، بویژه آن که شارون با رأی اکثریتی انتخاب شد که برای ضربه زدن به اراده ملت فلسطین به هیچ روشی جز توسل به زور اعتقادی ندارند. دو طرف هم پیمان امریکایی - صهیونیستی متفق القولند که، زمان راه حلهای سیاسی مورد توافق با طرفهای فلسطینی و عربی سپری شده است، و باید راه حلهایی که دو طرف آنها را مناسب تشخیص می دهند به طرفهای یاد شده تحمیل شود، و فلسطینی ها و اعراب چاره ای جز پذیرش این راه حل ها ندارند. جنبش حماس بر این باور است که مشی مقاومت و پایداری می تواند اراده دشمن را ضعیف کند و او را به استرداد حقوق ملت فلسطین وادار سازد. هر چند می

دانیم که توازن قوا تا حدود زیادی به نفع دشمن ما مختل شده است، اما این بدان معنا نیست که این اختلال تا ابد ادامه پیدا می کند، و ما این گزینه را از دست می

دهیم، بویژه آن که دشمن بر قدرت و سرکوب و اقتدار خود تکیه می کند تا خدای ناکرده ما را به تسلیم شدن وادار سازد.

طبعاً، لازمه مقاومت فلسطین مقاومت و پایداری اعراب است، و این مسأله جنبش حماس را که معتقد است قضیه فلسطین یک قضیه عربی - اسلامی است به تلاش برای یکپارچه سازی موضع عربی در حمایت از ملت و مقاومت آنها، و مخالفت با شرایط تحمیلی صهیونیسم و امریکا بر می انگیزد.

برای تثبیت و تحکیم مقاومت ملت در برابر اشغالگری ها و تجاوزات صهیونیست ها، باید یک طرح مقاومت ملی که همه بدان اعتقاد دارند، و به خاطر آن تلاش می کنند پی ریزی گردد. تحقق این طرح جز از طریق گفتگوی فراگیر میان گروههای فلسطینی امکان پذیر نیست، البته، پیش از این، گفتگوهای در داخل انجام گرفته است، و نیاز به این دارد که در خارج نیز تکمیل شود.

در این پس زمینه، جنبش حماس از گفتگوی میان گروههای فلسطینی، خواه به شکل دو جانبه یا فراگیر استقبال کرده است.

جنبش حماس مشتاق است که گفتگو، هر چند در چند دور انجام گیرد، موفقیتی در پی داشته باشد، و به دلایل زیر اشاره می کند:

۱- تمایل به انجام یک گفتگوی فراگیر که تمام گروههای داخل و خارج در آن شرکت کنند.

۲- گفتگو مطابق جدول برنامه های مورد توافق تمام شرکت کنندگان، و نه از قبل تعیین شده، از سوی حماس و دیگر گروهها انجام گیرد.

۳- تمسک به مقاومت به عنوان یک پایگاه اصلی برای برنامه حرکت ملی مشترک.

۴- تعامل مثبت و شفاف با مسایل مرتبط با روند حرکت ملی مشترک، بویژه مسایل وحدت ملی و مرجعیت تصمیم گیری سیاسی فلسطینی، و زندگی سیاسی مبتنی بر دموکراسی و تکتگرایی و محترم شمردن نظریات دیگر و ...^۱

با این که جنبش حماس با توافق اوسلو مخالف است، و دیدگاههای محوری در مورد عملکرد تشکیلات خودگردان دارد، و مایل به مشارکت در تشکیلات نیست،

اما اقتدار و اختیار قانونی این تشکیلات را در نظم بخشیدن به حیات عمومی ملت فلسطین در مناطق تحت کنترل خود به رسمیت می شناسد، مشروط بر این که بر

۱- سامی خاطر، حماس با ملایمت تمام گفتگو می کند...، ترجمه محمد حسین زوار کعبه، الشرق الاوسط، ۲۱ فوریه ۲۰۰۳.

اساس عدالت و محترم شمردن تکثرگرایی سیاسی باشد. اما این تشکیلات حق ندارد تصمیم گیری سیاسی آن هم در مورد مسایل سرنوشت ساز را به انحصار خود در آورد و این انحصارطلبی از سوی هیچ کس قابل پذیرش نیست.

با این که جنبش حماس بر مقاومت پای می فشارد و هیچ گونه بده و بستانی را در مورد آن نمی پذیرد، ولی می توان با مسایل به شیوه ها و راهکارها و بزمشی که لازمه منافع عامه است و حماس آن را لحاظ می کند، و از خلال تفاهم با نیروهای مقاومت در میدان رویارویی با دشمن برخورد کرد.

از جمله این شیوه ها که اخیراً بنا به دلایل مختلف بیشتر مطرح شده است، پرتاب موشک های قسام و خمپاره ها در پاسخ به حملات وحشیانه نیروهای رژیم صهیونیستی به مناطق غیر نظامی است.

اقتدار حماس، انزوای عرفات

با منزوی شدن یاسر عرفات در رام ا...، حماس قصد دارد رهبری فلسطین را به عهده بگیرد. اما از آنجایی که حماس همیشه قدرت چریکی داشته، اکنون بعضی از رهبرانش درباره تبدیل موفقیت ها و دستاوردهای گروه به قدرت سیاسی سخن می گویند.

رهبران حماس در غزه ادعا کردند که حماس زیر بنای لازم برای به دست گرفتن رهبری فلسطین را از نظر سیاسی، مالی و اجتماعی در اختیار دارد. حتی کسانی

که فکر می کنند حماس درباره قدرتش اغراق می کند، باز هم معتقدند که این گروه از حمایت کافی برای جلوگیری از هرگونه بازگشت به استقرار صلح از سوی عرفات - به همان طریقی که پیشنهاد آتش بس موقت را در قاهره برهم زد برخوردار است. قدرت این گروه در هیچ جایی بیش از غزه که مردان حماس در اونیفورم های نظامی و مسلح به آک - ۴۷ به شکل منظم و مرتب در محلات

نگهبانی می دهند، نیست. احمد یاسین، رهبر معنوی حماس هفته گذشته، در مصاحبه ای گفت که حماس هیچ شکوه و شکایتی از دولت خودگردان فلسطین ندارد، اما دولت عرفات نماینده اکثریت فلسطینی ها نیست.^۱

عرفات درباره پیشرفت و ترقی حماس نگران است. انزوای او در رام ... و عدم موفقیت او در سوق دادن و هدایت فلسطینی ها به سوی نوعی دستاورد معین و

مشخص - استقرار صلح یا جنگ با اسرائیل - محبوبیت او را کاهش داده است. حماس چیزی بیشتر شبیه ایران در سر دارد. برای حماس، هرگونه دستاورد و موفقیت سیاسی، انتقام شیرینی از اسرائیل است.

۱- دن افرون، حماس ادعای خود را به اثبات می رساند، ترجمه: فرانک پیروزفر، نیوزویک، ۱۱ فوریه ۲۰۰۳.

از شعار تا عمل (عقب نشینی گام به گام سازمان آزادیبخش فلسطین)

طی بیست سال که از عمر جنبش ملی - انقلاب فلسطین می گذرد اندیشه سیاسی

ملی به طرز قابل توجهی عقب نشست، از شعار «فلسطین از رود تا دریا و

آزادیهای تمام خاک ملی فلسطین» به سمت «دولت دو قومیتی»!... و تا «دولت

دمکراتیک لائیک» (۱۹۶۸) تا «حکومت ملی روی مساحت هر بخشی از خاک

فلسطین که آزاد شود» در سال ۱۹۷۴ (پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳)، بعد پذیرش فکر

دولت فلسطین و ادامه رویای باقیمانده فلسطین، سپس پذیرش دولت فلسطین با

شناسایی ضمنی و سپس آشکار دولت یهودی، سپس پذیرش کنفدراسیونی شامل

شرق و غرب اردن بعلاوه نوار غزه در سایه تاج خانواده هاشمی (فوریه ۱۹۸۵)

و پس از آن هر از گاهی روی خوش نشان دادن مشروط به قطعنامه ۲۴۲

سازمان ملل که در سطح عربی و جهانی همچنان به رسمیت شناختن بی قید و

شرط آن مورد درخواست است با وجود اینکه این قطعنامه به طور نهایی مسئله

فلسطین و هویت مستقل فلسطین را لغو می کند و مشکل فلسطین را مشکل

پناهندگان می داند. دیدار با اسرائیلی ها (در هر سطح و بدون ناراحتی و احساس

شرم) بصورت مهمترین تلاش فلسطینی ها درآمده است تا اسرائیلی ها بپذیرند که ما! صلح طلب هستیم!^۱

این عقب نشینی های آشکار، بهیچوجه توجیه پذیر نیست و نشان از شکست جنبش ملی در تحقق اهداف خود و عقب نشینی از این اهداف دارد و البته اینکه این عقب نشینی ها را تاکتیکی بدانیم، هیچ سودی برای ما ندارد و فقط ذلت و خواری بیشتری را برای فلسطین به ارمغان می آورد و راه دشمن صهیونیستی را هموارتر و محکمتر می نماید.

توطئه نقشه راه

«نقشه راه»، توطئه ای علیه ملت فلسطین است. در نقشه راه در درجه اول و پیش از هر مورد دیگر، توقف مقاومت مطرح شده و پس از متوقف شدن مقاومت فعلاً منتظر بمان تا چه پیش آید. نکته روشن و ملموس در نقشه راه متوقف کردن مقاومت مردم فلسطین، جمع آوری سلاح گروه ها و دستگیری مقاومتگران است و پس از انجام و صورت گرفتن آن امور، نقشه راه وعده های مبهمی را مطرح می سازد که اصلاً قابل تحقیق نیست. در نقشه راه حتی وقتی که از کشور

۱- فتحی شقاقی، ابراهیم، جهاد اسلامی (امام خمینی، شیعه و سنی مسأله فلسطین) ترجمه: سید هادی خسروشاهی، موسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۷۶.

فلسطین صحبت می شود این امر بدان مشروط می شود که در خلال مذاکرات میان فلسطینیان و اسرائیلیان برای بررسی امکان برپایی یک کشور فلسطینی و نه کشور فلسطینی؛ این دو با هم تفاوت دارند. ایالات متحده امریکا خواستار پاکسازی فلسطین و موجودیت مردم فلسطین به سود اسرائیل است و زمانی که بوش و شارون در کنفرانس عقبه از این که این سرزمین یک سرزمین تاریخی یهود است سخن می گویند، ابومازن کجا بود که بگوید که این سرزمین، سرزمین فلسطینی هاست.

زمانی که شارون از مقاومت در برابر تروریسم سخن می گفت، این معنا را به ذهن متبادر می ساخت که ابومازن اکنون در برابر این مقاومت خواهد ایستاد و این بسیار عجیب و شگفت آور است. به هر حال، همه باید بدانیم که شارون هرگز از دشمنی خود نسبت به مقاومت نخواهد کاست.^۱

جنبش های اسلامی و ملی فلسطین و موضع حماس

الف: جنبش های اسلامی

جنبش مقاومت اسلامی به دیگر جنبش های اسلامی به دیده احترام می نگرد و از آنان قدردانی می کند، زیرا هرچند که ممکن است در موضوع یا مبحثی اختلافی

۱- محمد مصطفی، نقشه راه، عبدالعزیز رنتیسی، ترجمه سید محسن ساری، الاهرام مصر، ۱۱ ژوئن ۲۰۰۳.

میان آنان باشد، اما در بسیاری از جوانب و تصورها با یکدیگر اتفاق نظر دارند. جنبش مقاومت اسلامی بر این باور است که اختلاف با این جنبش ها - در صورت وجود مقاصد سلیم و اخلاص برای خداوند متعال - اختلافی اجتهادی است و تا زمانی که اقدامات در دایره اسلام باشد، هر مجتهدی دست کم یک اجر خواهد برد.^۱

جنبش مقاومت اسلامی این جنبش ها را پشتیبان و حامی خود می داند و از خداوند متعال برای همه هدایت طلب می کند و همیشه در تلاش است تا پرچمدار

وحدت میان همگان باشد و این وحدت در چارچوب کتاب و سنت عملی گردد. و اعتمصوا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا و اذکروا نعمه الله علیکم از کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون^۲ «همگی به رشته (ناگسستی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که دشمنانی بودید و خدا میان دل های شما پیوند داد، پس برادرانی شدید و بر لبه

۱- میثاق نامه جنبش مقاومت اسلامی حماس، ماده بیست و سوم.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن رهانید، خداوند چنین برایتان آیات خود را آشکار می سازد، شاید که هدایت شوید».

جنبش مقاومت اسلامی اهانت یابی احترامی به هیچ فرد یا گروهی را جایز نمی داند، زیرا مومن نه به دیگران اهانت می کند و نه آنان را مورد لعن و نفرین قرار می دهد، هر چند که میان این موضوع و مساله مواضع و اقدامات باید تفاوت قائل شویم، زیرا جنبش مقاومت اسلامی حق خود می داند اشتباهات را گوشزد کند و نسبت به آنها هشدار دهد و در جهت بیان حق بکوشد و در موضوعات مطرح

شده جانب حق را بگیرد، زیرا حکمت گمشده مومن است و هر جا یافت، به آن مستحق تر است.

لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و كان الله سميعا عليما ان تبدوا خيرا او تخفوه او تعفوا عن سوء فان الله كان عفوا قديرا^۱ «خداوند دوست ندارد زبان به بدگویی گشایند مگر آن کسی که مورد ستم قرار گرفته باشد و خدا شنوای آگاه

است اگر نیک را آشکار یا پنهان سازید یا اگر از بد چشم پوشی کنید (کار خدا پسندانه ای کرده اید) چرا که خداوند بسیار با گذشت و بس توانا است».

۱- سوره نساء، آیه ۱۴۹-۱۴۸.

ب: جنبش های ملی در فلسطین

جنبش مقاومت اسلامی به این گروه ها احترام متقابل می گذارد و شرایط آنان و

عوامل تاثیر گذار بر آنها را درک می کند و تا زمانی که خود را نوکر شرق

کمونیسم یا غرب صلیبی نمی دانند جنبش اسلامی دست همکاری با آنان را می

فشارد و به همه اعضا و هواداران این گروه ها تاکید می کند که جنبش مقاومت

اسلامی حرکتی جهادی و اخلاقی است و آگاهانه به هستی می نگرد و همراهی

اش با دیگران نیز آگاهانه است، از فرصت طلبی بیزار است و برای افراد و گروه

های مختلف مردم خیر و نیکی طلب می کند و برای ادای واجب و جلب خشنودی

خداوند متعال است که به آیه و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه استناد می کند و

هدفی جز این ندارد.

جنبش مقاومت اسلامی به همه جریان های فلسطینی که برای آزادی فلسطین

فعالیت می کنند، اطمینان می دهد که از آنان حمایت می کند و در گفتار و عمل و

حال و آینده جز این چنین نخواهد بود. جنبش اسلامی با تفرقه مخالف و به دنبال

اتحاد است و هر سخن و گفتار پاک و تلاش مخلصانه و ستوده ای را ارج می نهد

و راه را بر اختلافات حاشیه ای می بندد و به شایعه ها و اظهارات مغرضانه

وقعی نمی نهد، هر چند که به حق دفاع از نفس نیز پایبند است.

هر آنچه با این نگرش و این بینش در تعارض و تناقض باشد، زاییده تبلیغات دشمنان یا حامیان و همپیمانان آنان است و هدف از آن ایجاد تفرقه و آشوب و منحرف ساختن ما به سوی امور حاشیه ای است.

«یا ایها آمنوا ان جاءکم فاسق بنبا فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهاله فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین» «ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر شخص فاسقی خبری را به شما رسانید درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی - بدون آگاهی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید».

جنبش مقاومت اسلامی که به گروه های ملی فلسطین - که به شرق یا غرب وابسته نیستند - این چنین با دیدی مثبت می نگرد، با این وجود چنین امری موجب نمی شود که مسائل و رخدادها و حوادث عرصه بین الملل و منطقه ای را درباره قضیه فلسطین به مناقشه و بحث و بررسی نگذارد تا در تحلیل علمی این وضع، میزان همنوایی و انسجام یا اختلاف و تعارض آن را با مصلحت ملی و در سایه بینش و نگرش اسلام بسنجد.^۲

۱- سوره حجرات، آیه ۶.

۲- میثاق نامه جنبش مقاومت اسلامی حماس، ماده بیست و ششم.

ج: سازمان آزادیبخش فلسطین

سازمان آزادیبخش فلسطین نزدیک ترین گروه با جنبش مقاومت اسلامی است،

زیرا شماری از اعضای این سازمان پدران، برادران، بستگان و دوستان اعضای

جنبش مقاومت اسلامی هستند، پس آیا مسلمان به پدر، برادر، نزدیکان یا

دوستانش جفا می کند، بنابراین وطن، درد و مشکلات، سرنوشت و دشمن ما یکی

است.

سازمان آزادیبخش از شرایطی که در آن تاسیس شد، تاثیر بسیار گرفته است.

این سازمان در حالی تاسیس شد که بحران فکری که به سبب تهاجم فرهنگی و

فکری که پس از عقب نشینی و فرار صلیبی ها از منطقه بر جهان عرب حاکم

گردید و فعالیت های خاورشناسان و مبشران مسیحی و استعمار این وضع را

تقویت کرد و همچنان نیز بر همان منوال است، تمام منطقه را زیر سیطره خود

گرفته بود. در چنین وضعی بود که سازمان آزادیبخش فلسطین موضوع تشکیل

حکومت لائیک را مطرح کرد و تا کنون نیز بر آن پایبند مانده است. تفکر لائیسزم با

اندیشه دینی تناقض کامل دارد و مواضع و اقدامات براساس اندیشه ها شکل می

گیرد و تصمیمات اتخاذ می گردد.

به همین سبب، ما بر این باوریم - به رغم احترامی که برای سازمان آزادیبخش فلسطین و نقشی که در منازعه عربی - اسرائیلی برای این سازمان قائلیم - امکان

ندارد دولتی لائیک را بر اسلامی بودن حال و آینده فلسطین ترجیح دهیم، زیرا اسلامی بودن فلسطین بخشی از عقیده دینی ماست و هرکس که از دینش چشم بپوشد، زیان می کند. «و من یرغب عن مله ابراهیم الا من سفه نفسه»^۱ «چه کسی از آئین ابراهیم رویگردان خواهد شد مگر آن که خود را خوار و کوچک داشته است» هرگاه سازمان آزادیبخش فلسطین اسلام را به عنوان نظام زندگی برگزید،

ما هم سرباز این سازمان و تقویت کننده مواضع این سازمان در مقابل دشمنان خواهیم بود. بنابراین تا زمانی که این امر محقق گردد - از خداوند می خواهیم که این امر زود محقق شود - موضع جنبش مقاومت اسلامی در قبال سازمان آزادیبخش فلسطین موضع پسر در برابر پدر و برادر در برابر برادر و فامیل در قبال فامیل خواهد بود که از هرگونه آسیب رسیدن به آن اندوهگین می شود و در برابر دشمنان از آن حمایت خواهد کرد و از خداوند متعال برایش هدایت طلب می کند.

۱- سوره بقره، آیه ۱۳۰.

کنفرانس عقبه مخالفت حماس و فتح «عبدالعزیز رنتیسی»

در کنفرانس شرم الشيخ و به دنبال آن در کنفرانس عقبه روشن شد که طرف

فلسطینی به طور کلی فاقد زیرکی و مهارت سیاسی است و به همین دلیل است که

ابوزمان همه چیز را بخشید، بله، همه چیز را بخشید و چیزی هم نگرفت و نسبت

به خیلی امور نیز ساکت ماند و برای این که خواننده ما را به مبالغه در این امر

متهم نکند در این مورد توضیح بیشتری خواهیم داد.

(۱) ابوزمان با متهم کردن ملت فلسطین و مقاومت مردم فلسطین در واقع این ملت

را محکوم کرد و این اوج کار او بود.

(۲) ابوزمان در سخنرانی خود، جنگ علیه گروهها و مقاومت فلسطین را اعلام کرد

و برای انجام آن خود را در برابر جهانیان متعهد به انجام آن نمایاند.

(۳) ابوزمان آشکارا کشور اسرائیل را به رسمیت شناخت و در این کنفرانس بدون

دریافت بهایی رسماً بر آن تأکید کرد.

(۴) ابوزمان در سخنرانی خود هرگز و حتی یک کلمه در مورد کودکان فلسطینی

که با گلوله های نیروهای اشغالگر کشته شدند و مادرانی که فرزندان خود را از

دست دادند و از بیوه ها و بیچارگان و از زندانیان فلسطینی که در زندان های

اشغالگران به سر می برند و همین طور از ویرانی که ملت فلسطین در نتیجه

اشغال از آن به شدت در رنج است، سخن نگفت، گویی کسی که در رنج است، همان اشغالگر است و ما تجاوز گر هستیم.

۵) ابوزمان در برابر جهانیان ما را تروریست نمایند و این ما هستیم که باید تروریسم را متوقف سازیم و قربانی بدبخت این ماجرا، همان اشغالگر است. این همان تصویری است که ابوزمان از ملت فلسطین ترسیم کرد. او نه فقط از اقدامات اسراییل یک کلمه بیان نکرد بلکه از مشکلات یهودیان در اروپا و در فلسطین سخن گفت، گویی ما عامل این بدبختی بودیم و باید آن را متوقف کنیم.

در مقابل، شارون با گفتار خود مبنی بر این که شهرک های قانونی و غیر قانونی داریم، بر وجود شهرک ها تایید کرده و آنها را امری قانونی نمایند و تاکید او این بود که وجود این شهرک ها در خاک فلسطین امری مشروع است، این در حالی صورت گرفت که ابوزمان در مورد شهرک ها هیچ سخنی نگفت.^۱

۱- محمد مصطفی، نقشه راه حلقه نجات شارون، ترجمه: سید محسن ساری، الاهرام مصر، یازدهم ژوئن

فصل چهارم - بخش اول

جهاد اسلامی فلسطین

از ظهور تا شهادت

شیخ عزالدین قسّام

مبارزان فلسطین چون صهیونیستها را در ادامه اهداف اشغالگری و تروریستی خود مصمم دیدند و امنیت اجتماعی خویش را متزلزل یافتند، تصمیم گرفتند تا با پیروی از قیام مسلحانه، مانع از سیطره صهیونیستها بر امور سرزمینشان شوند. شاخصترین قیامی که طی سالهای پیش از جنگ جهانی دوم روی دارد و در تاریخ مقاومت فلسطین تا سطح یک حماسه ارزشی و اعتبار یافت، قیام شیخ عزالدین قسّام سوری بود.

«قیام عزالدین قسّام»

عزالدین قسّام یکی از فرزندان خانواده معروف آل قسّام بود که به صورت موروثی به امور شرعیات روستای جبله واقع در استان لاذقیه فعلی رسیدگی می کردند. عزالدین در سال ۱۸۸۲ م متولد شد و چون پدرش از شیوخ طریقت صوفی قدریه بود، تحصیلات اولیه را نزد پدر به انجام رساند و سپس عازم الازهر مصر شد و به قوی از محضر درس شیخ محمد عبده استفاده کرد. سپس برای آشنایی با فرهنگ اروپایی راهی مدارس جدید عثمانی شد. او پس از تقسیم و انفکاک سوریه و لبنان از فلسطین و سپردن قیمومیت آن منطقه به دولت

فرانسه، به مقابله مسلحانه با فرانسویان پرداخت و در سال ۱۹۲۱ م / ۱۲۹۹ ش پس از مدتها مبارزه راهی فلسطین گردید.

او در فلسطین به معلمی در حیفا پرداخت و سپس به واسطه بلاغت و سخن دانش به عنوان خطیبی چیره دست مطرح خاص و عام شد. آنچه عزالدین قسام را به مبارزه مسلحانه سوق داد، سببیت و وحشی گری اشغالگران انگلیسی فلسطین و جو تروری بود که از جانب محافل صهیونیستی سازمان داده می شد. نمونه آشکار این گونه اقدامات، جملات گزارش است که کنسول وقت ایران در

فلسطین به وزارت امور خارجه فرستاده است. کنسول ایران در گزارشش ذکر می کند که در پی هر حادثه و انفجاری نیروهای انگلیسی «تنها راهی که برای پیروی مسبب امر دارند سگهای مخصوص شهربانی است که به محل وقوع حادثه آورده و به راهنمایی آنها به یک دهکده یا قصبه کوچک مجاور رفته و چون ممکن نیست که شخصی بخصوصی که بمب یا تیر انداخته به دست آورند،

با ضرب و شتم تمام اهالی و غارت اثاثیه منزل آنها و گاهی با کشتن کوچک و بزرگ و کسان بسیاری از آنها موضوع را انتقام می کشند.»

اگرچه اقدامات فلسطینیها در مبارزه مسلحانه تنها انتخاب ممکن در قبال مشی گروهکهای صهیونیست یا سربازان بریتانیایی بود، اما ناگفته نماند که آنها حتی

در اتخاذ این روش مبارزه می کوشیدند تا حتی المقدور از تعرض به جان افراد خودداری نمایند. اقدامات مهم آنها در این مبارزه، بیشتر یا بمب گذاری در خطوط آهن و یا لوله های نفتی بود. عزالدین قسام در راس گروهی از هم زمانش که عموماً کشاورزان فلسطین بودند و متشکل از ۲۰۰ تا ۸۰۰ تن می شدند، به اقداماتی از این دست مبادرت می ورزید.^۱

شیخ عزالدین قسام و نزدیکترین همراهانش در سحرگاه ۱۵ نوامبر ۱۹۳۵ م، پس از آنکه طی بیانیه اعلام جهاد مسلحانه حرکت خود را رسماً به اطلاع فلسطینیان رسانیدند، به محاصره قوای حکومتی درآمدند، لیکن توانستند با زیرکی و بدون دادن تلفاتی حلقه محاصره را درهم شکسته و به نواحی کوهستانی عزیمت کنند. اما در هفدهم همان ماه، پس از چندین ساعت درگیری نابرابر، شیخ به شهادت رسید. وی سرمشقی بود تا دیگران نیز به حرکت او تأسی کرده، و فصل جدیدی را در مبارزه مسلمانان با نیروهای اشغالگر بگشاید.

۱- ولایتی، علی اکبر، ایران و مسأله فلسطین «بر اساس اسناد وزارت امور خارجه» دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۷۶.

اخوان المسلمین و جنبش جهاد اسلامی

از دیدگاه جنبش جهاد اسلامی در سرزمینهای اشغالی فلسطین، سازمان اخوان

المسلمین روی هم رفته سه مرحله را پشت سر گذاشته است، نخست مرحله حسن

البناء (۱۹۲۸ تا ۱۹۴۹) که مرحله رستاخیز و پیشاهنگی نام دارد. مرحله دوم

(۱۹۴۹ تا ۱۹۶۷) که به مرحله عقب نشینی و مصیبت‌های پی در پی معروف است.

در این مرحله حسن البناء فوت کرده و نفوذ اخوان المسلمین با فراز و نشیبهای

بسیاری مواجه شده و در روابط داخلی و خارجی این سازمان آشفتگیهای بسیار

به وجود آمده بود، مرحله سوم که از سال ۱۹۶۷ تا به امروز ادامه دارد مرحله

اختلافات و انشعابات درونی جنبش اسلامی نامیده می شود.

در پی جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اختلافات فکری و ایدئولوژیکی در درون سازمان اخوان

المسلمین به تدریج در سطح افراد و در محدوده های تنگ بروز می کرد. این جنگ

چنان لرزه بر اندام اخوان المسلمین وارد ساخت که موجب گشت پرسشهای

فراوانی که بدون پاسخ مانده بود، مجدداً مطرح شود، جدال و مناقشه از سر گرفته

شد، جستجو برای یافتن راه حل و جانشین و الگوهای نوین فکری بیش از ده

سال ادامه یافت. در این برهه انقلاب اسلامی ایران به پیروزی می رسد، این

انقلاب توانست الگوی اسلامی مناسبی را عرضه کند که امکان اقتدا و پیروی از

آن به آسانی وجود دارد. با وجودی که پیروزی انقلاب اسلامی تاثیر به سزایی روی پیدایش جنبش جهاد اسلامی فلسطین داشت، لیکن ظهور اندیشه ها و انگیزه های محرک به وجود آمدن این جنبش بنیادگرای اسلامی در کرانه باختری و نوار غزه به تنهایی به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مرتبط نمی باشد.^۱

زمینه های ظهور جنبش جهاد اسلامی همان گونه که می دانید اخوان المسلمین از سال ۱۹۶۷ عملاً صحنه مبارزه مسلحانه را در فلسطین ترک کرد و به فعالیت های فرهنگی و تربیتی روی آورد.

شیخ احمد یاسین یکی از کسانی بود که در نوار غزه جوانان زیادی را به دور خود جمع کرده بود. وی به رغم اینکه از ناحیه پا فلج بود، تلاش بسیاری در راه امور فرهنگی و تربیتی از خود نشان داد. در اواخر دهه ۷۰ میلادی، جوانان فلسطینی که در داخل و تحت تاثیر افکار اسلامی پرورش یافته و اغلب مدتی شاگرد شیخ احمد یاسین بودند، به تدریج نسبت به این روش اخوان (یعنی عدم

مبارزه مسلحانه) معترض شدند. حضور برخی از این جوانان در سایر کشورها به عنوان دانشجو و آشنایی آنان با افکار مسلمانان انقلابی باعث شروع اقدام

۱- زیاد ابوعمرو، جنبش های اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه، ترجمه، حسن خامه یار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳. ص ۱۵۲.

هایی به منظور تاسیس گروه های جهادی و مستقل از اخوان المسلمین شد. شهید دکتر فتحی شقاقی، دبیر کل سابق جنبش جهاد اسلامی فلسطین، از جمله این افراد بود که در قاهره به تحصیل در رشته طب مشغول بود. وی پس از آشنایی با نوشته ها و تفکرات امام خمینی (ره) و سایر علما و روشنفکران شیعه نظیر استاد مطهری و دکتر شریعتی تلاش کرد این طرز تفکر را در صحنه فلسطین عملی سازد. شقاقی که به شدت تحت تاثیر افکار امام خمینی (ره) قرار گرفته بود، در اولین اقدام خود کتابی در خصوص بیان دیدگاه های انقلابی امام خمینی (ره) نسبت به انقلاب و حکومت اسلامی نوشت که برداشتی از کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) بود. شقاقی پس از بازگشت به فلسطین به همراهی چند تن از همفکرانش همچون شیخ عبدالعزیز عوده و سید بر که اقدام به سازماندهی چند هسته مقاومت مسلحانه کرد و پس از چندی در سال ۱۹۸۲ جنبش جهاد اسلامی را بنیان گذاری نمود.^۱

با وجودی که این اقدام در آن زمان با مخالفت شدید اخوان مواجه شد، جنبش جهاد به فعالیت های خود ادامه داد. اعضا و کادرهای عملیاتی این جنبش در آن زمان، تجربه، آموزش و تجهیزات کافی نداشتند، اما به دلیل داشتن انگیزه قوی و

۱- فصلنامه نهضت، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۰، ص ۶۱.

عدم شناخت دشمن از آنها توانستند با انجام چندین عملیات ضربات سنگینی به آنها وارد آورند. صهیونیست ها در پی این عملیات ها، با بسیج امکانات و

نیروهای خود توانستند رهبران اصلی این جنبش را دستگیر و پس از چند سال بازداشت، آنها را به جنوب لبنان تبعید کنند. به رغم دور کردن رهبران جهاد از فلسطین، آنها توانستند با سازماندهی مجدد و برقراری ارتباط با عناصر باقیمانده در داخل، همچنان فعال باقی بمانند.

تأسیس جنبش جهاد اسلامی

در واقع جنبش جهاد اسلامی فلسطین رسماً در سال ۱۹۸۰ توسط دو تن از جوانان فلسطینی غزه به نامهای فتحی الشقاقی و عبدالعزیز عوده تأسیس شد. تشکیلات و جناحهای مختلف جهاد اسلامی در سراسر جهان اسلام علی رغم وجود نوعی هماهنگی و همکاری و همفکری ایدئولوژیکی میانشان از یک سازمان تشکیلاتی منظم و متمرکز برخوردار نمی باشند، اصلاً حرکت جهاد اسلامی یک سازمان فرا منطقه ای (انترناسیونالیستی) نیست و هر کدام از سازمانهای گوناگون جهاد اسلامی در محدوده کشورشان عمل می کنند.

خانواده فتحی الشقاقی که یکی از مهمترین تئوریسینهای جنبش جهاد اسلامی فلسطین به شمار می رود، در روستای زرنوقه از توابع شهرستان الرمله فلسطین

سکونت داشته است. در سال ۱۹۴۸ و به دنبال تقسیم فلسطین این خانواده از زادگاهش کوچ کرد و در اردوگاه پناهندگان شهر رفح در باریکه غزه سکنی گزید.

در حقیقت خانواده الشقاقی خانواده فقیری است که پدرش ابراهیم به شغل کارگری اشتغال دارد. فتحی تحصیلات دانشگاهی اش را در دانشگاه بیرزیت کرانه باختری در رشته ریاضیات سپری کرده و به تدریس روی آورده است.

دکتر فتحی علاوه بر دریافت مدرک دانشگاهی در رشته ریاضیات مجدداً در کنکور پزشکی شرکت کرده و توانسته است به دانشکده پزشکی دانشگاه زقازیق

مصر راه یابد. وی پس از طی کردن دوره تحصیلات پزشکی به فلسطین اشغالی مراجعت کرد و در بیمارستان مطع شهر قدس به کار طبابت مشغول شد. دکتر فتحی سپس به باریکه غزه انتقال یافت و در یکی از بیمارستانها منطقه سرگرم کار طبابت گردید، شقاقی به هنگام ادامه تحصیل در مصر در سال ۱۹۷۸ دوبار دستگیر و زندانی شد. کما اینکه در سال ۱۹۸۳ به مدت یازده ماه در غزه زندانی

بود.

آقای شقاقی مجدداً در سال ۱۹۸۶ دستگیر و به چهار سال حبس قطعی و پنج سال حبس تعلیقی محکوم شد، اتهاماتی که از سوی مقامات اسرائیلی به وی وارد شده بود عبارتند از: عضویت در جنبش جهاد اسلامی، حمل و نقل اسلحه به

باریکه غزه و تحریک مردم به شورش بر ضد کشور اسرائیل در تاریخ اول اوت ۱۹۸۸ و قبل از انقضای مدت محکومیتش مقامات اسرائیلی دکتر الشاقی را آزاد کرده و مستقیماً از زندان به خارج سرزمینهای اشغالی تبعید کردند.

دکتر فتحی شقاقی در سال ۱۹۶۷ دارای گرایشات ناصری (ناسیونالیسم عربی) بوده و شکست فاحشی که اعراب در جنگ ژوئن همان سال متحمل شدند، باعث شد دگرگونی عمیقی در روحیه و در فکر او پدید آید. هنگامی که سازمان اخوان المسلمین در پی شکست اعراب و اسرائیل شروع به بازسازی و سازماندهی

مجدد خود کرد، دکتر فتحی به اخوان المسلمین پیوست. اما طولی نکشید که فتحی الشقاقی در فاصله سالهای (۱۹۷۴-۱۹۷۵) با این سازمان اختلاف پیدا کرد و از آنان جدا شد. وی در سال ۱۹۷۹ کتابی تحت عنوان خمینی تنها راه حل اسلامی و الگو منتشر ساخت و افکار سیاسی و ایدئولوژیک خود را در این کتاب خلاصه کرد.^۱

اما عبدالعزیز عوده، خانواده وی در سال ۱۹۴۸ از منطقه وادی الحسا از توابع شهرستان بئرالسبع فلسطین اشغالی هجرت کرد و در اردوگاه آوارگان جبالییا در

۱- زیاد ابوعمرو، جنبش های اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه، ترجمه، حسن خامه یار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳. ص ۱۵۹.

نوار غزه مسکن گزید. شیخ عوده تحصیلات دانشگاهی اش را در مدرسه عالی دارالعلوم قاهره پشت سر گذاشت و به درجه لیسانس در رشته علوم اسلامی و عربی نایل آمد. همچنین وی موفق به اخذ درجه فوق دیپلم در شته الهیات و قوانین اسلامی شد. هنگامی که در سال ۱۹۸۱ به باریکه غزه مراجعت کرد به کار تدریس در دانشگاه اسلامی غزه مشغول شد، در سال ۱۹۸۴ مقامات اسرائیلی اقدام به دستگیری عوده کرده و به اتهام تحریک و شورش علیه کشور اسرائیل او را به یازده ماه زندان محکوم کردند. در نوامبر ۱۹۸۷ مقامات اسرائیلی طی فرمانی شیخ عبدالعزیز عوده را از میهنش تبعید کردند.

در حالی که دکتر فتاحی شقاقی مسئول شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی دانسته می شود، از شیخ عبدالعزیز عوده به عنوان رهبر دینی و معنوی این جنبش نام برده می شود. شیخ عوده یک شخصیت جذاب و مهربان و خوش طبع بوده و از قدرت فوق العاده ای در وعظ و خطابه و سخنرانی برخوردار می باشد. کما اینکه مورد احترام همگان نیز هست.

رهبری و اعضا جنبش جهاد اسلامی

دکتر شقاقی و شیخ عوده هر دو از رهبران اصلی جنبش جهاد اسلامی به حساب می آیند و دیگر رهبران جوان این جنبش از نسل جوان و قشر جدید مسلمان

تشکیل شده اند که سنشان از ۳۰ تا ۴۰ سال تجاوز نمی کند. بنیانگذاران نخستین جنبش جهاد اسلامی همچون شقاقی و عوده افرادی شایسته و دارای تخصصهای گوناگون در رشته های مختلف می باشند. برخی از این افراد قبل از اینکه به بنیادگرایی و اصول گرایی روی بیاورند از گرایشات غیر مذهبی لائسیسم پیروی می کرده اند.

اسامی برخی از رهبران جنبش جهاد عبارتند از: رمضان شلح، سلیمان عوده، ابراهیم ابومعمر، نافذ عزام، و دیگران. افزون بر این تعداد کمی نیز از بنیانگذاران اولیه جهاد از فعالین سابق برخی جنبشهای اسلامی بوده و تعداد دیگری از آنها دانشجویانی بوده اند که به علت داشتن فعالیتهای غیر علنی از دانشگاههای مصر اخراج شده اند.

اما درباره بافت اعضای جهاد، باید گفت که این مجموعه از جوانان پرشور تشکیل یافته که آمادگی کامل دارند این جریان جدید را با آگاهی و پیگیری جدی و ایثار و فداکاری و بحث و مناظره ادامه دهند. این جوانان که اغلب از خانواده های اجتماعی فقیر و از اردوگاههای آوارگان و پناهندگان و شهرکهای فقیرنشین فلسطینی برگزیده شده و به عضویت جهاد اسلامی در آمده اند با جدیت تمام تحت تعلیمات فشرده فرهنگی و اعتقادی قرار می گیرند و به صورت نیروهای

تعلیم دیده و پرورش یافته در می آیند. به علاوه بنیانگذاران جنبش جهاد افراد و پیروان خویش را از مساجد و دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و از مراسم و مناسبات اجتماعی انتخاب می کنند و آنان را سازماندهی می کنند. بدون شک حرکات و فعالیت اعضای جنبش جهاد اسلامی با سازماندهی دقیق و انضباط شدید و پنهانکاری مطلق توأم است. به ویژه در زمینه آنچه که به فعالیت های نظامی جنبش تعلق دارد. بنابراین نتیجه می گیریم که جنبش جهاد فعالیت های سیاسی و آموزشهای اعتقادی را کاملاً محرمانه انجام می دهد.

به طور کلی اعضای جنبش جهاد به اصول گرایی و به دین شهرت دارند و از انجام هرگونه عملیات خطرناک که با ابعاد آن از قبل آشنا هستند، درنگ نمی کنند، و بی درنگ به آن دست می زنند نقل می کنند که آقای خالد الجعیدی عضو جنبش جهاد اسلامی که در قتل دو تن از قوای اسرائیلی شرکت داشت، به هنگام محاکمه اش به بازپرس می گفت: ما اعضای جهاد اسلامی برای مرگ بیشتر اهمیت قایل

هستیم تا برای زندگی و ادامه حیات، ما با اقداماتمان یا موفق می شویم سرزمین مان را آزاد کنیم با شجاعانه و با مردانگی می میریم.

اکثریت قریب به اتفاق اعضای جهاد اسلامی از درون زندانها و بازداشتگاههای اسرائیلیان برگزیده و جذب این جنبش شده اند.

می توان گفت که زندانهای اسرائیل سهم به سزایی در امر جذب نیروهای هوادار برای جنبش جهاد اسلامی داشته است، زیرا حضور تعدادی از رهبران الجهاد در زندانهای اسرائیل به عضوگیری و جذب هواداران بسیار کمک می کرده است.

این رهبران شخصاً کوشش می کردند افراد جدیدی را از میان زندانیان ملی گرا و دیگر طرفداران جنبشهای اسلامی نمایند و به صفوف جنبش الجهاد ملحق سازند. لذا بدین خاطر مقامات اسرائیلی اقدام به تبعید رهبران جهاد اسلامی به خارج از سرزمینهای اشغالی نمودند. به این دلیل که عواقب و پیامدهای حضور این

رهبران را در زندانها، درک کرده و بر اثرات ناگوار و تهدیدآمیز به وضوح واقف هستند.

در اصل حضور اساسی جنبش جهاد اسلامی در باریکه غزه متمرکز می باشد، مع ذلک حضور ناچیز این جنبش در کرانه باختری رود اردن روز به روز افزایش می یابد.

نشانه دیگری که حاکی از حضور گسترده جنبش جهاد اسلامی در کرانه باختری رود اردن باشد، تظاهرات اعتراض آمیزی است که به مناسبت کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۹۸۷ مکه در صحن مسجد الاقصی برگزار گردید. شاید هم تعدادی از تظاهر کنندگان از منطقه غزه به بیت المقدس آمده باشند، اما روی هم

رفته می توان گفت که این تظاهرات همبستگی روش جهاد اسلامی را با ایران منعکس ساخت. افزون بر جنبش جهاد، مسلمانان دیگری نیز در این تظاهرات

شرکت کردند که به شیوه رفتار حکومت پادشاهی سعودی با حجاج ایرانی ناخرسند و معترض بوده اند. ناگفته نماند که در میان دانشجویان دانشگاه اسلامی غزه چند صد نفر دانشجوی طرفدار جنبش جهاد وجود دارد، لیکن روزبه روز به تعداد اندک دانشجویان طرفدار جنبش جهاد در دیگر دانشگاههای فلسطین اشغالی افزوده می شود. کما اینکه تعدادی از دانشجویان عضو جماعت اخوان

المسلمین بدون اینکه علناً مواضعشان را فاش سازند از جنبش جهاد اسلامی جانبداری می کنند.

فعالیت‌های جنبش جهاد اسلامی

براساس گفته های رهبر دینی جنبش جهاد اسلامی، امروز مشکلات مسلمانان در تهاجم نوین غرب جلوه گر شده است. مسلمانان اهداف و مقاصد والایی در

دستور کارشان وجود دارد. مقاصد والا دو گونه اند، نخست جلب رضای خداوند،

دوم برانگیختن یک رستاخیز اسلامی در جهان، اما اهداف مسلمانان که در درجه

دوم قرار دارند باز هم به دو گونه اند، هدف دراز مدت و هدف کوتاه مدت. هدف

دراز مدت پشت سر گذاشتن بحران هجوم نوین غرب. لیکن هدف کوتاه مدت

عبارتست از: اقامه حکومت اسلامی و تشکیل سلطه سیاسی اسلام. تمام این مسائل که با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند همگی در چارچوب جلب رضای خداوند خلاصه می شود. بنابراین تنها راه حل واقعی و قطعی بازگشت به اصول و مفاهیم اسلامی است.

در خصوص موضع جنبش جهاد اسلامی نسبت به قضیه فلسطین و شیوه آزادی این سرزمین، باید گفت که فلسفه وجودی جنبش الجهاد در مقایسه با دیگر گروههای ملی گرا و اسلامی فلسطینی یک فلسفه برتر بوده است. زیرا این جنبش

نقش اسلام را فقط در مساجد محصور و محدود نمی داند، چنانچه گروههای اسلامی سنتی این کار را انجام می دهند.

اخوان المسلمین راه هدایت (ایمان و عقیده) را برگزیده و راه جهاد را کنار گذاشته است در حالی که گرایشات ملی گرایی راه جهاد را انتخاب کرده و از راه هدایت فاصله گرفته اند، بنابراین ویژگی جنبش جهاد اسلامی در این نهفته که بر ارتباط

تنگاتنگ و تفکیک ناپذیر هر دو راه (راه جهاد و راه هدایت) تاکید می کند و بدان عمل می نماید.

از سوی دیگر ایدئولوژی جهاد اسلامی به طور روشن بر آمیختگی بین دین و ملیت گرائی تکیه می کند، و امیدوار است بتواند پس از مبارزه با صهیونیسم و

نابودی اسرائیل حکومت اسلامی در فلسطین تشکیل دهد. زیرا این آرزو بخشی از اهداف ایدئولوژیکی جنبش الجهاد بشمار می آید. چنین مواضع ایدئولوژیک همواره در عملکرد و فعالیتهای سیاسی جنبش جهاد اسلامی مشهور است.

جنبش جهاد اسلامی در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه دارای مطبوعات محلی به صورت دوره‌ای نمی باشد، اما هرگاه اوضاع و شرایط اقتضاء کرد به انتشار اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سیاسی مبادرت می کند و مواضعش را در خصوص مسائل روز در آن بیان می کند، در خارج سرزمینهای اشغالی نشریات

و مجلاتی منتشر می شوند که تا حدود بسیار بالایی مواضع و دیدگاههای جنبش الجهاد را منعکس می کنند. این نشریات که در سرزمینهای اشغالی نیز تکثیر و توزیع می شوند عبارتند از: مجله الطلیعه الاسلامیه که یک مجله ماهانه است و در لندن منتشر می شده است. این مجله دیدگاههای نزدیکی به خط انقلاب اسلامی ایران داشته است. مجله الطلیعه نخستین شماره اش در سال ۱۹۸۲ منتشر شد.

افزون بر آن نشریه دیگری وجود داشت که المختار الاسلامی نامیده می شد و در قاهره به طور ماهانه منتشر شد. مجله المختار دیدگاههای اسلام رادیکالی را در مصر منعکس می ساخت. ماهنامه المختار الاسلامی اولین شماره اش در سال ۱۹۷۹ صادر و سر دبیری آن به عهده آقای حسین احمد عاشور قرار داشت.

روی هم رفته این دو مجله که در برخی احياناً در سرزمینهای اشغالی تجدید چاپ می شده به شکل غیر علنی دیدگاهها و مواضع جنبش جهاد اسلامی فلسطین را منعکس می کرده است. ناگفته نماند که نشریه سومی تحت عنوان اسلام و فلسطین از سوی جنبش جهاد اسلامی در قبرس چاپ می شده است. (مطبوعات فوق الذکر، صدور آنها به طور کلی متوقف شده و اکنون سه نشریه دیگر به وسیله جنبش جهاد اسلامی فلسطین در بیروت و امریکا منتشر می شود این مطبوعات عبارتند از: هفته نامه المجاهد که در بیروت چاپ می شود و تا کنون یکصد و چهل شماره آن صادر گردیده است. مجله دیگر الامه نام دارد که در بیروت به صورت ماهانه انتشار می یابد و تا کنون چهار شماره اش به دست آمده است افزون بر آن فصلنامه دیگری تحت عنوان قرآآت سیاسی از دو سال پیش به وسیله طرفدارن جنبش جهاد اسلامی در امریکا چاپ می شود این فصلنامه دارای مقالات سیاسی استراتژیک می باشد که به لحاظ اهمیتش تا کنون چندین مبحث آن در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران ترجمه و منتشر شده است. روی هم رفته این مطبوعات به طور غیر مستقیم دیدگاههای جنبش جهاد اسلامی فلسطین را منعکس می سازند.

جهاد مسلحانه

جهاد و مبارزه مسلحانه با شعار یا مرگ یا پیروزی توسط جنبش جهاد اسلامی بجای طرح سرسپردگی کنونی پیشنهاد می شود. طرح این راه حل تازگی نداشته

و اتفاقی نیست. بلکه راه حلی اساسی برای جوامع عرب و اسلامی در طول تاریخ بوده است. جهان اسلام و عرب از فلسطین در تاریکترین اعصار و شدیدترین حالات ضعف با تجاوزگران و اشغالگران از قبیل صلیبیان و مغولها با جهاد و شهادت به مقابله پرداخت تا به حق خود در این سرزمین رسید. هیچیک از بهانه های جهاد و مبارزه مسلحانه فلسطین از بین نرفته و حتی روز به روز محکتر

گردیده است اسرائیل با تکیه بر زور برپا گردید و با تروریسم و خشونت جان یافت و جز با تکیه به زور و خشونت شرعی یعنی جهاد و مقاومت نمی توان آنچه اشغال شده را باز پس گرفت.

استراتژی جنبش جهاد اسلامی در مبارزه مسلحانه با برقراری توازن اراده ها برای ادامه نبرد با دشمن افراطی استوار گردیده است.

جنبش جهاد اسلامی فلسطین با طرح ریزی عملیات جهادی در فلسطین به ایجاد نوعی موازنه جدید برای جبران اختلال در توازن قوای موجود دست زد و از

۱- رمضان عبدا...، فلسطین و طرح اسلام معاصر، کمیته فرهنگ و تبلیغات جنبش جهاد اسلامی دفتر تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۴.

شهادت نیروی بازدارنده ای در مقابل دشمن که متکی به قدرت سرکوب بود، ساخت و با حمله به قلب دشمن از طریق عملیات جهادی بازتاب مثبت عملیات

خود را به خوبی مشاهده کرد

بنابراین جهاد مسلحانه و وظیفه ای اخلاقی و اجتماعی است که به حفظ روحیه توده های فلسطین و اعراب از طریق حفظ برتری روحی می پردازد و جبران سرشکستگی ها خواهد بود.

فعالیت شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی «از قسم تا سرایا القدس»

عملیات های جهادی و در راس آن عملیات های شهادت طلبانه یکی از ارکان اساسی مقاومت مردم مسلمان فلسطین در مقابل رژیم اشغالگر قدس است در این میان شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی پرچمدار عملیات های شهادت طلبانه است و علیرغم تمامی فشارهای صورت گرفته از سوی رژیم صهیونیستی و پس از روی کار آمدن تشکیلات خودگردان از سوی این تشکیلات علیه جنبش صورت

گرفته و با وجود بازداشت های گسترده و ترور کادرهای نظامی و سیاسی جنبش باز هم با مدد گرفتن از ریشه مردمی اش خود را در نوک پیکان مبارزه با اشغالگران صهیونیست قرار داده است.

تاریخچه تشکیل شاخه نظامی جهاد اسلامی به سال ۱۹۹۲ باز گردد زمانیکه که شهید محمود الخواجا تصمیم گرفت دستگاه نظامی منظمی را جایگزین گروه های نظامی پراکنده ایجاد کند. قرار بر این شد که نام این دستگاه القوی الاسلامیه المجهاده [نیروهای مسلمان مجاهد] که به اختصار قسم خوانده می شود، نامیده شود.

قسم چارچوبی بود که افراد مشتاق انجام عملیات های نظامی چه از اعضای جهاد و چه از دیگر گروه ها می توانستند در آن به فعالیت بپردازند.

اولین بیانیه نظامی قسم با اولین عملیات شهادت طلبانه همراه بود. این عملیات توسط شهید انور عزیز بود که در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۳ در جاده المنطار انجام داد، او خود را در یک کاروان نظامی صهیونیستی منفجر نمود تا آغازگر مرحله جدیدی از تاریخ مبارزات مردم فلسطین شود. دوره ای که بعدها به دوره شهادت طلب ها مشهور شد.

عملیات های قسم ادامه یافت و توانست سلسله عملیات های شهادت طلبانه دیگری را هم به اجرا در آورد، این بار شکل عملیات های شهادت طلبانه فرق می کرد. بطوریکه شهادت طلبان هر یک با در دست داشتن سلاحهای خودکار خود وارد

یکی از شهرک های صهیونیست نشین شده و به سوی آنان آتش گشودند و باعث هلاکت و زخمی شدن ده ها صهیونیست گردیدند.

جنبش جهاد همچنین عملیات آتشبازی شجاعانه‌ای را صورت داد که مهمترین آنها حمله هشت تن از مجاهدین جنبش جهاد اسلامی به یک گروه از سربازان پیاده رژی صهیونیستی در نزدیکی شهرک صهیونیست نشین موراغ که طی آن سه نظامی صهیونیست کشته و سه تن دیگر مجروح شدند. در این عملیات به مجاهدین آسیب نرسید و سالم به پایگاه‌هایشان بازگشتند.^۱

رهبران جنبش جهاد اسلامی عملیات بیت لید را نقطه عطف جنگ صهیونیستها علیه این جنبش می دانند.

پس از این عملیات اشغالگران صهیونیست دستور ترور افرادی که در این عملیات مشارکت داشتند را صادر نمودند.

نیروهای صهیونیستی فعالیت های گسترده ای را برای یافتن مسئولین این عملیات انجام دادند اما به هیچ نتیجه ای نرسیدند. این باعث شد که با نفوذی که بر تشکیلات خودگردان داشتند از آنها برای یافتن شهادت طلبان جهاد درخواست کمک نمایند.

۱- نداءالقدس، سال سوم، شماره (۵۹)، ۱/۹/۱۳۸۰، ص ۹.

تشکیلات خودگردان هم به محض دریافت این درخواست موج وسیعی از بازداشت ها را علیه ده ها تن از اعضای جنبش جهاد اسلامی انجام داد در میان

افراد دستگیر شده تعدادی از فعالان نظامی جنبش نیز وجود داشتند که دست آخر پس از بازجویی ها و شکنجه های مختلف تشکیلات خودگردان به رژیم صهیونیستی خبر داد که رهبر شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی فردی به نام محمود الخواجا است.

در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۵ سازمان تروریستی رژیم صهیونیستی (موساد) دکتر فتاحی

شقایق دبیر کل جنبش جهاد اسلامی را در جزیره مالت ترور نمود دکتر شقایق در حالی به شهادت رسید که از دیدار با معمر القذافی رهبر لیبی برای متقاعد ساختنش جهت لغو دستور اخراج فلسطینیان از خاک این کشور باز می گشت.

شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی با وجود آنکه که ضربات سختی را در پی عملیات های ترور و بازداشت سرویس های امنیتی رژیم صهیونیستی و

تشکیلات خودگردان متحمل شده بود اما ریشه های مردمی اش همچنان آن را سرپا نگه داشت. با آغاز انتفاضه جوش بیش از پیش مردم و خروج مجاهدین فلسطینی از زندان های تشکیلات خودگردان به فعالیت های شاخه نظامی جنبش شتاب بیشتری بخشید.

سرایا القدس جنگ و مبارزه را به عمق امنیتی رژیم تروریست صهیونیستی کشاند. طی این مدت سرایا القدس مجموعه ای از عملیات های شهادت طلبانه را سامان بخشید که بارزترین آنها عملیات شهادت طلبانه مجاهد شهید نضال ابو شادوف در مرکز تل آویو بود.

یکی از ویژگی های مشخص عملیات های سرایا القدس رسیدن مجاهداتش به عمق استحکامات امنیتی صهیونیستها است در حالیکه مجاهدان شهادت طلب از کرانه باختری یا نوار غزه خارج و به عمق استراتژیک صهیونیستها می رسند.

در مقابل رژیم صهیونیستی در مقابل عملیات های شجاعانه مجاهدین سرایا القدس دست به ترور کادرهای این سازمان زد.

تدابیر رژیم صهیونیستی برای مقابله با عملیات نظامی حماسی

تاثیر عملیات نظامی حماس علیه رژیم صهیونیستی بر امنیت و منافع این رژیم و بر روند صلح، آنچنان بوده که رژیم اسرائیل تدابیری را جهت مقابله اساسی با آن اتخاذ نمود.

در بعد داخلی: اجرای توافقات به عمل آمده بین ساف - تل آویو را تا حصول به موفقیت حکومت خودگردان در سرکوبی بنیادین حماس به تعلیق درآورد. جنگ همه جانبه علیه گروههای اسلامی به ویژه حماس را اعلام نمود. اختیارات کامل

به نیروهای ویژه جهت تعقیب نیروهای حماس در داخل منطقه حاکمیت خودگردان اعطا نمود. فعالیت هایی را جهت زمینه سازی برای ایجاد محدودیت در فعالیت های خارجی حماس و بستن دفاتر حماس آغاز نمود.

در بعد منطقه ای، سوریه را تحت فشار قرار داد تا فعالیت های حماس را در این کشور کنترل نماید.

در بعد بین المللی: تلاش نمود که یک پیمان امنیتی را با آمریکا منعقد نماید که طی آن با حرکت های اسلامی در خارج از اراضی اشغالی که باعث دلگرمی و

پشتیبانی خاص از مبارزین اسلامی در داخل فلسطین می شود، مقابله نمایند. جمهوری اسلامی ایران و سوریه را در حمایت از حماس متهم نمود و تلاش وسیعی را آغاز کرد تا زمینه های سیاسی جهت تهاجم به ایران را فراهم آورد.^۱ به نظر می رسد که حذف حماس و نقش موثر آن در صحنه فلسطین با توجه به توانمندیها و نفوذ عهده مردمی، غیرممکن و یا مشکل می باشد.

حماس خواه ناخواه در شکل گیری آینده فلسطین تاثیر گذار خواهد بود. یعنی نه تنها بر توسعه اقتصادی و بازسازی سیاسی در منطقه اشغالی تاثیر خواهد گذاشت بلکه تاثیر محسوسی بر هرگونه نتیجه نهایی درگیری فلسطین و اسراییل

۱- سلیمانی، محمد باقر، بازیگران روند صلح خاورمیانه، وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۶۲.

خواهد داشت. و به اعتقاد عده ای از ناظران مسایل خاورمیانه، حماس به عنوان یک نیروی مهم باز دارنده روند صلح به ایفای نقش می پردازد و لذا تنها راه خلاصی اسرائیلی ها و فلسطینیان از مخمصه بن بست صلح این است که با همکاری یکدیگر، حماس را منزوی کرده و به حاشیه برانند. در هر صورت نقش بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران بر روند صلح از طریق جنبش حماس با توجه به رابطه نزدیک بین ایران و حماس و حمایت های سیاسی و معنوی ایران از آرمانها و اهداف حماس در مبارزه با رژیم اشغالگر صهیونیستی و همچنین نزدیکی دیدگاهها و اهداف حماس با ایران پیرامون مساله فلسطین، رژیم صهیونیستی و مساله صلح، امری تردیدناپذیر می باشد.

مواضع جهاد اسلامی فلسطین نسبت به مساله صلح

جنبش جهاد اسلامی فلسطین با توجه به دیدگاهها و مواضعی که نسبت به رژیم صهیونیستی و فلسطین دارد، نسبت به هرگونه سیاست و برنامه ای که باعث تقویت و تثبیت اسرائیل و حضور این رژیم در هر بخشی از خاک فلسطین شود، عکس العمل شدید نشان داده و در حد امکان دست به اقدامات لازم می زند. از نظر این جنبش، برنامه صلح آمریکایی و سازش با صهیونیستها، موجب تقویت و تثبیت نظام صهیونیستی و تامین منافع حیاتی و نامشروع آن رژیم خواهد شد.

بنابراین در برابر این روند ناعادلانه شدیداً موضع گرفته و به عنوان یک بازیگر موثر، نقش بازدارندگی را در برابر روند صلح در قالب و شیوه های مختلف که به برخی از آنها در عبارتهای آینده اشاره خواهیم کرد، ایفا نموده است. و از آنجا که ایفای این نقش، شدیداً تحت تاثیر نقش بازدارندگی و مخالف جمهوری اسلامی ایران در برابر روند ناعادلانه صلح بوده و می باشد، بنابراین می توان ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران، نقش مخالفت و بازدارندگی در برابر صلح خاورمیانه را همچنین از طریق جنبش جهاد اسلامی فلسطین ایفا می کند.^۱

جنبش جهاد اسلامی طی بیانیه ای که به مناسبت روز جهانی قدس در بیت المقدس توزیع گردید، خواستار ایستادگی در مقابل توطئه ها شد. در این بیانیه آمده است، از کلیه موانع خواهیم گذشت و سرکوبگران صهیونیست را به مبارزه خواهیم خواند تا روز جهانی قدس، روزی که امام خمینی (رض) این نام را بر آن نهاد را گرامی بداریم ... تمام فلسطین برای ما مقدس است و حاضر نیستیم حتی یک سر سوزن از خاکش را از دست بدهیم ... صهیونیست ها باید بدانند که هیچگاه طعم امنیت را نخواهند چشید و مبارزه ما با آنها جنگ بین حق و باطل است.

۱- همان، ص ۲۴۹.

دکتر رمضان عبدالله دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین اعلام کرد تنها راه نجات عرفات این است که خود را از توافق اسلو برهاند و این توافقنامه را بخاطر

فلسطین لغو نماید و به جهاد و مبارزه با اسراییل روی آورد. در چنین حالتی ما هم حاضریم به ساف بپیوندیم. وی مجدداً به دنبال فشارها و درخواست های عرفات مبنی بر پیوستن گروههای مخالف صلح از جمله جهاد اسلامی به ساف و مشارکت در دولت خودگردان و پذیرش صلح گفت که به شرط لغو قرارداد اسلو از سوی عرفات، حاضر است که به ساف بپیوندد. وی افزود، رویای تشکیل

دولت مستقل فلسطینی به کابوس وحشتناکی برای ملت فلسطین تبدیل شده و تنها فرصتی که برای عرفات باقی مانده است تا خود را از دام مشترک اسراییل و آمریکا برهاند، خارج شدن از مناطق خودگردان است. تنها یک توجیه برای این همه فشار و اصرار از سوی عرفات بر گروههای مخالف صلح جهت پیوستن آنها به روند صلح وجود دارد و آن اینکه هر یک از این گروهها بویژه حماس و جهاد

اسلامی مانعی در روند صلح محسوب می شوند.

فصل چهارم - بخش دوم

جهاد اسلامی و گروه‌های مبارز فلسطین

وحدت جهاد اسلامی فلسطین و حماس

دکتر رمضان عبدالله دبیر کل جنبش جهاد اسلامی می گوید: روابط ما با حماس

بسیار خوب است و شکاف اختلاف نظری که بین ما و اخوان المسلمین وجود

داشت نیز به شکل چشمگیری کاهش یافته است، هم اکنون در نظر افکندن به دو

جنبش باید به شور و شوق جوانان و حکمت و تدبیر پیران اختلاف قایل شد، این

جوانان هستند که امروزه دو جنبش را با مد نظر قرار دادن احترام به بزرگان و

آگاهی اصولی و خوشبینی بسیار زیاد به آینده هدایت می کنند.

همچنانکه شافعی گفته: «علم بین اهل فضل و عقل خویشاوندی متصل است».

ایمان ما به خداوند، تمسک ما به ریسمانش و آگاهیمان از واقعیت های امت

صله رحمی است که بین ما و برادرانمان در حماس وجود دارد.^۱

برغم نکات منفی موجود در روابط گذشته هر دو به خوبی می دانیم که اختلاف

نظرهای موجود بین ما هر قدر هم که باشد با حجم مبارزه طلبی ها و خطراتی که

امت آرمان مرکزیش فلسطین با آن دست به گریبان است قابل مقایسه نیست، و

مستلزم وحدت می باشد.

۱- رمضان عبدا...، فلسطین و طرح اسلام معاصر، کمیته فرهنگ و تبلیغات جنبش جهاد اسلامی، دفتر تهران،

وحدت برای ما بزرگترین هدف است، حال اگر وحدت اصول تحقق پیدا ننمود ما مصمم هستیم که به وحدت فعالیت های اسلامی و مبارزاتی برسیم، ما تا کنون تجربه های مبارزتی مشترکی را نیز در دانشگاه ها، موسسات و دانشسراهای فلسطین انجام داده ایم که آخرین آنها ائتلاف حماس و جهاد در دانشگاه النجاح بود و وحدت راهی بود که ما را به پیروزی قاطع در انتخابات آن رساند. حتما نباید کپی کامل دیگری باشیم، مهم آن است که نوعی از همزیستی برادرانه و مثبت را بسازیم که بتواند به ما در نزدیکی دیدگاه ها یاری برساند و براساس زیر بنای اخلاص، صریح گویی کافی و همکاری برای گرفتن حق استوار باشد، تا از آن طریق مواضع مشترکی را در مورد مسایل حیاتی امت متبلور سازیم. ما شدیداً به دنبال تحقق برادری و همیاری در فراخی ها و سختی بین دو جنبش هستیم تا از آن طریق به وحدت کامل نیز دست یابیم.

جهاد اسلامی و دولت مستقل فلسطین

با توجه به حق قانونی فلسطینیها در خاک وطن ما با کمتر از آزادی سراسر فلسطین راضی نمی شویم، آزاد سازی وطن کار ساده ای نیست و ما مسوولیت خطیری که بخاطر تهدیدات صهیونیستی در هر لحظه جهان اسلام با آن مواجه می گردد، خوب درک می کنیم ولی حاضر به قبول، یک دوم، یک سوم و یک پنجم

سرزمین مان که راه ها را به روی فلسطینها برای احقاق حقوق حقه خود می بندد، نمی شویم. ما ایمان داریم که آزادی از طریق قیام فراگیر با امکانات وسیع انسانی که بمراتب از ملت و محدوده جغرافیائی فلسطین وسیعتر می باشد، تحقق می پذیرد.

به این لحاظ است که برپائی دولت مستقل فلسطین در کرانه باختری و غزه که فقط $\frac{1}{5}$ مساحت فلسطین می باشد نمی تواند سقف آرمان فلسطینیها باشد. ما از اهداف استراتژیک بویژه بازیابی حقوق کامل در فلسطین بجای سرابی که رژیم صهیونیستی و آمریکا ترسیم کرده اند، کوتاه نخواهیم آمد تا بخاطر طرح تاسیس وطن فلسطینی، به دنبال سراب چند درصدی طرح صهیونیستی آنهم برای تامین امنیت خودش باشیم.

اگر شعار تشکیل «دولت مستقل فلسطین» دامی بود که بواسطه آن روند صلح و توافق اسلو به بخشهای وسیعی از مردم در عملیات فریبکارانه تحمیل شد. «توافق اسلو» و پیامدهای ننگین آن تمام رویاهای که روند صلح به همراه داشت، بر باد فنا داد. باید این شعار ظالمانه از دل فلسطینها بیرون شود. فریب بزرگی که بواسطه آن شعارها و انگیزه ها موافقت برخی با طرح حکومت ملی یا دولت مستقل فلسطینی کرانه باختری و غزه و مرحله ای بشمار آوردن مبارزه که از اوایل دهه

هفتاد رواج یافت. هدف تحمیل طرح اسلو بود که بخودی خود درونمایه ننگین آن کشف شد.

آنچه امروزه اتفاق می افتد به عبارت صریح بما میگوید هر نهاد فلسطینی که از روند صلح با دشمن حاصل شود. بیش از یک منطقه حمایت شده و پادگانی برای حمایت از امنیت دشمن نخواهد بود و پایگاهی امن برای فلسطینها به شمار خواهد رفت.

که ما به شدت با چنین توافقاتی مخالفیم و تا آزاد سازی تمام سرزمین فلسطین دست از مقاومت بر نمی داریم، در نهایت یا پیروز می شویم و یا شهید که در هر دو صورت برنده ما هستیم.

جهاد اسلامی و سازمان آزادیبخش فلسطین

جهاد اسلامی به طور بالفعل دارای موضعی واضح و معلومی از شعار «سازمان آزادیبخش نماینده رسمی و تنها نماینده ملت فلسطین است» که در سال ۱۹۷۴،

مورد تصویب سران کشورهای عربی در رباط گردید، دارد.

این شعار را که در واقع زاییده شعار دیگری تحت عنوان «تصمیم مستقل ملی فلسطین» است سنگ بنای راه جدایی فلسطینیان از امت عربی و اسلامی و قرار

دادن آنها زیر چنگال های امپریالیسم بین المللی و نوک پیکان آنها اسرائیل می باشد، می داند.

در سایه این شعار ملت فلسطین را به سوی بن بست کشاندند و سپس برای آنها وانمود ساختند که اعراب و مسلمانان دست از آنان شسته اند، و تنها راه باقی مانده در برابرشان همانا تسلیم دشمن شدن است.

این چیزی است که به طور بالفعل نیز صورت گرفته و سازمان آزادیبخش حق اسرائیل در بقا و زندگی صلح جویانه را به رسمیت شناخت. به همین خاطر جهاد

اسلامی معتقد است که سازمان آزادیبخش که با هدف آزادی فلسطین شکل یافت، و نامش هم چنین معنایی را می دهد، به پایان خط رسیده است و به لکه ننگی برای تاریخ مبدل شده است.

باید گفت که عرفات جواز دفن این سازمان را در آنچه که به نام «نامه های متقابل به رسمیت شناختن» بین او و رابین رد و بدل شد، صادر نموده بود.

موضع جهاد اسلامی نسبت به سازمان هیچ تناقضی با موضعمان در رد لغو یا حذف بخش هایی از منشور ملی فلسطین ندارد. زیرا برغم آنکه ما حق خود را در اعتراض به نادیده گرفتن بعد اسلامی و عربی مسئله فلسطین در این منشور محفوظ می داریم، با این حال آنرا به عنوان بستر اتفاق نظری که باید تمامی

نیروها در این مرحله در آن گرد هم آیند از تاکید بر حق ما در وطنمان تا باطل بودن مشروعیت وجود دولت یهودی در خاکمان، می دانیم.

اختلافات دیدگاه جنبش جهاد اسلامی با سازمان آزادیبخش فلسطین

دکتر فتحی شقاقی رهبر شهید جهاد اسلامی فلسطین ما به سازمان آزادیبخش فلسطین حمله نمی کنیم، بلکه حرفهای ما منطقی است؛ ما سیاستهای معینی در مشی ساف را نقد می کنیم، ما از اشخاص انتقاد نمی کنیم، بلکه با سیاستها مخالفت می کنیم که اصول ثابت فلسطینی ها را نقض می کند. این سیاستها

همانهایی است که اصول ثابت فلسطینی ها را نقض می کند. این سیاستها را قبلاً خود سازمان آزادیبخش فلسطین خود وضع کرده بود. به نظر ما ساف نماینده تمام ملت فلسطین نیست و فقط نماینده جزئی از آن است. ما هم حق داریم نظر خودمانرا ارائه دهیم، به اعتقاد ما ساف از منشور ملی فلسطین که خود سازمان برای تحقق آن تاسیس شد، چشم پوشی کرده است. ساف از اهدافی که به خاطر

آن پدید آمد، چشم پوشیده است و دیگر نماینده این اهداف نیست و نمایندگی این ملت را هم ندارد. اما درباره موضع گیری جهانی بگوییم ما قصد نداریم با ساف برای جلب رضایت جامعه جهانی رقابت کنیم. ما با این کار ساف را تضعیف نمی کنیم، ساف می تواند از مخالفت ما با خود در سطح جهانی استفاده کند. دیگر

اینکه وقتی ما می گوییم ساف نماینده قانونی نیست و کنار آمدن با ما دشوارتر است، و ما موضع گیری جهانی را رد می کنیم جهان به طرف ساف گرایش می کند. پس وقتی ما از ساف انتقاد می کنیم این انتقاد آن را تضعیف نمی کند. بلکه این رفتار خود ساف است که وقتی در قبال آمریکا و اسرائیل عقب نشینی می کند، آن را تضعیف می کند.^۱

ما اگر جای عرفات بودیم، برای زندگی شخصی خود ترسی نداشتیم. برای اینکه آرمان فلسطین و ملت فلسطین تماماً در وضع خطرناکی به سر می برد. ما باید فریادمان را بلند کنیم و اگر ما را بکشند آرمانمان نخواهد مرد. ما چرا باید بله بگوییم، بیاییم امتحان کنیم و نه بگوییم. ببینیم آیا در آن صورت باز هم کنفرانسی منعقد می شود؟ همانطور که یکی از سخنرانان کنفرانس تهران در جلسه کنفرانس گفت: « چرا یاسر عرفات نه نمی گوید و به تهران نمی آید؟ اگر او عملاً خواستار جهاد بود و می خواست فلسطین را آزاد کند، وقتی می دید که اینجا و آنجا او را رد می کنند، به کنفرانس تهران می آمد خداوند جایی مانند

۱- فتحی شقاقی، ابراهیم، انتفاضه و طرح اسلامی معاصر (فلسطین و ریشه های انتفاضه)، انتشارات بین المللی الهدی، تهران، بیتا، ص ۱۲۹.

جمهوری اسلامی را پدید آورده است، ما می توانیم به این کنفرانس بیاییم و نه بگوییم.»

وقتی سازمان آزادیبخش فلسطین در سال ۱۹۶۴ تاسیس شد و «فتح» عرفات رهبری آنرا برعهده گرفت، گفته شد که همه خاک فلسطین باید آزاد شود. در سال ۱۹۷۰ تحولی پیش آمد؛ آنها گفتند: ما خواهان یک کشور دموکراتیک هستیم که یهودیان و فلسطینی ها در آن در کنار هم زندگی کنند. در این صورت یک «آری»، هرچند کوچک، گفته بودند و از موضع قبلی عدول کرده بودند. بعد از جنگ ۱۹۷۳

اعراب و اسرائیل گفتند: ما الان حاضریم کشور فلسطین را بر بخشی از خاک این کشور برپا کنیم و بعد هم به مبارزه برای آزادسازی ادامه دهیم. بعد سخن از کشوری فلسطین بدون ادامه مبارزه برای آزادسازی بخشهای دیگر در میان آوردند. با این حساب، آنها به اسرائیل مشروعیت دادند و پذیرفتند که کشور فلسطین بر بخشی از خاک فلسطین و کشور اسرائیل بر بخشی دیگر از این خاک برپا باشد. اما حالا آمده اند و خودمختاری را پذیرفته اند. الان هم خیلی به مواضع اسرائیل نزدیک شده اند.

شهرت حماس بیش از جهاد اسلامی «فتحی شقاقی»

دکتر فتحی شقاقی می گوید: ما در خبرها با نام «حماس» بیشتر از جهاد اسلامی

فلسطین روبرو هستیم که دو دلیل اصلی وجود دارد؛ دلیل اول اینکه حماس از

نظر حجم از جهاد اسلامی بزرگتر است، اما جهاد اسلامی بیشتر از حماس فعالیت

مبارزاتی دارد. حماس تاریخی پنجاه ساله پشت سر دارد. مبارزه مسلحانه ما

وسیع تر است و پنهان کاری بیشتری همه می کند. حماس نقش فرهنگی -

اجتماعی بیشتری دارد.

حماس در مقایسه با جهاد اسلامی، از امکانات بسیار بزرگی برخوردار است.

حماس رسانه های تبلیغاتی بسیاری دارد که ما از هیچیک از آنها برخوردار

نیستیم. که با خون خود دست به عملیاتی زده باشیم نه با جوهر. این دلایل باعث

می شود که شما بیشتر نام حماس را بشنوید. آنها از طرف بعضی کشورها و

سازمان های خیریه و اجتماعی مورد حمایت مالی قرار دارند و دلیل دیگر هم این

است که آنها فعالیت های تبلیغی خوبی هم دارند که خبرها را به بقیه جهان

مخابره می کند.

جهاد اسلامی از احترام بسیار خوبی برخوردار است و هیچ مشکلی با مردم

ندارد و پیشینه آن پاک و منزه است. اما این احترام به این معنا نیست که اگر

انتخاباتی شد، حتماً آنها پیروز می شوند. برای اینکه پیروزی در انتخابات به بسیاری مسائل ارتباط دارد و فقط احترام داشتن کافی نیست. این امر به وسعت تشکیلات و وفور امکانات مادی و غیره بستگی دارد. پس از نظر احترام و محبوبیت داشتن در نزد مردم، جهاد اسلامی در رده نخست قرار دارد، اما به این معنا نیست که در انتخابات هم رده اول را به دست بیاورد. برای اینکه از نظر امکانات، جهاد اسلامی در رده سوم در میان گروه های فوق الذکر جای دارد.

فصل چهارم - بخش سوم

انتفاضه

انتفاضه «معنی و مفهوم»

در تاریخ انقلابها و مبارزه ها واژه «انتفاضه» پیشینه طولانی دارد. از نظر معنایی

«انتفاضه» کلمه ای است که به نشانه قیام علیه رخوت و رکود است. «انتفاضه»

مرحله ما قبل انقلاب است. برای مثال قیام مدرسه فیضیه قم را «انتفاضه» می

نامیم و قیام سال ۱۳۵۷ ایران را انقلاب می گوئیم. آنچه که اکنون در فلسطین

اتفاق می افتد، در واقع انقلاب است، اما ما در آغاز پیش بینی نمی کردیم که چنین

فراگیر باشد و نام آن را «انتفاضه» گذاشتیم. لذا ما در جنبش جهاد اسلامی، قیام

فعلی فلسطین را «انتفاضه - انقلاب» می نامیم.

انتفاضه یک عمل در یک معادله است. این معادله چند جانبه است؛ طرفهای متعدد

بین المللی، منطقه ای و فلسطینی در آن شرکت دارند. انتفاضه تنها عامل این

معادله است که علیه آن بپاخاست. لذا بسیار دشوار است که این یک عامل بتواند

به تنهایی در مرحله فعلی دستاوردهای بزرگ سیاسی و نظامی داشته باشد. اما

می توانیم بگوئیم «انتفاضه» می تواند کیان صهیونیست ها را در یک تنگنای

سیاسی - فرهنگی، امنیتی قرار دهد و توانسته است تمام رویاهای صهیونیست

ها را که می خواستند هویت ملت مسلمان فلسطین را نابود کنند و این ملت را در

اسرائیل ذوب کنند، بر باد دهد. انتفاضه در سطح جامعه فلسطین توانسته است

ارزشهای اخلاقی گرانبهایی را ترویج کند؛ مثلاً در شیوه های آموزشی، روشهای جدید پدید آورده که باید تمام کشورهای اسلامی آن را بکار گیرند. شما می دانید

که دانشگاههای ما مدت چهار سال تعطیل بودند. اما در همین مدت ما هر سال فارغ التحصیل داشتیم. در زمینه اقتصاد هم تجربه جدیدی پیدا کردیم. ملت فلسطین تمام کالاهای خارجی را تحریم کرد و مواد مورد نیاز خود را خود تهیه می کند. اقتصاد خانگی نیز بسیار مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از مسائل مادی و معنوی با برپایی انتفاضه رنگ دیگری به خود گرفت و ارزشهای جامعه

به سمت والایی پیش رفت.^۱

انتفاضه فلسطین

آقای احمد یاسین در پاسخ به پرسشی پیرامون امکان مشارکت حماس در انتفاضه، پیکار و عملیات مسلحانه بر ضد اشغالگران صهیونیست می گوید: هرگاه سرزمین مسلمانان پایمال شود، آن گاه حکم جهاد یک واجب عینی برای

آحاد مسلمانان به حساب می آید و اجرای این واجب عینی به فراهم بودن امکانات بستگی دارد.

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۰/۸/۴.

از جانب دیگر شیخ بسام جرار طی اظهار نظری می گوید: تبعیت جنبش مقاومت اسلامی از میثاقیه حماس بیانگر ورود مجموع اخوان المسلمین به مرحله جدید مبارزه است. وی تاکید می کند این انتفاضه فلسطین بود که باعث شد اخوان المسلمین در روند انتقالشان به مرحله نوین مبارزه سرعت عمل نشان دهند. اما شیخ ابراهیم القوقا یکی از رهبران تبعیدی حماس اظهار می دارد:

انتفاضه فلسطین مرحله ای است که مراحل جدی تری در پیش دارد و همانا مرحله نجات و رهایی سرزمین اسلامی فلسطین تحت لوای اسلام از چنگال غاصبان صهیونیست می باشد.

طرفداران حماس مدعی اند که خودشان انتفاضه را برانگیخته اند، چه از طریق مقدمه چینی و آماده سازی و چه به طور مستقیم و از خلال اقدامات عملی. الاخوان تاکید می کند که پدیده ها و مظاهر آماده ساختن مردم برای برانگیختن انتفاضه در فعالیتهای سیاسی و فرهنگی حرکت اسلامی و رویاروی شان با

اشغالگران صهیونیست تجلی یافته است. طرفداران جنبش اسلامی همواره روی این بیانیه به عنوان عامل برانگیختن انتفاضه مانور می دهند. اخوان المسلمین پیوسته تاکید می کنند که انتفاضه واقعاً براساس تصمیم آنان آغاز گردیده است. افزون بر آن شیخ احمد یاسین نیز خاطر نشان می سازد که این اخوان المسلمین

(حرکت مقاومت اسلامی حماسی) بودند که انتفاضه را برانگیخته و آنها هستند که انتفاضه را رهبری و هدایت می کنند.

اما در خصوص نقش جنبش اسلامی در انتفاضه فلسطین، دکتر عبدالعزیز الرنتیسی یکی از رهبران جنبش حماس یادآور می شود که انتفاضه در حالی آغاز شد که مردم با سردادن شعارهای الله اکبر و خواندن قرآن و سرودن سرودهای اسلامی و انقلابی حرکتشان را از مساجد آغاز نمودند. علاوه بر این به خاطر انباشته شدن از جوانان مسلمان زندانهای فلسطین اشغالی به صورت

مساجد در آمده بودند و در و دیوار خیابانها و کوچه ها و مساجد شهرهای مختلف فلسطین اشغالی مملو از بیانیه ها و نشریات جنبش مقاومت اسلامی گردیده، و مردم به طور چشمگیری همفکری و همگامی شان را با این جنبش اعلام می کرده اند. چنانچه به اظهار نظرهای مطبوعاتی و تصریحات سیاسی آن روز رجوع کنید حتماً مشاهده خواهید کرد که نیروهای مسلمان پشت سر این

انتفاضه قرار داشته اند.

علل انتفاضه

هرچند جرقه اولیه شروع انتفاضه مسجد الاقصی با ورود توهین آمیز اریل شارون رهبر حزب افراطی و تندروی لیکود به مسجد الاقصی آغاز شد، لکن نظر

سنجیها بیانگر آن است که تنها ۲۷ درصد از علل شروع انتفاضه مهرماه ۷۹ به این موضوع باز می گردد و ریشه های اصلی این قیام عظیم عبارتند از:

۱- تحقیر مستمر فلسطینی ها توسط صهیونیست ها در گفتار و عمل بویژه طی دو سال گذشته.

۲- عدم پایبندی حاکمان رژیم اشغالگر اسرائیل به توافقات و قراردادهای انجام شده با دولت خودگردان.

۳- وضعیت وخیم فلسطینی ها در عرصه اقتصادی و ادامه تنگناهای معیشتی و

مالی که رژیم صهیونیستی برای شکستن اراده و قدرت مقاومت فلسطینی ها که صاحبان اصلی سرزمین فلسطین هستند بر آنها تحمیل نموده و ادامه زندگی را برای آنها دشوار ساخته است. طبق آخرین برآوردها بیش از ۶۵ درصد فلسطینی ها زیر خط فقر زندگی می کنند.

۴- افشای ماهیت و اهداف استراتژی رژیم غاصب اسرائیل برای فرقه فرقه کردن

فلسطینی ها و گسترش تخاصمهای ساختگی میان آنها به منظور ایجاد جنگ فلسطینی با فلسطینی

۵- شکسته شدن اسطوره شکست ناپذیری ارتش اسرائیل با فرار خفت بار آنان از مقابل رزمندگان شهادت طلب حزب الله.

۶- پیروزی حزب الله لبنان در مقابل اسرائیل که صرفاً در سایه اتکال به خداوند متعال و از طریق پافشاری بر مقاومت اسلامی در جریان مبارزات عقیدتی پدید آمد، بارقه های امید را در ملت فلسطین متجلی نمود.

۷- در تنگنا قرار گرفتن رهبران ساف و تشکیلات خودگردان و اثبات بیهوده بودن مذاکره با رژیم صهیونیستی و به تمسخر گرفته شدن روند صلح از سوی اسرائیل به گونه ای که حتی رهبران ساف نیز راهی جز انتفاضه و قیام پیش روی خود نمی بینند.^۱

واقعیت‌های انتفاضه از زبان آمار

برای پی بردن بیشتر به واقعیت های انتفاضه و اینکه این پدیده، امنیت ملی، منافع حیاتی و نهایتاً موجودیت رژیم صهیونیستی را به مخاطره می انداخت، بهتر دیدیم که به آمارهایی در این رابطه بپردازیم تا گوشه ای از این واقعیت بزرگ را به نمایش بگذاریم:

-تعداد تظاهرات و اعتصاب ها در سال ۱۹۸۵ (دو سال قبل از شروع انتفاضه)، ۹۳۱ مورد بوده است در حالی که در اولین سال انتفاضه در سال ۱۹۸۷ این تعداد به ۱۹۸۲ مورد رسیده بود.

۱- واعظی، حسن، نبرد نابرابر: روند ظهور و سقوط رژیم صهیونیستی، سروش، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۳۵.

-آمار دیگر حاکی است که در جریان انتفاضه از سال ۱۹۸۷ تا دو ماهه اول ۱۹۹۳ تعداد ۱۲۲۰۰ مورد حمله مردمی علیه نظامیان و شهروندان اسرائیلی به وسیله بمب های دستی، سلاح گرم، سلاح سرد، آتش زدن خودروهای گشتی و ... انجام گرفته که طی این حملات، ۲۷۳ نفر از نظامیان و شهروندان یهودی کشته و ۲۰۵۰ نفر آنها مجروح شدند. در طی این مدت و در جریان انتفاضه و حملات انجام شده، تعداد ۱۷۸۰ نفر از فلسطینی ها شهید، ۲۱ هزار نفر مجروح و بیش از ۱۰۰ هزار نفر دستگیر شدند.

-بنا به اعتراف غربی ها، عملیات مبارزین فلسطینی در سرزمین های اشغالی (در جریان انتفاضه)، بزرگتری خطر برای موجودیت اسرائیل از آغاز دولت صهیونیستی تا کنون به حساب می آید و میزان تلفات رژیم صهیونیستی از شروع انتفاضه در سال ۱۹۸۷ تا سال ۱۹۹۶ بیشتر از تلفات اسرائیل در جریان جنگهای مختلف با اعراب بوده است.

-آمار دیگر، بیانگر حجم و گستردگی انتفاضه در سال پنجم (۱۹۹۲) می باشد. تعداد حمله های مردمی علیه نظامیان و شهروندان اسرائیلی ۲۰۳۴ مورد بوده که ۴۱۱ مورد آن تیراندازی، ۷۹ مورد آن کار گذاشتن تله های انفجاری، ۸۰ مورد آن حمله با سلاح سرد، ۱۰۷۶ مورد آن حمله با کوکتل مولوتف، ۳۲۸ مورد آن آتش

زدن اتومبیل، ۵۹ مورد آن به آتش کشیدن موسسات و مزارع و ۱ مورد آن نیز گروگانگیری بوده است.^۱

اهداف انتفاضه

اما در مورد اهداف انتفاضه چنانچه شیخ ابراهیم القوما معتقد است: هدف انتفاضه این نیست که قضیه فلسطین را در محافل سیاسی فعال کند و این قضیه را در سطح کنفرانسها و سمینارها و هیئتهای بین المللی توسعه دهد. بلکه هدف اساسی آزاد سازی کل سرزمین فلسطین و آزادی ناموس و عقیده فلسطینیان از دست طاغوتیان زمین و استعمارگران و بازگرداندن قضیه فلسطین به چارچوب آزاد و محور مستقل خود می باشد.

در خصوص اهمیت انتفاضه نویسنده مسلمان دیگری چنین عنوان می کند، اهمیت انتفاضه در آن است که به منظور رسوا ساختن رژیمها و سازمانهای فرصت طلب فلسطین به وجود آمده است زیرا این رژیمها و سازمانهای کذابی تسلیم

شدن را استراتژی، و سازش را تاکتیک خود قرار داده اند. این جریانات در مراحل اولیه انتفاضه سعی داشتند از خلال انتفاضه چهره زشت و کریه برخی شخصیتهای فلسطینی داخل را پاک و آرایش داده و از آنان به عنوان هسته های

۱- سلیمانی، محمد باقر، بازیگران روند صلح خاورمیانه، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۹. ص ۲۷۰.

مذاکره کننده در گفتگوهای انفرادی اعراب و صهیونیستها بسازند، تا زمینه های خودمختاری مورد نظر اسحاق شامیر و همدستانش را فراهم نمایند و راه گفتگوهای صلح آمیز بین المللی را هموار سازند. مردم مسلمان فلسطین به خوبی می دانند سازمان آزادیبخش فلسطین طبق معمول سوار موج انتفاضه خواهد شد و با وجودی که تاثیری روی توده های فلسطینی ندارد، کوشش به عمل می آورد از نظر مطبوعاتی و سیاسی و تبلیغاتی روند انتفاضه را در راستای منافع خودش سوق دهد.^۱

انقلاب اسلامی ایران مهمترین عامل موثر در شروع و استمرار انتفاضه

دبیر کل شهید سازمان جهاد اسلامی دکتر فتحی شقاقی درباره تاثیر انقلاب اسلامی ایران در شروع انتفاضه و تداوم آن عقیده دارد که، فلسطین اشغالی به مانند دیگر کشورهای منطقه عربی اسلامی متاثر از خیزش اسلامی به رهبری امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بود ... تاثیر انقلاب اسلامی به رهبری امام فقید در فلسطین قوی تر از هر مکان دیگر بود. چرا که مسلمانان در فلسطین در حالی که تحت اشغال وحشیانه صهیونیستی به سر می بردند، ناامیدتر و فرو

۱- زیاد ابوعمرو، جنبش های اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه، ترجمه: حسن خامه یار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳. ص ۱۲۱.

پاشیده تر از تمامی ملل مسلمان بودند. امام آمد تا به آنها امید بدهد و تاکید نماید که دگرباره امت می تواند با الهام گیری از اسلام بپاخیزد، اسلام می تواند پیروز شود و حکومت خود را برقرار سازد و با این حساب، آزادی بیت المقدس از دست یهود تنها به زمان نیاز دارد.

- بنا به گزارش برخی روزنامه های خارجی، در همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مردم فلسطین تحت تاثیر انقلاب اسلامی با شعارهای «الله اکبر» به مشروب فروشی ها حمله ور شدند. روزنامه القبس نیز می نویسد، به هنگام

برگزاری مسابقه فوتبال، تماشاچیان با محکوم کردن گروه اسراییلی شرکت کننده در مسابقه، شعار خمینی، خمینی می دادند.

- یکی از رهبران سازمان جهاد اسلامی فلسطین در رابطه با الگو برداری و الهام گیری انتفاضه از انقلاب اسلامی ایران چنین می گوید: مفهوم پیروزی اسلام در ایران ما را مقاوم تر می سازد ... ما در خلال بیانیه ها و انتشارات و کتابهای

خود بر محور تهران - قدس تاکید می کنیم.

- شیخ عبدالعزیز عوده یکی از رهبران حماس و انتفاضه نیز می گوید، پیروزی انقلاب اسلامی بر شاه و ایدئولوژی غربی اش، هدایت کننده مسلمانان فلسطینی است. مسلمانان ایران هزاران کشته دادند، اما به پیروزی دست یافتند.

- زید بلال یکی دیگر از رهبران انتفاضه در این زمینه ابراز عقیده کرد که، ما سیر مارکسیسم و سوسیالیسم و تمام انواع مکاتب و نظریات را در خلال چهل سال گذشته تجربه کردیم ولی جنگ را به دشمن باختیم و سودی نبردیم. مردم ما امروز ایمان آورده اند که پیروزی از جانب خداست و ما امروز معتقد هستیم که همچون جمهوری اسلامی ایران - باید دولت اسلامی برای همه مسلمانها تشکیل شود. وی سپس شکست تجربیات گذشته و الهام گیری از انقلاب اسلامی و مکتب رهایی بخش اسلام را زمینه ساز انتفاضه قلمداد کرده است.

- همچنین روزنامه جروزالم پست با تاثیر پذیری و الهام گیری قیام اسلامی فلسطین از انقلاب اسلامی ایران می نویسد، قیام غزه اساساً به وسیله بنیاد گرایان اسلامی که از (امام) خمینی (ره) الهام گرفته اند، سازماندهی شد اگرچه اکثریت فلسطینی ها اهل سنت هستند ولی نیروهای اسرائیلی با نسل جوانی روبرو هستند که از هیچ چیز نمی ترسند و با فریادهای «الله اکبر» جلو می روند.

- دکتر فتحی شقاقی رهبر فقید سازمان جهاد اسلامی فلسطین نیز در خصوص تاثیر عمق انقلاب اسلامی در بوجود آمدن انگیزه قوی مردم مسلمان فلسطین برای انتفاضه، چنین می گوید: هیچ چیزی به اندازه انقلاب امام خمینی نتوانست ملت فلسطین را به هیجان درآورد و احساسات آنها را برانگیزد و امید را در دلها

یشان زنده کند. با پیروزی انقلاب اسلامی ما به خود آمدیم و دریافتیم که آمریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند. ما فهمیدیم که با الهام از دین اسلام می توانیم معجزه بسازیم و از این رو ملت مجاهدان در فلسطین، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را به دیده تقدیر می نگرند و امام خمینی را از رهبران جاوید تاریخ اسلامی می دانند.

- دکتر ابولولو یکی از رهبران جهاد اسلامی فلسطین در همین زمینه می گوید، در حقیقت، ایران مسلمانان دیگر را زنده کرد. فلسطینی ها همواره به ایران نگاه می کنند و ایران اراده مستضعفان است. ایران قدرت اسلامی را در جانهای مسلمانان بیدار کرد. پیروزی انقلاب اسلامی عامل عمده ای در تشکیل سازمان جهاد اسلامی فلسطین و «پیدایش انتفاضه»، انقلاب اسلامی ایران بود که نیروی ایمان را در درون مسلمانان زنده کرد. امروزه فکر انقلاب اسلامی ایران در همه جای فلسطین و در هر خانه ای وارد شده است.^۱

نقش جنبش مقاومت حماس و جهاد اسلامی در قیام فلسطینیان

درک این موضوع نباید دشوار باشد که چرا گروه اخوان المسلمین زمانی که وارد فعالیت سیاسی در دوران انتفاضه شد، نام خود را تغییر داد. سابقه اختلافات با

۱- سلیمانی، محمد باقر، بازیگران روند صلح خاورمیانه، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۹. ص ۲۶۴.

نیروهای ملی در کنار غیبت آنان در فعالیت های ضد اشغالگری در دو دهه گذشته، به طور جدی جایگاه آنان را به عنوان یک نیروی سیاسی قابل قبول زیر سوال برده بود. گزینش نام جدید که نشان دهنده موضع مبارزه جویانه تر و قوی تری است، به این مفهوم بود که اخوان اعتبار از دست رفته را در یک فضای تهاجمی جدید در دوران انتفاضه به دست آورده است.

اطلاعیه شماره ۳۰ حماس از مردم خواسته است که برای آشنایی با حماس و اهداف آن، منشور جنبش مقاومت اسلامی را بخوانند. یک اصل اساسی که در منشور حماس به آن اشاره شده این است که سرزمین فلسطین بخشی از سرزمین های وقفی مسلمانان است و تا روز قیامت برای مسلمانان باقی خواهد ماند. هیچ فردی اجازه ندارد تا بخشی از فلسطین را ببخشد. وطن پرستی جزئی اعتقادات اسلامی است و دفاع از سرزمین اسلامی وظیفه همه مسلمانان است.

این دیدگاه بدان مفهوم است که مذاکره با دشمنان در مورد سرزمین فلسطین با خیانت برابر است. حماس در پاسخ به یکی از شعارهای اصلی انتفاضه که خواهان برگزاری کنفرانس بین المللی برای تعیین آینده فلسطین است، در منشور خود آورده است: «چنین کنفرانس هایی چیزی غیر از یک نوع قضاوت از جانب منافقان در مورد سرزمین مسلمانان را به ارمغان نمی آورد. از چه زمانی کفار

در مورد مومنان قضاوت صحیح داشته اند؟ مشکل فلسطین هیچ راه حلی به غیر از جهاد مقدس ندارد. ابتکارها، پیشنهادهای و کنفرانس های بین المللی همگی وقت تلف کردن و بی ثمر است. مردم فلسطین عزت و آبرو دارند و اجازه نمی دهند که آینده، حقوقشان و سرنوشتشان از بین برود.»

حماس می پذیرد که مسیر جهاد آسان نیست. منشور جنبش مقاومت اسلامی فلسطین موضوع مبارزه برای آزادی فلسطین را در قالب جنبش آزادی بخش پان اسلامی این گونه جای می دهد: «موضوع آزادی فلسطین به سه گروه فلسطینیان،

اعراب و مسلمانان ارتباط دارد. هریک از آنان برای مبارزه با صهیونیسم تعهداتی دارند. این بالاترین حد از حماقت و نادانی است که مسئولیت هر یک از این سه گروه نادیده گرفته شود، زیرا فلسطین یک سرزمین اسلامی است و زمانی که موضوع براساس این محوریت قرار گیرد و توانایی های سه گروه بسیج شود، آن گاه روز آزادی نزدیک خواهد شد. تعجیل در فرا رسیدن چنین روزی به

اشاعه خودآگاهی اسلامی بین توده های فلسطینی، عرب و مسلمان نیاز دارد. روحیه جهاد باید در بین امت اسلامی گسترش یابد، با دشمن باید درگیر شد و گروه های مختلف مجاهدان باید به مبارزه ملحق شوند.»

این دیدگاه همچنین به علت وجه تمایزی که مردم بین حماس و گروه جهاد اسلامی - که در اوایل دهه ۸۰ تاسیس شده - قائل هستند، تشدید شده است.

جهاد اسلامی در ماه می ۱۹۸۷، چند ماه قبل از شروع انتفاضه، با فراری دادن تعدادی از اعضای خود از زندان غزه حیرت مردم را برانگیخت. در ماه اگوست، بعد از اینکه یک افسر اسرائیلی در گذرگاه شلوغی در غزه به دست یکی از اعضای گروه جهاد کشته شد، این گروه مجدداً به صحنه بازگشت. در اوایل اکتبر، سه نفر از زندانیان فراری به همراه چهار مرد دیگر، که همگی از اعضای

جهاد بودند، در حمله نیروهای امنیتی اسرائیل در غزه به شهید رسیدند.

تظاهرات گسترده در کرانه غربی و نوار غزه بعد از شهید این افراد نشان داد که جهاد اسلامی در مبارزه علیه اشغالگری در نوار غزه از جایگاه ویژه ای برخوردار است. اخراج شیخ عبدالعزیز عوده، استاد دانشگاه اسلامی در غزه، که یکی از رهبران با نفوذ جهاد می باشد، هم زمان با موج دستگیری اعضا و

طرفداران این جنبش صورت گرفت. جهاد اسلامی از اعتبار ملی مهمی برخوردار

است. جهاد در دوران انتفاضه به اجماع ملی پایبند و با رهبری ائتلاف ملی در تماس نزدیک بود.^۱

نقش جهاد اسلامی در انتفاضه، ۱۹۸۷

می توان گفت پیدایش انتفاضه مردمی در دسامبر ۱۹۸۷ در نتیجه شرایط استثنایی و موضوعی است که در خلال اشغال ۲۰ ساله مناطق کرانه باختری رود اردن و نوار غزه انباشته و متراکم شده بود. در این مدت اسرائیل به سیاستها و اقداماتی دست زد که موجودیت ملی و مادی مردم فلسطین را در سرزمینشان به مخاطره افکند. این سیاستها و اقدامات خصمانه به حدی گسترده و فراگیر بود که هیچ کدام از شهروندان فلسطینی را از درد و رنج و محرومیت بی بهره نساخت

به طور کل قبل از پیدایش انتفاضه رویدادهایی به وقوع پیوست که نقش مستقیمی در برانگیختن انتفاضه داشت. می توان این رویدادها را جرقه ای نامید که شعله های انتفاضه را روشن ساخت. بدون تردید جنبش جهاد اسلامی نقش به سزایی در تحریک این رویدادها داشته است. در حوادث و رویدادهایی که در نوار غزه به

۱- فصلنامه نهضت، سال دوم، شماره (۶) - تابستان، ۱۳۸۰. ص ۸۵.

وقوع پیوست جنبش جهاد اسلامی گرداننده اصلی به شمار می آمد و از نظر روانی زمینه و جو را برای پیدایش انتفاضه فراهم ساخته است.

شایان ذکر است که این رویدادها با فرار شش تن از اعضای جنبش جهاد اسلامی از زندان مرکزی غزه در تاریخ ۱۸ مه ۱۹۸۷ آغاز شد. علاوه بر این فرار موفقیت آمیز، موفقیت دیگری نیز حاصل شد که همانا ناتوانی مقامات انتظامی اسرائیل برای دستگیری زندانیان فراری بود به طوری که این فرار بزرگ عکس العملهای مثبتی در محافل مردمی برانگیخت و واکنش های مطلوبی به وجود آورد. پس از

این حادثه اعضای دیگری از جنبش جهاد مبارت به انجام یک سری عملیات موفقیت آمیز بر ضد اهداف اسرائیلی کردند. اضافه بر این بین نیروهای امنیتی اسرائیل و اعضای یکی از هسته های نظامی جنبش جهاد در روستای الشجاعیه در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۸۷ رویارویی خونینی به وقوع پیوست که تاثیر شگرفی در امر بسیج توده ها برای مقابله و اعتراض با اقدامات رژیم صهیونیستی بر جای

گذاشت.

در پی این حادثه تظاهرات گسترده ای از سوی مردم غزه به طور مستمر به راه افتاد و تا پیدایش انتفاضه ادامه داشت.

جنبش جهاد اسلامی در شعار نویسی روی دیوارها و پلاکاردها و از خلال انتشار بیانیه ها و اطلاعیه‌هایش پیوسته می کند از اتخاذ هرگونه موضع مخالف با طرحها و برنامه های شورای رهبری متحد قیام که هیچ سمتی در آن ندارد، اجتناب ورزد. عقیده بر آن است که نوعی هماهنگی مشترک بین جنبش جهاد و شورای رهبری متحد قیام حداقل در زمینه مقابله عملی و منسجم با نیروهای ارتش اسرائیل وجود دارد.

برعکس جماعت اخوان المسلمین، جنبش جهاد اسلامی در بیانیه هایی که در ابتدای شروع انتفاضه صادر می ساخت، مستقیماً با طرح انعقاد کنفرانس بین المللی صلح و تشکیل دولت فلسطین مخالفتی نمی کرد. کما اینکه در این بیانیه ها هیچ اشاره ای به سازمان آزادیبخش فلسطین نمی شد.

بدون تردید مشارکت فعال جنبش جهاد اسلامی در انتفاضه موجب گشت جایگاه این جنبش از پیش در روند مبارزات مردم فلسطین قوی تر شود و متقابلاً

موقعیت جنبش جهاد در قبال جماعت اخوان المسلمین پایدارتر و بارزتر جلوه گر شود. در این خصوص یکی از رهبران جنبش جهاد اسلامی اظهار می دارد: جنبش جهاد تنها سازمانی است که قادر است دین داران و مسلمانان سنتی را نیز وارد گود انتفاضه کند. هرچند که اسرائیلیان با تمام توان می کوشند میان

طرفداران گرایش‌های مذهبی و هواداران گرایش‌های ملی و ناسیونالیستی به ویژه در شهر غزه اختلاف و دو دستیگی ایجاد کنند، لیکن در این حرکت هرگز موفق نبوده و نخواهند بود، کما اینکه نباید غافل بود که محوریت و نقطه تماس میان آن دو گرایش را ما تشکیل می‌دهیم.

در حین انعقاد و پس از پایان کار نوزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین و نیز بعد از صدور قطعنامه پایانی این گردهمایی تضاد و تعارض در مواضع هر کدام از جنبش‌های جهاد و ساف در برابر یکدیگر بالا گرفت و به وضوح نمایان شد. در

حین انعقاد اجلاس مزبور جنبش اسلامی با انتشار بیانیه‌ای به دستور کار و طرح‌های سیاسی ارائه شده در نوزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین شدیداً اعتراض کرد. اما پس از پایان کار اجلاس و صدور قطعنامه جنبش جهاد طی بیانیه شدید اللحن دیگری قبول قطعنامه ۲۴۲ را قویاً محکوم ساخت.

در این بیانیه آمده است: پذیرش قطعنامه ۲۴۲ به معنی صرفنظر کردن از بخش مهمی از سرزمین فلسطین است. این قطعنامه در زمانی پذیرفته می‌شود که دهها سال از فریب و گمراه ساختن مردم فلسطین می‌گذرد.

در این بیانیه خاطر نشان شده که قبول قطعنامه ۲۴۲ موجب می‌شود در آینده نزدیک نبرد با دشمن صهیونیستی متوقف شود، و نبردهای درونی میان

جناح‌های مختلف فلسطینی آغاز بشود، و به طور کل نبرد از زمین دشمن خارج و به صحنه فلسطینیان کشانده شود، و چنانچه دولتی به وجود آید، این دولت نه تنها از دیگر بخش‌های سرزمین فلسطین صرف‌نظر می‌کند بلکه دولتی در برگیرنده تمامی مردم فلسطین نیز نخواهد بود.

اضافه بر این، جنبش جهاد اسلامی فلسطین در بیانیه‌ای که در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۸۹ منتشر ساخت گفته است جنبش جهاد از هر کس که حقوق کامل مردم و میهن را نادیده بگیرد، یا آماده باشد یک وجب از خاک مقدس فلسطین را به دشمن صهیونیست ببخشد از او بی‌زاری می‌جوید. جنبش جهاد از دعوت‌هایی که به منظور برگزاری به اصطلاح انتخابات شهرداری‌های اسرائیل یا کنفرانس به اصطلاح صلح بین الملل می‌شود به خداوند پناه می‌برد. خداوند برای کسانی که از حقوقشان صرف‌نظر می‌کنند، لعنت نازل می‌کند.

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس پشتوانه فرامرزی را برای تداوم انتفاضه ضروری خواند و تاکید کرد: چنانچه قصوری از جانب جامعه عرب هم صورت گیرد، گمان می‌کنم مردم ما به نبرد با این دشمن ادامه خواهند داد.

وی در همین رابطه افزود که ما به ملل عرب و اسلامی بسیار امیدوار هستیم و موضع مردم بر این مطلب تاکید دارد که هرگونه عقب نشینی در انتفاضه منجر به شکست می شود.

و حتی بلحاظ تاریخی نیز ثابت شده است که هیچ نیروی استعمارگری نتوانسته است ملت تحت اشغال را که زنده است و می رزمند و برای آزادی تلاش و مجاهدت می کند، به زانو درآورد.

حضور امریکا در ویتنام و به دیگر سخن تجربه ویتنام گویای این مطلب می باشد.

عملیات شهادت طلبانه و مقاومت، یک پیام روشن و شفاف دارد و آن اینکه اگر صهیونیست ها امنیت می خواهند، چاره کار خروجشان از سرزمین ماست.

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس روابط این جنبش با کشورهای عربی را رو به رشد و با سایر گروههای فلسطینی را نوید بخش توصیف کرد و گفت در حال حاضر

چهارده گروه فلسطینی هماهنگی و همکاری دارند، البته تشکیلات خودگردان خارج از گردونه این هماهنگی جای دارد و هماهنگی ها بین گروهی است و جنبش فتح نیز در آن حضور دارد.

خالد مشعل بسیج افکار عمومی در جهت حمایت از انتفاضه را وظیفه امت دانست و ابراز عقیده نمود که این بسیج باید از طریق و مجرای دولتی انجام و از تمامی امکانات در عرصه های تبلیغاتی و فرهنگی برخوردار باشد و فرهیختگان، اندیشمندان، نویسندگان، خبرنگاران در این میان مسوولیتی دو چندان دارند. نامبرده در خصوص تاثیرات انتفاضه بر جامعه صهیونیستی اظهار داشت، همه شواهد و قراین از وجود نوعی ترس و نگرانی نسبت به حال و آینده رژیم صهیونیستی حکایت و دلالت دارد و آمار و ارقام گویا و مبین این مطلب است.

وی تصریح کرد: گردشگری به نصف کاهش پیدا کرده، ۴۰٪ شهرکها تخلیه شده اند، ۳ میلیارد دلار زیان اقتصادی، زیان ۳۰٪ تجارت صهیونیستی در بازارهای فلسطینی، فضای رعب و وحشت موجود و فشارهای روانی ناشی از آن، بطور قطع دشمن را به تجدید نظر در محاسباتش وادار خواهد کرد. رئیس دفتر سیاسی حماس با اشاره به وجه تشابه حضور اشغالگرانه صهیونیست ها در فلسطین و استعمار فرانسه در الجزایر خاطر نشان کرد، فرانسه پس از ۱۳۰ سال سرانجام بدلیل بهای سنگینی که می پرداخت، ناگزیر از ترک الجزایر شد.

وی تماس و دیدار مقام های عربی و یا فلسطینی با رهبران رژیم صهیونیستی را از سوی حماس، مردم فلسطین و ملل عربی و اسلامی مردود و مذموم خواند و تاکید کرد که مردم فلسطین از قدرت بالای پایداری و استقامت سود می برد و امروزه بیش از هر زمان دیگری بر تداوم مقاومت اصرار دارد.

خالد مشعل ضمن رد گزارش میچل و ابتکار مصری - اردنی که دعوت به بازگشت به مذاکرات می کند اظهار داشت، عقل و منطق می گویند، آزموده را آزمون خطاست، ما هم مذاکرات را آزمایش کردیم و بی حاصل بودن آن را تجربه کردیم.^۱

رئیس دفتر سیاسی حماس در این مورد که چرا هرگاه مبارزات ملت فلسطین در آستانه تعیین سرنوشت قرار می گیرد با تلاشهای مخرب درونی (عربی و فلسطینی) مواجه می شود و ثمرات و دست آوردهایش بر باد می رود و اینکه چه تدبیری برای عدم تکرار این سناریو اندیشه شده است، گفت: ما از این خلل و نقیصه در موضع گیری عربی و بعضاً فلسطین ناخرسندیم و در یک جمله عرض می کنم که مردم ما تا تحقق اهداف خویش و آزادی سرزمین و مقدسات از پای نخواهد نشست.

۱- صدای فلسطین اسلامی، سال سوم - شماره (۳۲)، تیر ماه ۱۳۸۰.

انتفاضة از دیدگاه رئیس دفتر سیاسی حماس «خالد مشعل»

خالد مشعل ضمن اظهار بی اطلاعی از مساله عبور و انتقال سلاح از طریق

مرزهای هم جوار برای رزمندگان انتفاضة خاطر نشان کرد که ما بارها و بارها

از کشورهای عربی و به ویژه کشورهای هم جوار خواسته ایم به وظیفه خود در

قبال انتفاضة و مقاومت عمل نموده و شرایطی را برای دسترسی مردم فلسطین

به سلاح را فراهم آورند.

نامبرده در مورد امکان گشوده شدن جبهه های جدید مثل جولان گفت: ما در

جنبش حماس نبرد و جنگ خود را در چارچوب فلسطین محدود کرده ایم، اما

موضوع گشودن جبهه های جدید را به خود کشورهای جدید را به خود

کشورهای عربی و اسلامی واگذار می کنیم، آنچه مهم است اینکه امت خود را

مهیای جنگ تحمیلی از جانب صهیونیستها بکند، چه درگیری و نبرد امت با این

دشمن نابکار حتمی است.

مطمئن باشید اگر خود امت هم از این برخورد اجتناب ورزد، دشمن به تعقیب آن

خواهد پرداخت و دست از سر آن بر نخواهد داشت.

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس پشتوانه فرامرزی را برای تداوم انتفاضه ضروری خواند و تاکید کرد: چنانچه قصوری از جانب جامعه عرب هم صورت

گیرد، گمان می کنم مردم ما به نبرد با این دشمن ادامه خواهند داد.

وی در همین رابطه افزود که ما به ملل عرب و اسلامی بسیار امیدوار هستیم و موضع مردم بر این مطلب تاکید دارد که هرگونه عقب نشینی در انتفاضه منجر به شکست می شود.

و حتی بلحاظ تاریخی نیز ثابت شده است که هیچ نیروی استعمارگری نتوانسته

است ملت تحت اشغال را که زنده است و می رزمند و برای آزادی تلاش و مجاهدت می کند، به زانو درآورد.

حضور امریکا در ویتنام و به دیگر سخن تجربه ویتنام گویای این مطلب می باشد.

عملیات شهادت طلبانه و مقاومت، یک پیام روشن و شفاف دارد و آن اینکه اگر

صهیونیست ها امنیت می خواهند، چاره کار خروجشان از سرزمین ماست.

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس روابط این جنبش با کشورهای عربی را رو به

رشد و با سایر گروههای فلسطینی را نوید بخش توصیف کرد و گفت در حال

حاضر چهارده گروه فلسطینی هماهنگی و همکاری دارند، البته تشکیلات

خودگردان خارج از گردونه این هماهنگی جای دارد و هماهنگی هابین گروهی است و جنبش فتح نیز در آن حضور دارد.

خالد مشعل بسیج افکار عمومی در جهت حمایت از انتفاضه را وظیفه امت دانست و ابراز عقیده نمود که این بسیج باید از طریق و مجرای دولتی انجام و از تمامی امکانات در عرصه های تبلیغاتی و فرهنگی برخوردار باشد و فرهیختگان، اندیشمندان، نویسندگان، خبرنگاران در این میان مسوولیتی دوچندان دارند. نامبرده در خصوص تاثیرات انتفاضه بر جامعه صهیونیستی اظهار داشت، همه

شواهد و قرائین از وجود نوعی ترس و نگرانی نسبت به حال و آینده رژیم صهیونیستی حکایت و دلالت دارد و آمار و ارقام گویا و مبین این مطلب است.

وی تصریح کرد: گردشگری به نصف کاهش پیدا کرده، ۴۰٪ شهرکها تخلیه شده اند، ۳ میلیارد دلار زیان اقتصادی، زیان ۳۰٪ تجارت صهیونیستی در بازارهای فلسطینی، فضای رعب و وحشت موجود و فشارهای روانی ناشی از آن، بطور

قطع دشمن را به تجدید نظر در محاسباتش وادار خواهد کرد.

رئیس دفتر سیاسی حماس با اشاره به وجه تشابه حضور اشغالگرانه صهیونیست ها در فلسطین و استعمار فرانسه در الجزایر خاطر نشان کرد،

فرانسه پس از ۱۳۰ سال سرانجام بدلیل بهای سنگینی که می پرداخت، ناگزیر از ترک الجزایر شد.

وی تماس و دیدار مقام های عربی و یا فلسطینی با رهبران رژیم صهیونیستی را از سوی حماس، مردم فلسطین و ملل عربی و اسلامی مردود و مذموم خواند و تاکید کرد که مردم فلسطین از قدرت بالای پایداری و استقامت سود می برد و امروزه بیش از هر زمان دیگری بر تداوم مقاومت اصرار دارد. خالد مشعل ضمن رد گزارش میچل و ابتکار مصری - اردنی که دعوت به

بازگشت به مذاکرات می کند اظهار داشت، عقل و منطق می گویند، آزموده را آزمون خطاست، ما هم مذاکرات را آزمایش کردیم و بی حاصل بودن آن را تجربه کردیم.

رئیس دفتر سیاسی حماس در این مورد که چرا هرگاه مبارزات ملت فلسطین در آستانه تعیین سرنوشت قرار می گیرد با تلاشهای مخرب درونی (عربی و

فلسطینی) مواجه می شود و ثمرات و دست آوردهایش بر باد می رود و اینکه چه تدبیری برای عدم تکرار این سناریو اندیشه شده است، گفت: ما از این خلل و نقیصه در موضع گیری عربی و بعضاً فلسطین ناخرسندیم و در یک جمله عرض

می کنم که مردم ما تا تحقق اهداف خویش و آزادی سرزمین و مقدسات (ان شاء الله) از پای نخواهد نشست.

از سوی دیگر شیخ ابراهیم القوقا تاکید می کند انتفاضه ای که به وسیله مردم مسلمان فلسطین اشغالی به وجود آمد، در واقع زاییده فعل و انفعالات و واکنشهای است که در اذهان و روحیه اسلام گرایان داخل سرزمینهای اشغالی انباشته شده بود. آقای القوقا چند مورد از این واکنشها را به طور خلاصه چنین عنوان می کند:

۱- ازدیاد آگاهیهای صحیح و عمیق اسلامی این آگاهیها از طریق مساجد و تریبونها و مراکز و موسسات اسلامی و انجمنهای دانشجویی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در سرزمینهای اشغالی گسترش یافته است.

۲- به وجود آمدن نسل مسلمان و متعهد به مذهب پس از یک مرحله بیگانگی طولانی و پیروی از مکاتب مادی که با شکست سال ۱۹۶۷ این مکاتب نیز شکست خودشان را عملاً اثبات کردند.

۳- سکوت حاکم بر منطقه در میان کوششهای که به منظور به فراموشی سپردن قضیه فلسطین پس از چهل سال انتظار و دادن وعده های کاذب قطعنامه های

سازمان ملل و متحد و اجلاسهای بسیار سران عرب و سرانجام اشغال باقی مانده سرزمین فلسطین توسط صهیونیستها.

۴- اقدامات سرکوبگرانه مقامات اشغالگر اسرائیلی توام با کینه توزیهای به جای مانده از حقارت‌های تاریخی و عقده های روانی دوران نازیها و خونخواهی از جنگها و غزوه های صدر اسلام در خیبر بنی‌النظیر و بنی قریظه.

۵- اقدامات وحشیانه ای که بر یکایک افراد طبقات مختلف اجتماعی فلسطین وارد شده است.

۶- ورشکستگی و سرانجام بد سازمانهای فلسطینی که روزگاری از اسلام دور شده و شعارهای غیر اسلامی را حمل می کرده و از جهاد روی گردان شده و از اهدافشان دایر بر آزادی سراسر خاک فلسطین عدول کرده اند.

انتفاضه فلسطین از دیدگاه شیخ ابراهیم القوقا یکی از رهبران حماس از سوی دیگر شیخ ابراهیم القوقا تاکید می کند انتفاضه ای که به وسیله مردم

مسلمان فلسطین اشغالی به وجود آمد، در واقع زاییده فعل و انفعالات و

واکنشهای است که در انهمان و روحیه اسلام گرایان داخل سرزمینهای اشغالی

انباشته شده بود. آقای القوقا چند مورد از این واکنشها را به طور خلاصه چنین

عنوان می کند:

۱- ازدیاد آگاهیهای صحیح و عمیق اسلامی این آگاهیها از طریق مساجد و تربیونها و مراکز و موسسات اسلامی و انجمنهای دانشجویی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در سرزمینهای اشغالی گسترش یافته است.

۲- به وجود آمدن نسل مسلمان و متعهد به مذهب پس از یک مرحله بیگانگی طولانی و پیروی از مکاتب مادی که با شکست سال ۱۹۶۷ این مکاتب نیز شکست خودشان را عملاً اثبات کردند.

۳- سکوت حاکم بر منطقه در میان کوششهای که به منظور به فراموشی سپردن قضیه فلسطین پس از چهل سال انتظار و دادن وعده های کاذب قطعنامه های سازمان ملل و متحد و اجلاسهای بسیار سران عرب و سرانجام اشغال باقی مانده سرزمین فلسطین توسط صهیونیستها.

۴- اقدامات سرکوبگرانه مقامات اشغالگر اسرائیلی توأم با کینه توزیهای به جای مانده از حقارتهای تاریخی و عقده های روانی دوران نازیها و خونخواهی از جنگها و غزوه های صدر اسلام در خیبر بنی النظیر و بنی قریظه.

۵- اقدامات وحشیانه ای که بر یکایک افراد طبقات مختلف اجتماعی فلسطین وارد شده است.

۶- ورشکستگی و سرانجام بد سازمانهای فلسطینی که روزگاری از اسلام دور شده و شعارهای غیر اسلامی را حمل می کرده و از جهاد روی گردان شده و از اهدافشان دایر بر آزادی سراسر خاک فلسطین عدول کرده اند.

انتفاضه از دیدگاه دکتر حکمی محمد القاعوده نویسنده مصری

دکتر حلمی محمد القاعود نویسنده مسلمان مصری مهمترین عامل پیدایش انتفاضه را ناامید و ناکامی مردم فلسطین در درجه اول از حکومتهای عربی و در درجه دوم از سازمانهای فلسطینی که در خارج سرزمینهای اشغالی فعالیت می

کنند می داند. القاعود معتقد است که در برابر مردم فلسطین راهی وجود نداشت جز اینکه ابتکار عمل را به دست گیرد و بدون احساس شرم به هویت و اصالت واقعی خویش بازگردد و به جهانیان بفهماند که خلق فلسطین مسلمان است و سرزمین فلسطین یک سرزمین اسلامی است. این در حالی است که همه دنیا از او دست کشیده بودند.

علاوه بر این نویسندگان مسلمان دیگری وجود دارند که انتفاضه فلسطین و تداوم آن را و حرکت مقاومت اسلامی (حماس) را یکی از نشانه های بارز الهی دانسته اند.

همان نویسنده پیدایش جنبش مقاومت اسلامی (حماس) را بزرگترین و مهمترین

رویداد قرن عنوان می کند و می گوید: شاید خطرناکترین حادثه قرن حاضر این

باشد که جنبش مقاومت اسلامی در این مکان، در قلب فلسطین و در کنار مسجد

الاقصی و در زمان حاضر شکل می گیرد.

فصل پنجم - بخش اول

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر دوگروه جهاد اسلامی فلسطین و حماس

تاثیر پذیری گروه های اسلامی فلسطین از انقلاب اسلامی ایران

بنا به اعتراف اغلب صاحب نظران، پیروزی انقلاب اسلامی ایران اثری بنیادین در

صحنه مبارزاتی فلسطین به ویژه جریان های اسلامی بر جای نهاد. نکته قابل

توجه این است که از ابتدای ظهور صهیونیسم یکی از شیوه های آنها برای

کاستن توان مقابله اعراب، جداسازی سایر ملت ها و مذاهب اسلامی از قضیه

فلسطین بود.

استفاده از اختلافات شیعه و سنی در راستای این هدف برا صهیونیست ها بسیار

جذاب و قابل توجه می نمود. به رغم موفقیت نسبی در این راه و دور کردن توجه

افکار عمومی جامعه ایرانی در طول دو دهه نسبت به مسئله فلسطین به کمک

رژیم پهلوی، علمای مبارز و قشر روشنفکر ایرانی در حمایت و همراهی با

فلسطینی ها هرگز کوتاهی نکردند. اولین حضور قابل توجه از علمای شیعه در

قضیه فلسطین مربوط به شرکت امام کاشف الغطاء در کنفرانس اسلامی قدس

بود. این کنفرانس در سال ۱۹۳۱ در قدس و با تلاش مفتی حاج امین حسینی

برگزار شد. هدف این کنفرانس جلب توجه جهان اسلام به مسئله فلسطین و
اخطار به انگلیسی ها و صهیونیست ها بود.^۱

صهیونیست ها و انگلیسی ها تلاش هایی برای جلوگیری از برگزاری کنفرانس به
عمل آوردند، اما چون انگلیسی ها مخالفت بیشتر با تشکیل کنفرانس را به
مصلحت نمی دانستند به حاج امین حسینی پیام دادند که کنفرانس نباید به مسائل
سیاسی پردازد و تنها باید به امور دینی پرداخته شود و چنانچه برخلاف این
عمل شود، او را از فلسطین تبعید خواهند کرد، اما امام کاشف العطاء در سخنرانی

خود بر لزوم وحدت و حراست از سرزمین قدس تاکید کرد و در اولین روز
برگزاری کنفرانس، شرکت کنندگان نماز جماعت را به امامت وی برگزار کردند.
شایان ذکر است که کاشف الغطاء برای حمایت از آرمان فلسطین بسیار تلاش
کرد و در این راه متحمل مشکلات بسیاری نیز شد.

شهید نواب صفوی نیز از جمله روحانیان مبارز شیعه بود که در سال ۱۹۵۰ در
راس یک هیئت مذهبی از قدس دیدار به عمل آورد و سخنان بسیار حماسی و
پرشوری در این مسجد بیان کرد و رهبران و علمای فلسطینی نماز جماعت را به
امامت وی به جا آوردند.

۱- حاجیان، محمدرضا، ماهنامه خبری، تحلیلی نهضت. ص ۶۰.

از دیگر علمای شیعه که نسبت به مسئله فلسطین بسیار اهتمام داشت، مرحوم آیت الله کاشانی بود که به رغم کارشکنی های رژیم پهلوی برای کمک به فلسطینی ها تلاش بسیاری کرد

حضرت امام خمینی (ره) را باید از مهم ترین رهبران و علمای شیعه و جهان اسلام دانست که سالها قبل از پیروزی انقلاب، به قضیه فلسطین به شکلی عمیق و اساسی توجه داشتند و همواره خطر اسرائیل را برای جهان اسلام یادآوری می کردند.

سخنان امام (ره) در سال ۱۳۴۳ ه.ش و گوشزد کردن خطر صهیونیسم و نفوذ آن در رژیم پهلوی از جمله معروف ترین موضع گیری های امام است. نکته قابل توجه اینکه امام (ره) از ابتدا هرگز اسرائیل را صرفاً به عنوان یک اشغالگر سرزمین فلسطین در نظر نداشتند، بلکه آن را عاملی از سوی غرب برای مقابله با اصل و اساس اسلام می دانستند.

علاوه بر این موضع گیری اساسی، امام (ره) در زمینه عملی نیز حتی پیش از انقلاب اسلامی حمایت های فراوانی از فلسطین می کردند، از جمله اختصاص سهم امام و هدایت اشخاص برای کمک به قضیه فلسطین.

در بین سایر علما و روشنفکران شیعی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مواضع بسیار روشن و محکم شهید مطهری و دکتر شریعتی نیز قابل توجه است. در

لبنان نیز به رغم اینکه فلسطینی ها مشکلاتی را برای شیعیان جنوب لبنان فراهم آورده بودند، امام موسی صدر به شکلی بسیار قاطع و استوار از فلسطینی ها حمایت کرد و در جنگ های مسیحیان علیه فلسطینی ها در کنار فلسطینی ها ایستاد و از آنها پشتیبانی نمود.

در داخل فلسطین نیز جوانان فلسطینی طی دو دهه محاصره مطلق شناخت دقیق

و کاملی از شیعه و ایران نداشتند، اما این را می دانستند که رژیم حاکم بر ایران طرفدار اسرائیل است. به همین دلیل به محض پیروزی انقلاب و آگاهی آنان از مواضع ضد اسرائیلی امام (ره)، به طور خودجوش موجی از شادی در بین مسلمانان به وجود آمد. به طور کلی، پیروزی انقلاب اسلامی در آن زمان انگیزه ای قوی در بین مسلمانان فلسطینی برای تداوم مبارزه به وجود آورد. گفتنی

است در شرایط زمانی آن روز تفکر اسلامی و قدرت آن برای مقابله با جریان های استکباری به طور جدی زیر سوال رفته بود، به گونه ای که بسیاری تفکر اسلامی را فاقد قدرت برای به تحرک در آوردن توده ها می دانستند.

بازتاب انقلاب اسلامی ایران شکل گیری جهاد اسلامی فلسطین

در مورد اثرات و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر فکر و ایدئولوژی جنبش جهاد اسلامی فلسطین، باید گفت که انقلاب اسلامی در زمینه های تئوری و عمل برای جنبش جهاد منبع فکر و الهام بوده است. به طوری که بنیانگذاران جنبش جهاد از همان ابتدا سعی می کردند اندیشه ها و رهنمودهای امام خمینی را بپذیرند و به فرامین وی عمل نمایند. از نظر بنیانگذاران جهاد، امام خمینی نه فقط سمبل و الهام بخش و رهبر انقلاب اسلامی ایران است، بلکه در همه جا این مشخصات را دارد.

همین طور رهبران جهاد کوشیدند از تجربیات انقلاب اسلامی ایران درس بگیرند و این تجربیات را در صحنه فلسطین پیاده کنند. از دیدگاه جنبش جهاد اسلامی تا قبل از پیروزی انقلاب در ایران، اسلام از صحنه مبارزه و رویارویی دور بوده است، لذا با پیروزی انقلاب اسلامی این مسئله روشن شد که اسلام تنها راه حل بوده و جهاد بهترین شیوه مناسب می باشد.

در حقیقت جنبش جهاد اسلامی مواضع بنیادیش را در خصوص مسئله جهاد در فلسطین از سه محور اساسی الهام می گیرد. این محورها عبارتند: ۱- انقلاب ایران ۲- میراث اخوان المسلمین (به ویژه ادبیات سید قطب) ۳- تجربیات سازمان جهاد اسلامی مصر. انقلاب اسلامی ایران توانست کاری کند که نگرستن به قضیه

فلسطین از یک دیدگاه اسلامی امری ممکن باشد، همان دیدگاهی که جنبش جهاد اسلامی آن را مناسبترین راه حل معرفی می کند.^۱

دین اسلام از نظر امام خمینی همان دینی است که مجاهدان حق جو و عدالت طلب، خواهان آن می باشند. دین کسانی که خواستار آزادی و استقلال هستند.

به عقیده تئوریسینهای جهاد اسلامی، خطر اسرائیل تنها در اشغال (دارالسلام) فلسطین و تحقیر مردم این کشور و گسترش فرهنگ صهیونیستی خلاصه نمی شود، بلکه این طرح بخشی از یک نقشه جامع به منظور پراکنده ساختن امت

اسلامی و سوق دادن مسلمانان به سوی غربگرایی و استثمار و استعمار و بندگی و فلج کردن اراده آنان می باشد.

همانگونه که رهبران جمهوری اسلامی ایران بارها در محافل داخلی و خارجی به آن اشاره نموده اند.

پیروزی حزب الله الگوی مبارزات فلسطین

از زمان شروع انتفاضه، تلاش های ایران برای تقویت همکاری بین حزب الله، حماس و جهاد اسلامی بوده است جمال منصور، یکی از رهبران حماس، در کرانه

۱- زیاد ابوعمرو، جنبش های اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه، ترجمه: حسن خامه یار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۶.

غربی طی مصاحبه ای که در ۹ آوریل، با نشریه الحیاه الجدیده انجام شد، تایید کرده است که تجربه حزب الله، تجربه مبارزاتی مردم را غنی کرده است و حزب الله به نمادی برای مردم فلسطین تبدیل شده است.

ایران تلاش دارد تا گروه های فلسطینی را ترغیب نماید تا از مدل حزب الله برای مبارزه علیه اسرائیل، استفاده کنند. خبرنگاری این رادیو به اظهارات رهبر انقلاب ایران اشاره می کند که شروع انتفاضه فلسطین را نتیجه فعالیت های حزب الله در خروج اسرائیل از جنوب لبنان می دانند.

سید حسن نصر الله، دبیر کل حزب الله، خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس گفت که موفقیت حزب الله در وادار ساختن اسرائیل به خروج از جنوب لبنان، باید به الگویی برای فلسطینیان بدل شود. حزب الله بعد از این که اسرائیل را مجبور ساخت تا از جنوب لبنان خارج شود، در جهان عرب از جایگاه ویژه ای بر خوردار شد و این موجبات نگرانی مقام های اسرائیلی را فراهم کرده است.

دیمز در گزارش خود ذکر می کند که هدف این کنفرانس ایجاد هماهنگی بین گروه های مخالف اسرائیل است و چریک های حماس تاکنون در عملیات مشترک با جهاد اسلامی و حزب الله شرکت داشته اند. مناشی امیر، مدیر بخش فارسی رادیو اسرائیل، ادعاهای گذشته را تکرار می کند و مدعی است که ایران چریک های

فلسطینی را در اردوگاه های حزب الله در جنوب لبنان و هم چنین در ایران مورد آموزش قرار می دهد. وی می افزاید: «چریک های فلسطینی از تاکتیک های حزب

الله چون حملات موشکی و قرار داد بمب در کنار مسیر عبور سربازان اسرائیلی استفاده می کنند.»

حمایت ایران از مردم فلسطین موجب نگرانی این تحلیلگران شده است و آنها تلاش دارند، مقام های فلسطینی را ترغیب نمایند تا حمایت ایران از گروه های فلسطینی را به منزله زنگ خطری تلقی کنند تا به این بهانه به پای میز مذاکره

بازگردند. موضوع دیگر این است که عدم حمایت مالی اعراب از فلسطینیان موجب شده که آنها برای دریافت کمک مالی به جانب ایران روی آورند و زمینه را برای ایران، در تحمیل سیاست های خود فراهم آورند. کنفرانس تهران شرایط را برای عرفات و شارون دشوار می سازد تا بتوانند خشونت ها را متوقف سازند.^۱

ایران الگوی مبارزات جهاد اسلامی

از طرف دیگر دکتر فتحی شقاقی در نوشته ها و سخنرانیهای خود از جوانان و مردم فلسطین خواسته است برای مبارزه با اسرائیل و آزادی فلسطین، مردم

۱- ماهنامه نگاه، جلد دوم شماره ۱۴-۱۳، تیر و مرداد ۱۳۸۰، ص ۷۸.

ایران را الگوی خود قرار دهند. از آنجا که جهاد اسلامی نقش مهمی در بسیج اسلامی در نوار غزه بعهدہ داشت، حکومت اسرائیل رهبران آن از جمله عبدالعزیز عوده و فتحی شقاقی را به لبنان تبعید کرد. رهبران جهاد اسلامی فلسطین پس از استقرار در بیروت به جمهوری اسلامی ایران و گروههای طرفدار انقلاب اسلامی در لبنان بیشتر نزدیک شدند و مواضع ایران در قبال فلسطین نزدیک کردند. جهاد اسلامی که قبلاً تا حدی با سازمان فتح و شاخه نظامی آن در سرزمینهای اشغالی همکاری داشت، پس از استقرار در لبنان، و بویژه پس از سیاستهای دو سال اخیر رهبران ساف با آنها سر به مخالفت برداشته است. جهاد اسلامی با ابتکار نوزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ در الجزایر در رابطه با اعلام استقلال کشور مستقل فلسطینی مخالفت ورزیده و طی صدور بیانیه ای این اقدام را «خائنانه» توصیف کرد. مخالفت جهاد اسلامی با سیاست ساف، پس از مواضع جدید یاسر عرفات در اواخر ۱۹۸۸ در ژنو که طی آن وی اسرائیل را به رسمیت شناخت، و قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل را پذیرفت، بسیار شدیدتر شده است.

عبدالعزیز عوده رهبر جهاد اسلامی، در ۱۹۸۹ به ایران سفر کرد و با رهبران جمهوری اسلامی به مذاکره پرداخت. دکتر فتحی شقاقی نیز چند بار به تهران

سفر کرده و مواضع جهاد را در قبال مساله فلسطین بیان نموده است. نزدیکی جهاد اسلامی به ایران باعث شده است که گروههای فلسطینی طرفدار عراق و نیز

جنبشهای اسلامی مخالف انقلاب اسلامی و بویژه طرفداران عربستان سعودی برای منزوی کردن جهاد اسلامی به تلاش پردازند. البته جهاد اسلامی از اواسط سال ۱۹۸۹، در نشریه ای تحت عنوان «المجاهد» که در بیروت انتشار می یابد، به انعکاس نظریات و مواضع خود و نیز شرح فعالیت‌های طرفداران جهاد اسلامی در داخل سرزمینهای اشغالی می پردازد. المجاهد در مقالات خود همچنین طرحهای

سیاسی جهت حل مساله فلسطین و نیز مواضع رهبران ساف را که خواستار مذاکره با اسرائیل هستند، مورد انتقاد قرار می دهد.

به اعتقاد دکتر فتحی شقاقی گروه جنبش جهاد اسلامی فلسطین از آغاز پیدایش در فلسطین از سه مرحله عبور کرده است.^۱

مرحله اول- مرحله آماده سازی و بسیج از طریق کار سیاسی و مردمی و تبلیغ

در مساجد و دانشگاهها و اتحادیه ها و جزوات و اعلامیه ها و نشریات مخفی.

بیاد می آورم که قبل از انتقال به مرحله دوم مسوولین اسرائیلی تعداد زیادی از فرزندان جنبش جهاد اسلامی را دستگیر کردند و هنگامی که برای اولین بار

۱- دکتر فتحی شقاقی، کنفرانس تهران، ۲۷ مهر ۱۳۷۰ (۲۲ اکتبر ۱۹۹۱).

شخصاً برابر قاضی اسرائیلی قرار گرفتم فهرستی از اتهامات مرا پیش روی من گذاشتند که اولین آنها این بود که تو متهم هستی که اقدام به تاسیس یک سازمان دینی نموده ای که دعوت (امام) خمینی در نابودی اسرائیل و سیطره اسلام بر جهان را تایید می کند.

مرحله دوم - آغاز مبارزه و جهاد مسلحانه که در ایجاد اعتماد بنفس به مردم فلسطین تاثیری زیادی داشت، در حالی که نیروهای لائیک ملی گرا از مبارزه مسلحانه روی گردانیده و راه سیاسی و دیپلماتیک را انتخاب کردند آنان در این رهگذری آنکه ره آوردی داشته باشند خود را خوار و ذلیل ساختند.

سال ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ سال اسلام مجاهد در فلسطین بود. سالی که با خون پاک و طاهر اسلامی زمینه را برای انتفاضه مبارک آماده ساخت. روز ۱۹۸۷/۱۰/۶ اولین شعله انتفاضه را برافروخت. آن هنگام که یک هسته از فداییان جهاد اسلامی با نیروهای اطلاعاتی دشمن درگیر شدند و درگیر مهمی به وجود آمد که در خلال

آن چهار نفر از بهترین جنگجویان جهاد اسلامی به شهادت رسیدند و تعداد زیادی از افسران و سربازان دشمن کشته و مجروح شدند.

در چنین روز بزرگی از تاریخ مردم فلسطین جنبش جهاد اسلامی به همراه مردم فلسطین وارد مرحله دوم در مسیر خود گردیدند: «انتفاضه»

مرحله سوم-انتفاضه، که جنبش جهاد اسلامی از روز اول و بطور روزمره در همراهی رویدادهای انتفاضه حاضر بود. هفته ها گذشت تا دیگر نیروهای اسلامی و ملی بپاخیزند و صفوف خود را منظم سازند و با قوت در انتفاضه شرکت نمایند.^۱

ایران و دو حادثه شگفت انگیز برای مقاومت فلسطین

حادثه، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ به رهبری امام خمینی رضوان الله علیه بود این پیروزی با خروج مصر از صحنه مبارزه با رژیم صهیونیستی و امضای توافقنامه کمپ دیوید همزمان گردید. خروج مصر به مثابه برادر بزرگ [کشورهای عربی خط مقدم] از صحنه مبارزه همانگونه که می دانیم باعث گردید تا بار این رویارویی کاملاً بر دوش سوریه قرار گیرد. از جمله نعمت های خداوند به امت اسلامی، سوریه و اعراب پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه هم پیمان استراتژیک رژیم صهیونیستی در منطقه بود. شما تصور کنید اگر همزمان با کمپ دیوید رژیم شاه هم همچنان در قلب

۱- نورانی، محمود، اهداف سیاست خارجی ساف در فلسطین اشغالی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶. ص ۲۵۵.

منطقه باقی می ماند و پایگاه استراتژیک طرح غربی صهیونیست در منطقه بود، این منطقه چه شکل و ساختاری پیدا می کرد؟

از رحمت خداوند بر ما، حکمت و دانایی رهبران این کشور [ایران] بود که آنان انقلاب را از همان روز اول پیروزی به عنوان هم پیمانی برای اعراب و یار و یآوری برای مسایل عربی و در راس آن مسئله فلسطین و رویارویی با رژیم صهیونیستی این مسئله مرکزی جهان عرب معرفی نمودند.

اما حادثه جالب دوم مربوط به امام و انقلاب است. زمانی که انقلاب اسلامی در همان ابتدای پیروزی اش با جنگ تحمیلی که با هدف شکست و در نطفه خفه نمودن آن در چارچوب طرح های توطئه گرانه بیگانگان علیه این انقلاب مواجه گردید، انقلاب شعار جنگ جنگ تا پیروزی پیش بسوی قدس [حربا حربا حتی النصر، زحفا زحفا نحو القدس] را سر داد امام زمانی که امام خمینی (رضوان الله علیه) تصمیم به توقف جنگ گرفت.

مسئله جالب اینجاست، چه کسی در آن روز فکر می کرد که خداوند سبحانه و تعالی برای امام خمینی آن جنگ را با جنگ پر خیر و برکت تر مبدل کند. جنگی که برای رسیدن به قدس نزدیک تر است و دیوار به دیوار رژیم اشغالگر قدس قرار

دارد. این جنگ را فرزندان و شاگردان مکتب امام خمینی رزمندگان حزب الله و مقاومت اسلامی علیه خیبر جدید انجام دادند.

امام خامنه ای (حفظه الله) راهی را که امام خمینی (رضوان الله علیه) آغاز نمود، بدو ادامه داد، بنحوی که همگان می دانیم که بدون این پشتیبانی و کمک هایی که انقلاب اسلامی به مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین نمود، به فقط می گوئیم که پیروزی غیر ممکن بود بلکه از پایه و اساس چیزی به نام مقاومت وجود نداشت.^۱

انتفاضه: شیوه های مبارزاتی مردم ایران در زمان انقلاب

تردیدی نیست که شعاع تاثیرات انقلاب اسلامی ایران آنچنان فراگیر و پر جذب بود که فلسطینی ها به تاسی از شیوه های مبارزاتی مردم ایران، دست به قیام و خیزش عمومی زده که اصطلاحاً بنام «انتفاضه» مشهور گشت. در این «انتفاضه» مردم فلسطین، با دست خالی و صرفاً با استفاده از سنگ به رویارویی با سیل تانکهای زرهی و هلی کوپترهای مسلسل دار و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی

اسرائیل برخاستند. در این جنگ نابرابر، ارتش اسراییل با کلیه نفرات و تجهیزات آن به حالت آماده باش عمومی درآمد تا قیام مردم فلسطین را با بهره گیری از تکنیک ها و شیوه های مختلف سرکوب کند. بواقع این انتفاضه، بهای بسیار

۱- نداءالقدس، سال سوم شماره (۵۳) ۱/۶/۱۳۷۹. ص ۲۵.

سنگینی برای رژیم صهیونیستی در برداشت و از همین رو سران رژیم صهیونیستی کوشیدند از هر ترفندی برای خاموشی شعله های مقدس آن بهره جویند لذا توافق اسلو و گفتگوهای پشت پرده رهبران جناح سازشکار فلسطینی بعنوان یک شگرد محافل صهیونیستی برای متوقف کردن انتفاضه و به سازش کشاندن فلسطینی ها محسوب می شود. متأسفانه جناح سازشکار فلسطینی بسرعت در دام صهیونیستها غلتیده و با براه انداختن تشکیلات خود مختار و تحت الحمایه در ۳ درصد از اراضی غصب شده فلسطین، بعنوان نیروی حائل در مقابل حملات روزمره توده های فلسطینی علیه صهیونیستها ظاهر گردیده است. این جناح سازشکار بخاطر سلطه طلبی و قبضه کردن امور در سرزمین های اشغالی، به حقارت آمیزترین نوع تسلیم طلبی در تاریخ اعراب تن داد و متعهد گردید نه فقط آتش انتفاضه را خاموش کند بلکه به نیابت از سرویس اطلاعاتی اسرائیل، به سرکوب فعالان انتفاضه و مبارزان جنبش های اسلامی بپردازد.^۱

۱- جاسبی، عبدا...، فلسطین در فراز و فرود تاریخ، تهران، دانشگاه آزاد، دفتر فرهنگ مقاومت، ۱۳۷۹. ص

توانمندی نظامی ایران خطری برای اسرائیل

ایران از نظر اسرائیلیها مهمترین کشور تهدید کننده اسرائیلیها است. بنابراین

جایگاه ویژه ای در نظام امنیتی رژیم اسرائیل دارد. این کشور در صدد مقابله با

تهدیداتی است که از نظر آنها امنیتشان را به خطر می اندازد.

اسرائیلیها اصطلاح ماورای افق را به کار برده اند از نظر آنها ایران به خاطر

دست یافتن به سلاح تخریب جمعی تهدید بالقوه برای اسرائیل است لذا آنها

ناچارند که مقابله به مثل کنند و این مستلزم تواناییهای جدید برای ماورای افق

است. مدیر کل وزارت دفاع اسرائیل در مورد ایران اظهار می دارد که «آنها می

گویند قصد نابودی اسرائیل را دارند و برای حزب الله جنگ افزار می فرستند.» در

سال ۱۹۹۵ در آمریکا نیز از ایران به عنوان «بزرگترین تهدید برای اسرائیل»

تاکید شد و نسبت به ورود ایران به آستانه سلاح های هسته ای و حمایت از

گروههای اسلامی اظهار نگرانی شده است.

در این خصوص ایهود باراک گفته است تلاش کشورهایمانند ایران، لیبی، عراق

و پاکستان برای کسب توانایی نظامی اتمی مشکل ساز خواهد شد، در سال ۱۹۹۲

اسحاق را بین نخست وزیر اسرائیل گفته بود که دولتش با همکاری قدرتهای

بزرگ باید توجه خود را به احتمال دست یابی دشمنان اسرائیل به سلاح هسته ای معطوف سازد. و از اتمی شدن آن به هر قیمت جلوگیری کند.

همچنین اریل شارون پس از انتصاب به سمت وزارت دفاع در سال ۱۹۸۱ با تاکید بر اهمیت عمق استراتژیک به عنوان مبنای نظام منطقه ای اشاره کرد وی تمام کشورهای عربی، ایران، ترکیه، پاکستان و کشورهای شاخ آفریقا را حوزه امنیتی اسرائیل اعلام کرد و از تصمیم این دولت برای ممانعت از دست یابی کشورهای خصم (بالفعل یا بالقوه) به جنگ افزارهای هسته ای خبر داد.

همچنین مارتین کرامر، مدیر انستیتوی دایان - تل آویو در ارتباط با اهداف اسرائیل از اتحاد با ترکیه چنین گفته است: «قرار داد ترکیه با اسرائیل یک قرارداد تشریفاتی نیست بلکه قرارداد استراتژیک و با ابعاد وسیع است که اگر لازم باشد براساس این قرارداد اسرائیل قادر خواهد بود برای تامین امنیت خود اهدافی را در ایران مورد حمله قرار دهد وی اضافه کرد؛ کنترل باب المندب که دریای سرخ

را به اقیانوس هند متصل می کند از طریق اریتره در اختیار اسرائیل است. اکنون ترکیه را نیز تحت نفوذ داریم، برخی فکر می کنند که اسرائیل این اقدامات را برای نفوذ اقتصادی در آسیای میانه و قفقاز انجام می دهد، نخیر! این عملیات در راستای اهداف استراتژیک اسرائیل است و ما قصد داریم خطر دست یابی ایران

را به سلاح هسته ای خنثی کنیم. چرا که گاه حوادث آنقدر سریع اتفاق می افتد که اگر ما به موقع در منطقه حضور نداشته باشیم منافع ما به خطر می افتد.

یکی دیگر از مسایلی که اسرائیل بر آن تاکید دارد آزمایش موشک شهاب ۳ ایران بود که از نظر اسرائیل این موشک کشور آنها را در تیررس حملات ایران قرار می دهد. لذا دولت اسرائیل را مجبور به بازنگری در برنامه های دفاعی و افزایش بودجه نظامی خود کرده است.

همچنین اسحاق مردخای در ارتباط با موشک شهاب ۳ ایران گفته بود که «اسرائیل در معرض خطر مهمی از جانب موشکهای ایران قرار دارد.»

باری روبین کارشناس امور خاورمیانه در دانشگاه بارایلان می گوید «اسرائیل مقدار هنگفتی از بودجه خود را صرف برنامه هایی برای مقابله با خطر این موشکها نموده است.»

پرز وزیر امور خارجه اسرائیل «تهدیدات عمده اسرائیل را ناشی از ترکیبی از

سلاح های هسته ای و اسلام افراطی بیان کرده است بنابراین جمهوری اسلامی

ایران در پی دست یابی به قدرت هسته ای است دشمن اصلی اسرائیل است.» این

تهدیدات ارزش بازنگری را دارند زیرا نخبگان عرب، نگرانی و تشویش اسرائیل

در مورد منازعه گردهمایی بنیادگرایی اسلامی نسبت به ثبات رژیم های عربی و

پیدایش زرادخانه هسته ای ایران را افزایش می دهد. احساس عمومی رهبران اسرائیل این است که تهدیدات همه در کشورهای دورتر متمرکز شده در حالی که روابط با همسایگان عرب رو به بهبود است.

دولت اسرائیل احساس می کند که فعالیت های هسته ای ایران، نه تنها اسرائیل را به دردمر می اندازد بلکه غرب را نیز دچار مشکل می کند، «بیلن» رئیس مجلس اسرائیل اعلام کرد که اسرائیل از اروپای غربی و سایر کشورها از جمله چین خواسته است لایحه ای را تصویب کند که مانع از فعالیت هسته ای ایران شود.

رئیس سابق ستاد باراک گفت که ایرانیها «جریان نفت به دنیای آزاد، ثبات رژیم های پراگماتیک، توازن داخلی در جهان عرب و رشد اقتصادی اروپا و ژاپن را مورد تهدید قرار می دهند به این جهت آنها سزاوار یک تلاش پیشگیرانه جهانی هستند، آنچه لازم است یک جبهه بین المللی است.» به قول اسحاق را بین، فقط ایالات متحده آمریکا، می توان یک حرکت بین المللی برای توقف تکثیر سلاح های

هسته ای در خاورمیانه را رهبری کند، اسرائیل در زمینه تلاش برای جلوگیری از فروش موشکهای کره شمالی به ایران که اسرائیل در تیررس آنها است، به ایالات متحده آمریکا اتکا داشت.

همچنین در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۹۲ فرمانده اطلاعات ارتش اسرائیل گفت ایرانیان در حال انجام پروژه های هستند که باعث نگرانی ها در زمینه حفاظتی و ادامه

حیاتمان شده است و زمانی که این پروژه به انجام برسد و به پتانسیل لازم دست یابد، تا پایان این دهه ایرانیان توانایی انجام کارهای هسته ای را خواهند داشت. در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲ فرمانده نیروی هوایی اسرائیل، سرلشکر هوتز بودینگر در مورد تلاش هایی صحبت کرد که دیگر کشورهای منطقه برای بدست آوردن سلاح هسته ای انجام می دهند، او گفت اطلاعاتی را در اختیار داریم که نشان می

دهد کشورهای منطقه مخصوصاً ایران، به سختی تلاش می کند که به این توانایی برسد، ما فکر می کنیم با توجه به اطلاعات بدست آمده اگر کاری صورت نگیرد، در طول یک دهه یا بیشتر ایران، به این مهم دست پیدا خواهد کرد. ۸ ماه بعد یک افسر نیروی هوایی که به طور اختصار سرهنگ A نامیده می شود تاکید داشت به اسرائیل برسند. در این شکی نیست که ایران در تلاش است تا توانایی تولید

سلاح های شیمیایی و هسته ای را بدست آورد. او همچنین گفت که ایرانیها در حال توسعه برنامه های موشکی و همچنین تولید هواپیما می باشند که مستقیماً

باعث هراس اسرائیل شده است. هم چنین در این زمان ایران در حال انجام برنامه های هسته ای بلند مدت خود می باشد.^۱

با توجه به مطالبی که از سران این رژیم در مورد ایران نقل شد، به این نتیجه می رسیم که کشور ایران جایگاه خاصی در نظام امنیتی اسرائیل دارد و این کشور در سیاستگذاری امنیتی خود به ایران توجه می کند. با توجه به اینکه این کشور ایران را مهمترین تهدید خود می داند لذا برای مقابله با ایران موشکهای مجهزی را خریداری کرده است. موشک شهاب ۳ که اخیراً توسط ایران ساخته شده است

مقامات امنیتی اسرائیل را نگران کرده است چرا که اینها را این می ترسند که ایران این سلاح ها را علیه اسرائیل استفاده کند. با توجه به این که برد این موشک ۱۳۰۰ کیلومتر است به راحتی می تواند اسرائیل را مورد حمله قرار دهد. از یک طرف در اختیار داشتن سلاحی که می تواند اسرائیل را مورد هدف قرار دهد و از طرف دیگر تفکر سران رژیم ایران مبنی بر اینکه اسرائیل باید نابود شود این رژیم را بیش از پیش نگران کرده است. لذا مقامات اسرائیل بر این امر واقفند که باید برای تهدیدات ایران چاره اندیشی کنند.

۱- کاکاوند، مسعود، بررسی تأثیر تهدیدات نظامی اسرائیل بر سیاستگذاری امنیتی ایران بعد از جنگ سرد، پایان نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۳، ص ۴۷-۴۸.

فصل پنجم - بخش دوم

رهبران ایران و مقاومت فلسطین

سیاست تصمیم گیری رهبران ایران

نظریه پردازان تصمیم گیری به فرایندهای داخلی یک کشور، و به ویژه افراد تصمیم گیرنده، توجه دارند. به عبارت دیگر، برای آنکه سیاست خارجی کشورها را بررسی کنیم باید از منظر کسانی که تصمیم می گیرند و گروههایی که در قالبهای سازمانی و بوروکراتیک عمل می کنند، به بحث و بررسی بپردازیم. شاید بتوان ادعا کرد که پیچیده ترین مجموعه از نظریه پردازانها در رابطه با سیاست خارجی به فرد و ویژگیهای فردی مربوط می شود، و پیچیده ترین مبهم ترین تحقیقات درباره این متغیر خاص انجام گرفته است.^۱

متغیرهای بیرونی و خارجی یعنی ساختار نظام منطقه ای و بین المللی بر تصمیم گیریهای دست اندرکاران ایران در سیاست خارجی تأثیرگذار بوده اند و در واقع روابط خارجی به عنوان تداوم سیاست داخلی از عواملی چون ایدئولوژی و ذهنیت نخبگان سیاسی تأثیرپذیری بیشتری داشته است. به عبارت دیگر، در

پویش رفتار خارجی جمهوری اسلامی محیط داخلی از اهمیت والاتری در مقایسه با متغیرهای خارجی برخوردار بوده است. و بسته به عقاید، ویژگی ها و شیوه

۱- سریع القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹. ص ۲۳.

اداره دستگاه دیپلماسی و رویکرد دولتمردان نسبت به تحولات نظام بین المللی تناوب بین آرمان گرایی و واقع گرایی صورت می پذیرفته است. به رغم تفاوت رویکرد رهبران آرمانگرا و واقع گرا در سیاست خارجی، هر دو گروه بر راهبرد عدم تعهد در گفتمان انقلابی و ایدئولوژیک نه شرقی، نه غربی تأکید دارند و آن را با ویژگی هایی چون، استقلال در سیاست خارجی اجتناب از ورود به اردوگاه شرق و غرب و بهبود روابط با کلیه کشورها به استثنای کشورهای نژادپرست و استکباری مورد پذیرش قرار می دهند. از نظر آنان راهبرد عدم تعهد جایگزینی مناسب برای ارتقای وجهه ملی و اعتبار بین المللی ایران و برآوردکننده نیازهای ملی و بین المللی کشور بشمار می آید چرا که با ساختار حکومتی جمهوری اسلامی و نیز با ویژگیهای خاص تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی ایران سنخیت دارد.^۱

دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اسرائیل

با پیروزی انقلاب اسلامی، دولت ایران از یک دولت دوست اسرائیل به اصلی ترین دشمن اسرائیل تبدیل شد و در جریان انقلاب شعار " الیوم ایران، غداً

۱- دهشیری، محمدرضا، چرخه آرمان گرایی و واقع گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳۷۳.

فلسطین" (امروز ایران، فردا فلسطین) مورد تأکید انقلابیون مسلمان ایران بود و در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز شعار " راه قدس از کربلا می گذرد" رایج شده بود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ به حمایت از محرومین و جنبشهای آزادیبخش اشاره شده است و سعادت انسان در کل جامعه بشری را، آرمان انسان مسلمان دانسته و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مسلمانان جهان می داند.

امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که یک دهه رهبری آن را نیز به عهده داشتند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره حساسیت شدیدی نسبت به این موضوع نشان می دادند که بصورت موضوعی به چند محور اساسی از دیدگاههای ایشان درباره فلسطین و اسرائیل اشاره می کنیم:

۱- تفکیک مسأله یهود از صهیونیسم

۲- دعوت مسلمین به اتحاد علیه اسرائیل

۳- اختصاص وجوهات شرعی به مجاهدان فلسطین

۴- تیزبینی و دوراندیشی (نامگذاری آخرین جمعه ماه رمضان بعنوان روز قدس)

۵- افشای مکرر شعار نیل تا فرات.

در تأثیرپذیری نیروهای مبارز فلسطینی از انقلاب اسلامی ایران می توان به نامه
حییم هرزوغ رییس جمهور اسبق اسرائیل به یهودیان آمریکایی معترض
سیاستهای اسرائیل در برخورد با فلسطین اشاره کرد که نوشته بود :

تظاهرکنندگان فلسطینی مناطق اشغالی از طرفداران تفکر امام خمینی می باشند و
هیچ ارتباطی با ساف ندارند این جوانان می خواهند خیابانهای اسرائیل را به
خیابانهای بیروت و تهران تبدیل کنند اگر تظاهرات فلسطینیها با همان تفکرات
قبلی خود، خطری در بر نداشت و علت شدت عمل اسرائیل در مقابل آنها این

است که، قیام، تغییر ایدئولوژی داده و الهام بخش آن اسلام است.^۱

آیه ا... خامنه ای : جمهوری اسلامی ایران، مذاکرات و قراردادهای منعقدہ میان
ساف و اسرائیل را خیانت به آرمانهای فلسطین دانسته و قویا آنرا نظرا و عملا
محکوم می نماید. همچنین قطع رابطه ایران و مصر از زمان پیروزی انقلاب، در
این راستا بوده است. بدنبال سازش عرفات با اسرائیل و به جهت مخالفت ایران با

این روند، در مهرماه سال ۱۳۷۰، جمهوری اسلامی ایران، اقدام به جمع آوری
مخالفان روند صلح در تهران در کنفرانس دفاع از حقوق ملت مسلمان فلسطین

۱- اطلاعات، ۷۰/۷/۱۰، ص ۱.

کرد. این مسأله و نیز اوج اعتصابات انتفاضه در نواحی اشغالی، چالشهای جدیدی بر صلح آمریکایی بودند. در کنفرانس مزبور، آیت... خامنه ای گفت :

«کنفرانس صلحی که پرچمدار آن آمریکا باشد، حقوق ملت فلسطین را پایمال خواهد کرد و این یک اقدام خائنانه و حمایت از رژیم صهیونیستی اسرائیل است.»
مهمترین ویژگی این کنفرانس اصل سازش ناپذیری با اسرائیل و آمریکا و تشدید مبارزه و حمایت از انتفاضه بود. در روز دوم کنفرانس، تهران یک پیشنهاد برای تشکیل ارتش اسلامی، جهت دفاع از آرمان فلسطین را عنوان کرد. رهبران انقلاب

ایران مبارزه قهرآمیز و جنگ واقعی با صهیونیستهای نژادپرست را حق ملت فلسطین دانستند.

دولت ایران ضمن حمایت از حزب... لبنان، برقراری روابط با گروههای جهادی مانند حماس و جهاد اسلامی و محدود کردن فعالیتهای نمایندگی سفارت تهران و گسترش روابط با سوریه و لبنان عملاً خود را به عنوان، پرچمدار مخالفین

صلح با اسرائیل و حامی اصلی مردم فلسطین نشان داد.

آیت... خامنه ای بعد از امضای پیمان وای ریور در مرینند گفتند : " مسأله بعدی، این توافق ننگینی است که باز اخیراً میان صهیونیستها و کسانی که خود را نماینده فلسطینها می دانند انجام گرفته است... انسانی حقیر، انسانی خائن، انسانی

به شدت فرو رفته در لجنزار خودپرستی و دنیاپرستی (عرفات) که اصلاً لایق نیست انسان او را عضوی از مقاومت فلسطین بداند؛ چه رسد به این که بخواهد

رهبر آن مقاومت باشد او در حقیقت مسئولیت تعقیب و دنبال گیری کار مبارزات فلسطین را بر عهده گرفت، یعنی مسأله گرفتاری بزرگ دولت صهیونیست را از قبل انقلابیون مسلمان فلسطینی از دوش او برداشت و به دوش خود گرفت^۱...

آیت... خامنه ای بعد از شروع انتفاضه الاقصی، حملات خود را به اسراییل شدیدتر کردند و ضمن اینکه اساس اسراییل را بر نژادپرستی دانستند گفتند: "...

دستگاههای استکباری از ایران اسلامی گله می کنند که شما با روند صلح مخالفید، ما البته مخالفیم، اما شما بدانید اگر ایران اسلامی هم مخالف نبود، اگر هیچیک از ملتها و دولتهای دنیا هم کمک نمی کرد این خیال خامی است که شما خیال می کنید یک ملت را می شود از صحنه تاریخ محو کرد و به جای آن یک ملت جعلی به وجود آورد.^۲"

ایشان راه مهار بحران خاورمیانه (فلسطین) را رفراندومی دانستند که بین ساکنان اصلی و اولیه فلسطینیان برگزار شود و سپس دولت منتخب خود تصمیم بگیرد

۱- اطلاعات، ۱۳۷۷/۸/۹، ص ۲.

۲- اطلاعات، ۱۳۷۹/۷/۳، ص ۲.

که با یهودیانی که در این قرن به فلسطین وارد شدند چه کند. آنها را نگه دارد یا برگرداند یا در نقطه خاصی اسکان بدهد. رهبر ایران ضمن تشویق فلسطینیان به

ادامه جهاد تا کسب استقلال، اجلاسهای اخیر (شرم الشیخ و اجلاس سران عرب در قاهره در ۲۰۰۰) را در حل معمای فلسطین ناتوان دانستند.

آقای خاتمی، رییس جمهوری ایران، در دیدار با خالد مشعل رییس دفتر سیاسی حماس، گفت: امروز فرزندان فلسطین در درون این سرزمین مورد سرکوب و کشتار و در بیرون از وطن خود نیز آواره شده و سرزمینشان در اشغال رژیم

صهیونیستی است... من باید به بشریت تسلیت بگویم چرا که آدمکشان و قاتلان و غاصبان مورد حمایت برخی دولتها هستند و جایزه می گیرند و کسانی که از سرزمینشان دفاع می کنند باید کشته و آواره شوند... ما خواستار صلح پایدار و مبتنی بر ابتدایی ترین حقوق بین المللی و انسانی هستیم و آن این که این حقوق برای همه فلسطین است تا همه اقوام و گروههای مذهبی بتوانند خودشان سرنوشت خود را تعیین کنند.^۱

بسیجیان ایرانی جهت اعلام حمایت از انتفاضه اردویی یکصد هزار نفری برگزار کردند و دولت ایران نیز ضمن تشکیل ستاد حمایت از انتفاضه فلسطین، دو

۱- اطلاعات، ۱۳۷۹/۷/۱۴، ص ۲.

شماره حساب ارزی و ریالی برای این کار اختصاص داد. دولت ایران ضمن انتقاد شدید از اجلاس سران عرب در قاهره، شرط حضور آقای خاتمی رییس سازمان کنفرانس اسلامی و رییس جمهوری ایران را در کنفرانس سران دوحه قطر آبان ۱۳۷۹، قطع رابطه اقتصادی این دولت با اسرائیل اعلام کرد که اتحاد ایران و عربستان در این موضوع منجر به موفقیت آنان شد.^۱

طرح روز جهانی قدس، احیای جنبشهای اسلامی و بسیج مسلمانان

یکی از اقدامات مهمی که امام خمینی (ره) در خصوص احیای آرمان فلسطین در سطحی جهانی انجام دادند، طرح روز جهانی قدس و فرمان اجرای آن در بهترین زمانی - یعنی ماه ضیافت الله و نزدیکتر شدن امت اسلامی - بود که تأثیرات مثبتی در داخل فلسطین اشغالی و در سطح دنیای اسلام و کشورهای مختلف جهان بر جای گذاشت. امروز این میراث گرانقدر امام راحل (ره) همچنان پرشکوه در میان امت اسلامی باقی است و هر سال بر شکوه و عظمت آن افزوده می شود.

۱- رضوی، سلمان، روند مذاکرات اعراب و اسرائیل و پیامدهای منطقه ای در دهه ۱۹۹۰، پایان نامه دانشگاه علامه طباطبائی، آذر ۱۳۷۹. ص ۱۲۵.

امام راحل و رهبر کبیر انقلاب اسلامی با سیره عملی و نظری خود، جنبشهای اسلامی، خصوصاً جنبش اسلامی فلسطین، را احیاء و مسلمانان جهان را در راه

آن بسیج نمودند. امام امت (ره) همچنین با هرگونه سازش در خصوص آرمانهای اسلامی، از جمله آرمان مقدس فلسطین، مخالفت جدی می نمودند که این خود باعث افزایش روحیه مقاومت، ادامه جهاد و باقی ماندن نور امید در دل‌های مسلمانان مبارز، خصوصاً فلسطینیان مظلوم و مستضعف می شد.

حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت‌های مختلف در راستای عمل به تکلیف شرعی

خود- در مقام یک رهبر اسلامی- از یک طرف نسبت به این جرثومه فساد و غده سرطانی هشدارهای مهمی در جهت بیداری مسلمین داده اند، و از طرف دیگر بر حمایت مادی و معنوی تمام ملل اسلامی از حماسه مردم فلسطین در راه آزاد سازی قدس شریف تأکید فرموده اند.

« حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می کند که این

حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیستها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطن گرای است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن

فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می ریزد؟ اگر این چنین بود اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و بنام ملت فلسطین نان خورده اند... آری

فلسطین راه را گم کرده خود را از برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فرو ریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد. و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت^۱»

حضرت امام خمینی(ره) تا واپسین لحظات مقدس عمر با برکتشان، بر حمایت از فرزندان معنوی اشان در فلسطین تأکید نموده و بی محابا در بنیانهای کفر و استکبار و مولود نامشروع آنان در قلب خاورمیانه یورش می بردند.

مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای همواره بر اهمیت و ضرورت تکریم و تجلیل از آرمان فلسطین تأکید فرموده و اهمیت احیای مستمر این آرمان را تا نیل به هدف مورد توجه قرار می دهند :

« این روز (قدس) را گرامی می داریم، دنیای اسلام، باید این روز را گرامی بدارد. بیش از چهل سال است که ملت اسلام نام فلسطین را می آورد مسلمین، متفکران اسلامی و نویسندگان و سیاستمداران، هزاران و هزاران بار گفته اند و هزاران

۱- پیام امام خمینی به مناسبت حج ذی الحجه ۱۴۰۸ هـ ق، تیر ماه ۱۳۶۷.

نفر در این راه شهید شده اند. مگر می شود پاره تن جهان اسلام را همین طور در اختیار دشمنان گذاشت که آن را تصرف کنند و ملتی را از خانه خودش بیرون نمایند.

آیت الله خامنه ای و حمایت از مقاومت فلسطین

مقام معظم رهبری با صلابت و استحکام راه حضرت امام (ره) را پی گرفتند و به مناسبت‌های مختلف بر اهمیت مسئله فلسطین بعنوان مسئله اول جهان اسلام تأکید نمودند:

« مسئله فلسطین، مسئله اول بین المللی اسلامی است. امروز که مبارزات ملت فلسطین در زیر پرچم اسلام خواب را از چشم دولت غاصب صهیونیست و حامیانش ربوده است. بزرگترین وظیفه ملت و دولت ما و همه ملتها و دولتهای مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات می توان ریشه کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلک آن

نجات داد.»

ایران اسلامی، ملتش و دولتش، هم دوش، هم آوا و هماهنگ با ملت فلسطین همدردی و همراهی می کند و در میدانهای گوناگون این ملت را مورد حمایت قرار می دهد این وظیفه همه دولتهاست.

«مهمترین علاج توطئه آمریکا در داخل سرزمین های اشغالی و در دستان نیرومند مبارزان فلسطین است، لیکن همه مسلمین موظفند در این جهاد شرکت

جسته و کمک های مالی و سیاسی و اطلاعات و نظامی و تجهیزاتی را به سوی آنان سرازیر کنند. ملت فلسطین باید احساس تنهایی نکند، صهیونیست ها و کسانی که شکنجه و کشتار مبارزان فلسطین منتسب به آنهاست، باید در هیچ جای جهان احساس امنیت نکنند.

صندوق های پشتیبانی و هسته ای کمک ها به فلسطینیان مبارز باید در همه جای

عالم و از سوی دولت ها و ملت ها تشکیل شود. تحریم اقتصادی دولت غاصب و به رسمیت نشناختن آن، وظیفه همه دولت های مسلمان است و ملت ها باید در برابر این مسأله حساسیت نشان دهند.

مقام معظم رهبری در جریان سفر خود به استان مرکزی نیز با اشاره به حوادث اخیر فلسطین با تأکید بر اینکه ملت فلسطین به سنگ و مِثت اکتفا نکرده و دفاع

مسلحانه را برای خود محفوظ نگه داشته می فرمایند :

۱- موسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۳)، پاره تن اسلام - فلسطین و رژیم صهیونیستی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران، ص ۲۸۵.

«ملت فلسطین امروز در مقابل رژیم صهیونیستی صف آرائی کرده و اعمال وحشیانه او را با یک ضربه و عکس العمل مناسب پاسخ می دهند و قطعا ملت

فلسطین به سنگ و مشت اکتفا نخواهد کرد و برای دفاع از شرف و حیثیت سرزمین خود از سلاح های آتشین نیز استفاده خواهد کرد. دولتهای اسلامی و عربی باید در قبال مبارزان و مردم فلسطین احساس مسئولیت کنند و علاوه بر حمایت های لفظی، در عمل نیز مردم مظلوم فلسطین را کمک و یاری نمایند.

مقام معظم رهبری تنها راه حل خاتمه مسأله فلسطین را رجوع به آرای واقعی مردم از طریق برگزاری رفراندوم در سرزمین های اشغالی، می دانند.

آقای خاتمی و حمایت از مقاومت فلسطین

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی، در مراسم گشایش نهمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در دوحه (قطر) با اشاره به تحولات اخیر در سرزمینهای اشغالی و مسأله فلسطین بعنوان مسأله اول جهان اسلام به ارائه راه

حل های اساسی برای بحران خاورمیانه و بازگشت آرامش به منطقه پرداختند :

« آنچه امروز در سرزمین فلسطین می گذرد، مطالبه ابتدایی ترین و مسلم ترین حقی است که فلسطینیان مظلوم دارند و متأسفانه پاره ای از قدرتها، به خصوص آمریکا، علیرغم همه ادعاهای بشر دوستانه با زیرپا گذاشتن ابتدائی ترین موازین

حقوق بشر، در کنار غاصب و رویاروی صاحبان حق ایستاده اند... امروز فلسطینیان روش انتفاضه را برگزیده اند و در سایه انتفاضه به وحدتی بی نظیر دست یافته اند و خسته و نومید از راه حلهای ظالمانه و محکوم به شکست، برای دفاع از خود، ناگزیر به سنگ آن سرزمین مقدس، پناه برده اند.»

« انتفاضه مردم فلسطین یک حادثه بزرگ برای دنیای اسلام و عرب است تا از یک سو چهره دشمن را بی پرده در معرض افکار عمومی قرار دهد و از سوی دیگر نشان دهد که زور، غصب و سرکوب، حقی را ایجاد نمی کند و در نهایت، صاحبان حق مردمی هستند که در مقابل این رژیم ایستاده اند.»

جناب آقای سید محمد خاتمی رئیس جمهور اسلامی در اجلاس دوحه (قطر)- ویژه نشست فلسطین- بر محکومیت قاطع جنایات سازمان یافته رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان، تحریم همه جانبه اسرائیل از سوی کشورهای اسلامی و ایجاد ساز و کار جامع برای حمایت از انتفاضه مردم فلسطین به عنوان

مقاومت مشروع در مقابل اشغال و سرکوب، تأکید کرد. حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای خاتمی در سخنان خود، همچنین تلاش برای ایجاد دادگاه جنایات جنگی در فلسطین اشغالی در سازمان ملل، هماهنگی دیپلماسی کشورهای اسلامی برای تشکیل کمیسیون حقیقت یاب بی طرف، برای فاجعه ای که در

فلسطین اشغالی در جریان است، جلوگیری از محاصره اقتصادی مردم فلسطین و حمایت از تاسیس دولت فلسطینی به پایتختی قدس شریف را مورد تاکید قرار داد.^۱ بر همین اساس من به عنوان رییس جمهوری اسلامی ایران اعلام می کنم که راه حل اساسی برای بحران خاورمیانه و بازگشت آرامش به منطقه عبارت است از:

- ۱- بازگشت همه فلسطینیان به موطن خویش در فلسطین اشغالی.
 - ۲- برگزاری یک همه پرسی از مردم اصلی فلسطین اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی برای تصمیم گیری در مورد نظام آینده خود.
 - ۳- برپایی نظام مستقل فلسطینی مورد دلخواه مردم آن در سرتاسر خاک فلسطین به پایتختی قدس شریف.
 - ۴- تصمیم گیری دولت مستقل فلسطین در مورد همه ساکنان فعلی این سرزمین.
- وحدت نظر جهاد اسلامی فلسطین و رهبران جمهوری اسلامی ایران «زوال

اسرائیل»

۱- میرطاهر، سید رضا، انتفاضه مسجدالاقصی (زمینه ها، روند و پیامدها)، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، آذر ۱۳۷۹، ص ۱۱۵.

اگر موضع اعراب را در مخالفت با اسرائیل حداقل در « نه » های سه گانه مشهورشان که نشست سران کشورهای عربی در خارطوم به سال ۱۹۶۷ آنرا به تصویب رساند و عبارت بودند از نه به رسمیت شناختن، نه مذاکره و نه صلح با اسرائیل را در نظر بگیریم خواهیم دید که این « نه » ها از بین رفته اند.

تعدادی از اعراب اسرائیل را به رسمیت شناختند و با آن وارد مذاکره گردیدند ولی صلح به رغم تمام مواردی که اتفاق افتاد همچنان تحقق نیافته و وهم و خیالی بزرگ باقی ماند، چون سرشت طرح صهیونیستی و دولت یهودی هیچ

مناسبتی با صلح عادلانه ای که اعراب خواهان آنند، ندارد، زیرا مقتضای عدالت در این مبارزه زوال اسرائیل و بازگشت کامل فلسطین به نقشه جهان است.^۱

همانطوریکه امام خمینی فرمودند: «اسرائیل باید از بین برود» و در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موجودیت اسرائیل هرگز به رسمیت شناخته نشده است، و از آن همواره به عنوان غاصب یاد شده است که باید از سرزمین

اشغالی بیرون رود و در فکر کشور دیگری در جایی دیگر برای خود باشد. بخصوص در اروپا که معتقدند، در جنگ جهانی دوم یهودیان مورد تاخت و تاز و

۱- رمضان عبدا...، فلسطین و طرح اسلام معاصر، کمیته فرهنگ و تبلیغات جنبش جهاد اسلامی، دفتر تهران، ۱۳۷۸. ص ۳۷.

کشتار آلمانیهای نازیسم قرار گرفته اند. پس بهترین مکان، برای موجودیت «اسرائیل» همان سرزمین اروپا می باشد.

جنبش جهاد اسلامی و تأثیر اندیشه های امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) با ارائه طرح مهم روز جهانی قدس و اعلام خطر صهیونیسم در سراسر جهان، جنبه سیاسی مهمی در برابر استکبار و صهیونیسم ایجاد کردند. وحشت استکبار و رژیم صهیونیستی از برگزاری مراسم سالانه روز جهانی قدس و طراحی توطئه های گوناگون در حوالی برگزاری این مراسم برای تحت

الشعاع قرار دادن روز قدس، خود دقیقا حکایت از وحشت آنان از تأثیرات این حکومت امت اسلامی دارد.

امام خمینی (ره) با احیای روح اسلامی و شهادت طلبی در میان مسلمانان مایوس، خصوصا جوانان فلسطین، راه پیروزی واقعی را بر آنان نمایاند. تأثیر سیره عملی و نظری امام (ره) بر مبارزات ضد صهیونیستی، جنبشهای اسلامی

آزادبخش فلسطینی و خصوصا انتفاضه اسلامی، چنان واضح و آشکار است که نیاز به بحث و گفتگو ندارد.

در خصوص این تأثیرات، اظهارات دو تن از مبارزان برجسته اسلامگرای فلسطینی نیز شنیدنی است. دکتر فتحی شقاقی (دبیر کل جنبشهای جهاد اسلامی

فلسطین) اظهار داشته بود: جهاد اسلامی همزمان با قیام و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با الهام از اندیشه های امام فقید امت (قدس سره) در سال ۱۹۸۰،

تأسیس شد و از آغاز کار به دنبال جهاد مسلحانه علیه رژیم صهیونیستی بود... جنبش جهاد اسلامی برای اعلام اسلام به عنوان تنها ایدئولوژی و آرمان فلسطین به عنوان هدف رهایی و آزادی و جهاد به عنوان ابزار و وسیله این رهایی تشکیل شد... ابوسمراء - از پایه گذاران جهاد اسلامی فلسطین که طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ بیش از دوازده بار توسط صهیونیستها دستگیر و به زندان افتاد و در

۱۹۸۸ به لبنان تبعید شد- در خصوص جنبش جهاد اسلامی و تأثیر اندیشه های امام خمینی (ره) می گوید جنبش با الهام گرفتن از افکار و اندیشه های والای امام خمینی (قدس سره) توانست الگوی بسیار باشکوهی را در مبارزه علیه اشغالگران قدس ارائه دهد...

امام (ره) با احیای اسلام و ارزشهای والای اسلام ناب محمدی (ص)، تأثیر بسیار زیادی بر احیای جنبش آزادیبخش فلسطین، با تکیه کامل بر مردم مظلوم و مسلمان این کشور و محوریت مبارزات اسلامی، برجای گذاشتند. امام (ره)، درس استقامت و جهاد فی سبیل الله به مسلمانان فلسطین، خصوصاً جوانان دادند و با احیای تفکر و بیداری اسلامی، آرمان فلسطین را- به عنوان آرمانی اسلامی-

حیاتی دوباره بخشیدند. عبدالصمد قسام (نوه شهید شیخ عزالدین قسام رهبر بزرگ مسلمانان فلسطین در مبارزات ضد صهیونیستی) اظهار می دارد که :

جوانان فلسطین درس استقامت و پایداری و جهاد با غاصبان را از حضرت امام خمینی(ره) فرا گرفته اند و ایشان را رهبری الهام بخش و معلمی انسان ساز می دانند و خیزش ضد صهیونیستی و انتفاضه اسلامی مردم فلسطین، با تأسی و الهام از نهضت امام راحل شکل گرفت.^۱

احمد جبرئیل، (دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین " فرماندهی کل " و از

رهبران معروف و مبارز فلسطینی) معتقد است : امام خمینی (ره) در میان جوانان که گرفتار مکتبهای مادی شده بودند، روح ایثار و شهادت طلبی دمید... جمهوری اسلامی ایران با رهبری اسلامی و حکیمانه آن، محوری برای بیداری اسلامی در جهان و پناهگاهی برای مجاهدان انقلابی شده است. امام راحل همواره در فکر مستضعفان جهان بود و تمامی تلاشهای خود را برای کاهش مشکلات

آنان، به ویژه مردم فلسطین- که در معرض حملات امپریالیسم و صهیونیسم قرار دارند- به کار برد. امام خمینی (ره) با رسوا کردن صهیونیستها، به مسلمانان و اعراب نسبت به خطر رژیم صهیونیستی و همکاری با آن هشدار داد و خواستار

۱- روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۶۵، ۳ خرداد ۱۳۷۸، ص ۷.

نابودی این غده سرطانی بود. امام خمینی (ره) همواره مسلمانان را تشویق به آزادسازی فلسطین و حمایت همه جانبه از مجاهدان فلسطین می کرد و از کشورهای اسلامی و نیروهای آزادیبخش می خواست که مبارزان فلسطین را در برابر تروریستهای صهیونیستها تنها نگذارند.^۱

رهبریت ایران و جنبش جهاد اسلامی فلسطین (دکتر رمضان عبدالله دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین)

بین امام (ره) و مقاومت روابط تنگاتنگی وجود دارد که بر کسی پوشیده نیست بنحوی که می تواند این دو مسئله را در قالب یک عنوان یک دست برای موضوع عرایض بنده است بسازد.

در سال های اخیر این مراسم را در ماه ژوئن برگزار می نمودیم هرگاه که این ماه فرا می رسید ما خود را در برابر یک مقطع از حزن و اندوه عمیق یافتیم مقطعی که با خود خاطره جانگداز رحلت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی و

بنیانگذار جمهوری اسلامی را از یک سو و یادواره سقوط قدس در سال ۱۹۶۷ و آن شکست تلخ و دردناکی که امت از طرح صهیونیستی در منطقه خورد، به

۱- میر طاهر، سید رضا، انتفاضه مسجدالاقصى (زمینه ها، روند و پیامدها)، سازمان عقیدتی ناجا، آذر ۱۳۷۹، ص ۱۰۷

همراه می آورد. شکستی که ما همچنان از تبعات و آثار آن تا این لحظه و به رغم

شیرینی که این روزها آنرا چشیدیم، در رنج و عذابیم.^۱

۱- نداء القدس - سال سوم، شماره (۵۳) ۱/۶/۱۳۷۹. ص ۷۴.

فصل پنجم - بخش سوم

حمایت ایران از مقاومت فلسطین حماس و جهاد اسلامی

ایران و حمایت از مقاومت فلسطین

پس از اینکه انقلاب به رهبری حضرت امام پیروز شد همان موضوعی را که نسبت

به اسرائیل در آن مقطع داشت را حفظ کردند و با آن دیدگاههای قبلی در سطح

رسمی و دیپلماتیک با اسرائیل برخورد کردند طبیعتاً این امر منجر به تیرگی

روابط ایران و اسرائیل می شد.

مقامات ایران حمایت خود را از گروههای فلسطینی که علیه اسرائیل مبارزه می

کردند را اعلام کردند و کمک های مادی و معنوی قابل توجهی را برای این

گروهها می فرستادند و بارها حمایت خود را از مواضع فلسطینیان و شیعیان

لبنان اعلان می کردند.

انقلاب اسلامی که مسلمانان جهان را به بازگشت به اسلام فرا می خواند با توجه

به آیه شریفه «لن يجعل... للكافرين على المومنين سبيلاً». و سایر اصول عزت

مدارانه اسلامی نمی تواند نسبت به مهمترین مساله جهان اسلام که همان اشغال

سرزمین فلسطین به دست نیروهای بیگانه است بی اعتنا باشد. اشغال قدس

شریف نخستین قبله مسلمانان، آوارگی صدها هزار تن از مسلمانان فلسطین، و

رجزخوانیهای پیاپی سردمداران رژیم صهیونیستی علیه جهان اسلام و تهدید

سایر سرزمین های اسلامی، (از نیل تا فرات) از چنان اهمیتی برخوردار بود که

پس از پیروزی انقلاب اسلامی حکومت اسلامی، بلافاصله مبارزه با اسرائیل را در سر لوحه اهداف سیاست خارجی خود قرار داد.

بنابراین رهبران هم بر این امر تأکید دارند که اسرائیل باید نابود گردد و خواستار این هستند که تمام کشورهای اسلامی علیه اسرائیل متحد شوند.^۱

مقامات اسرائیلی بارها گفته اند که جمهوری اسلامی ایران از گروههای فلسطینی و لبنانی درگیر با اسرائیل حمایت می کند از جمله سخنان «اسحاق رابین» نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی به خوبی بیانگر این امر است آنجایی که می گوید:

«تقریباً تمام فلسطینی هایی که به اعمال خشونت آمیز (علیه اسرائیل) ادامه می دهند از اسلام به شیوه جمهوری اسلامی ایران حمایت می کنند.»

همچنین «بنیامین نتانیاھو» بر این امر تأکید کرده و اصول گرایی اسلامی را بزرگترین خطر برای دولت اسرائیل و غرب برشمرده و خاستگاه آن را انقلاب اسلامی می داند.

همانطوری که از گفته این مقامات پیدا است آنها «اصول گرایی» اسلامی را مهمترین خطر برای خود دانسته اند و ریشه و اساس و منشأ این اصول گرایی را

۱- اشتریان، کیومرث، بررسی تأثیر تهدیدات نظامی اسرائیل بر سیاستگذاری امنیتی ایران بعد از جنگ سرد، پایان نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۱، ص ۷۰.

در انقلاب ایران می دانند. بنابراین مقامات این رژیم حمایت ایران را از گروههای فلسطینی و ضد رژیم اسرائیل را یکی از اهم دلایل دشمنی خود با ایران می دانند.

ارتباط سازمان جهاد اسلامی با جمهوری اسلامی ایران

یکی از عوامل بسیار مهم در تشکیل جنبش جهاد اسلامی فلسطین در سال ۱۹۸۰، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بوده است. عبارتهای زیر، بیانگر چگونگی و میزان نفوذ و ارتباط جمهوری اسلامی ایران با این جنبش می باشد:

دبیر کل شهید جنبش جهاد اسلامی فلسطین، دکتر فتحی شقاقی، در مقدمه کتاب

جنبشهای اسلامی، در فلسطین می نویسد، فلسطین اشغالی به مانند دیگر

کشورهای منطقه عربی - اسلامی، متأثر از خیزش اسلامی به رهبری امام خمینی

رضوان ... تعالی علیه بود. آن هنگام یعنی در پایان دهه هفتاد، انقلاب اسلامی را

رهبری کرد. رژیم شاه را سرنگون ساخت و بر یکی از مهمترین و خطرناکترین

رژیم منطقه ای تابع آمریکا و استکبار جهانی غلبه نمود و بدین ترتیب، ایران را از

سلطه استعمار و صهیونیسم آزاد کرد، روحیه مسلمانان را از وحشت کشورهای

بزرگ آزاد ساخت و آغاز عمر دوباره اسلام و برقراری جمهوری اسلامی پس از

گذشت چهارده قرن از ظهور اسلام را اعلام کرد. تاثیر انقلاب اسلامی به رهبری

امام فقید در فلسطین قوی تر از هر مکان دیگر بود، چرا که مسلمانان در فلسطین

در حالیکه تحت اشغال وحشیانه صهیونیستی بسر می بردند، ناامیدتر و فروپاشیده تر از تمامی ملل مسلمان بودند. امام آمد تا به آنها امید بدهد و تأکید نماید که دگرباره امت می تواند با الهام گیری از اسلام بپاخیزد. اسلام می تواند پیروز شود و حکومت خود را برقرار سازد و با این حساب، آزادی بیت المقدس از دست یهود تنها به زمان نیاز دارد.

دبیر کل سابق و یکی از بنیانگذاران اصلی جهاد اسلامی فلسطین در خصوص تاثیر انقلاب اسلامی در تاسیس این سازمان عقیده دارد که، انقلاب اسلامی ایران و رهنمودهای امام خمینی رضوان ... تعالی عیله، تاثیر زیادی بر مجموعه جوانانی که نهاد جنبش جهاد اسلامی را تأسیس کردند، داشت.

دکتر ابولولو یکی از رهبران جهاد اسلامی فلسطین می گوید، در حقیقت ایران، مسلمانان دنیا را زنده کرد. فلسطینی ها همواره به ایران نگاه می کنند و ایران اراده مستضعفان است. ایران، قدرت اسلامی را در جانهای مسلمانان بیدار کرد.

«پیروزی انقلاب اسلامی» عامل عمده ای در «تشکیل سازمان جهاد اسلامی فلسطین» و «پیدایش انتفاضه» بوده است. انقلاب اسلامی ایران بود که نیروی ایمان را در درون مسلمانان زنده کرد. امروزه فکر انقلاب اسلامی ایران در همه جای فلسطین و در هر خانه ای وارد شده است.

فتحی شقاقی در همان مقدمه کتاب جنبشهای اسلامی در فلسطین می نویسد، به یاد می آورم که مسئولین اسرائیل، تعداد زیادی از فرزندان جنبش جهاد اسلامی

را دستگیر کردند و هنگامیکه برای اولین بار شخصا برابر قاضی اسرائیل قرار گرفتم، فهرستی از اتهامات مرا پیش روی من گذاشتند که اولین آنها این بود که تو متهم هستی که اقدام به تأسیس یک سازمان دینی نموده ای که دعوت امام خمینی در نابودی اسرائیل و سیطره اسلام بر جهان را تایید می کند.

رهبر فقید جهاد اسلامی فلسطین دکتر فتحی شقاقی می گوید، هیچ چیزی به

اندازه انقلاب امام خمینی نتوانست ملت فلسطین را به هیجان آورد و احساسات آنها را برانگیزد و امید را در دلهایشان زنده کند. با پیروزی انقلاب اسلامی ما به خود آمدم و دریافتیم که امریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند. ما فهمیدیم که با الهام از دین اسلام می توانیم معجزه نماییم و از این رو ملت مجاهدان در فلسطین، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را به دیده تقدیر می نگرند و امام خمینی را از رهبران جاوید تاریخ اسلام می دانند.

زیاد ابوعمر و نویسنده معروف و لائیک فلسطینی می نویسد، انقلاب اسلامی ایران تاثیر مهمی بر جنبشهای اسلامی در همه جا و از جمله جنبش اسلامی در اراضی اشغالی اشد. چه این انقلاب آمد تا دلیلی بر امکان پیروزی اسلام بر ظلم و قهر و

برپایی دولت اسلامی ارایه دهد. انقلاب اسلامی، نمونه و سرمشقی برای تمام جنبشهای اسلامی گردید.

ارتباط عمیق عاطفی و معنوی بین جمهوری اسلامی ایران و جهاد اسلامی فلسطین آنچنان است که: بدنبال شهادت تعدادی از حجاج ایرانی در سال ۱۹۸۷ توسط نظامیان عربستان سعودی در مکه معظمه، تظاهراتی از سوی جهاد اسلامی در صحن مسجد الاقصی در اعتراض به اقدام عربستان و محکومیت آن صورت گرفت که این تظاهرات منعکس کننده همدلی آشکار جهاد اسلامی با ایران بود.

انقلاب اسلامی ایران منبع الهام در سطوح فکری و عملی جهاد اسلامی فلسطین بوده است. از ابتدا بنیانگذاران جهاد اسلامی تلاش کردند تا از دروس انقلاب اسلامی در ایران الهام گیرند و تلاش کردند تا آن را به روش فلسطین نیز تطبیق دهند. این گروه معتقد است که جهاد تنها وسیله برای محقق ساختن حکومت اسلامی است.

دکتر فتحی شقاقی در گفتگویی با یک روزنامه عربی در دسامبر ۱۹۹۴ گفت، ایران پشتیبان اصلی آرمان فلسطین است و ارتباط ما با آنها بر مبنای پشتیبانی

سیاسی و معنوی ایران از حقوق حقه مردم فلسطین در ادامه جهاد و مبارزه است.

حمایت های مالی، نظامی، حماس و جهاد اسلامی

در آغازین سال های دهه ۱۹۹۰، اعضای جهاد اسلامی فلسطین و حماس در اردوگاههای آموزشی حزب ا... و پاسداران انقلاب در ایران و لبنان حضور یافتند. به خانواده های استشهدا طالبان غرامت پرداخت شد و در ازای هر حمله موفقیت آمیز (ده ها هزار دلار) پاداش نقد از سوی ایران به جهاد اسلامی فلسطین و

حماس پرداخت شد. این تلاش ها که به منظور ایجاد اخلاص در روند صلح اعراب و اسرائیل صورت می گرفت به دنبال امضای «توافقنامه موقت» اسرائیل - فلسطین (در سپتامبر ۱۹۹۵) شدت یافت و اوج آن سلسله عملیات انتحاری (سه عملیات توسط حماس و دو عملیات توسط جهاد اسلامی فلسطینی) در سه ماهه اول سال ۱۹۹۶ بود که بیش از ۸۰ کشته و صدها مجروح اسرائیلی بر جای

گذاشت و گفت و گوهای اسرائیل - فلسطین را تا حد زیادی دشوار ساخت و موجب شکست حزب کارگر و پیروزی حزب لیکود در انتخابات ماه مه همان سال شد. اخیرا حزب ا.. و ایران در استخدام اعضای حماس - که در نتیجه اقدامات

امریکا و عربستان سعودی موانعی بر سر جمع آوری کمک مالی توسط حماس در خارج پدید آمده تا حدودی موفق بوده اند.^۱

به همین منظور حزب ... تشکیلاتی با عنوان واحد ۱۸۰۰ ایجاد کرده که دفتر مرکزی آن در بیروت است و اقداماتش به استخدام فلسطینی هایی اختصاص دارد که به جمع آوری اطلاعات و انجام عملیات انتحاری بپردازند. برآوردهای محافل اطلاعاتی اسرائیل حاکی است که در حال حاضر حدود چهل هسته مورد حمایت حزب ... در کرانه باختری و غزه فعالیت می کنند و حدود ۸۰ درصد

عملیات انتحاری که در ماه های اخیر در کرانه باختری انجام شده یا از آنجا نشأت می گیرد، توسط حزب ... حماس و جهاد اسلامی هماهنگ شده بود.

از سال ۲۰۰۰ به بعد، حزب ... و ایران سعی کرده اند اعراب اسرائیلی (از جمله بعضی از افرادی که در ارتش اسرائیل خدمت می کنند) را به استخدام خود در آوردند و در این فرایند از رویگردانی بسیاری از اعراب اسرائیل از دولت

اسرائیل، فلسطینی کردن خزنده جامعه عرب های اسرائیل (روندی که سابقه آن به جنگ شش روزه باز می گردد اما انتفاضه الاقصی آن را شدت بخشیده است) موقعیت برتر حزب ... در انظار بسیاری از اعراب به دنبال عقب نشینی اسرائیل از

۱- رسانه های دنیا، رویداد ایران و جهان، شماره ۲۰۲۸، دوشنبه ۱۴/۱۰/۱۳۸۳، ص ۷۸-۷۷.

لبنان، و این حقیقت که بعضی از اعراب اسرائیلی که در شمال جلیله زندگی می کنند با فلسطینی هایی که در لبنان زندگی می کنند و به استخدام حزب ... در می آیند، رابطه خانوادگی دارند. اعراب اسرائیلی در اردوگاههای حزب ... در لبنان آموزش دیده اند و از وجود آنها برای کسب اطلاعاتی پیرامون نقل و انتقال نظامی اسرائیل و استقرار آنها در شمال اسرائیل استفاده می شود و این نگرانی وجود دارد که شاید سرانجام آنها در حملات انتحاری مشارکت نمایند. حزب ... هم چنین به حماس کمک کرده است که تولید و توان موشک ساخت داخل القسام را گسترش دهد تا بتواند مراکز پر جمعیت در سراسر اسرائیل را مورد تهدید قرار دهد. از اکتبر سال ۲۰۰۱، حماس بش از ۶۰ موشک القسام را به سوی شهرک های اسرائیل در نوار غزه و شهرهای اسرائیل پرتاب کرده است. حماس سعی کرده این موشک ها را در کرانه باختری تولید و از همانجا شلیک نماید که بدین ترتیب بخش اعظم مناطق پر جمعیت ساحلی اسرائیل در برد این موشک قرار می گیرد. کارگاه تولید موشک و موشک هایی از این نوع در کرانه باختری کشف شده است هر چند تاکنون موشک القسام از این نقطه با موفقیت به هدف های اسرائیلی اصابت نکرده است. ایران هم چنین سعی کرده تا مبارزان جهاد اسلامی فلسطینی و حماس را به کار گیرد تا از خاک اردن حملات خمپاره و

موشکی بر ضد اسرائیل انجام دهند. حزب ا... مورد حمایت ایران مهارت و تکنیک ساخت بمب را به همه گروههای سیاسی فلسطینی آموزش داده است. هم چنین تاکتیک های چریکی، فنون و روالی را که آغاز کرده و در خلال عملیات بر ضد نظامیان اسرائیلی در لبنان پالایش شده است، به فلسطینی ها آموخته است و آنان در خلال انتفاضه به بهترین وجه از آن استفاده کرده اند.^۱

ایران یکی از منابع مالی جهاد اسلامی

جهاد اسلامی از نظر تاریخی جنبشی فقیر با موارد و امکانات مادی محدودی می باشد. به همین خاطر موارد پرداختی و فعالیت های آن همواره محکوم به محدودیت امکانات است.

جهاد برای تامین هزینه فعالیت ها و جنبش بر توان های خودی، از جمله کمک هایی که تعدادی از اعضا و هوادارانی که دارای وضعیت مالی خوبی هستند استفاده نموده و در کنار آن از کمک ها و اموال زکات و از صدقاتی که مردم

کشورهای عربی و اسلامی و از جمله مردم مسلمان ایران برای آنها جمع آوری می کنند استفاده می کنند، و هیچ نوع کمکی از کانال های رسمی ایرانی دریافت نمی دارد، بعضی موسسات خصوصی خیریه و نیز تعدادی از روحانیون هستند

۱- همان، ص ۷۹.

که کمک هایی انسان دوستانه را برای تامین زندگی خانوادهاي شهدا، معلولين و اسراي دربند رژيم صهيونيستي و تشکيلات خودگردان به جهاد اسلامي مي دهند.

روابط جهاد اسلامي با ايران دقيقا به همان مقداري است که جهاد با ديگر طرف ها داريم و محکوم به اصول چندي از جمله محافظت از استقلال تصميم گيري جهاد و تاييد مسئله مرکزي امت اسلامي يعني مسئله فلسطين مي باشد.

موضع جهاد نسبت به ايران از زمان پيروزي انقلاب اسلامي تا کنون تغييری نداشته و حوادث و تحولات بر حق بودن مواضع و ديگاه هايشان را ثابت نموده اند.

هم اکنون همه آنچه را که جهاد اسلامي بيست سال پيش در قلمداد نمودن جمهوري اسلامي به عنوان پايگاه اسلام و هم پيمان استراتژيک اعراب در مقابله با ائتلاف صهيونيستي - آمريکايي در منطقه گفتگو کرد را تکرار مي کنند.

در مورد اتهام هايي که از سوي تشکيلات خودگردان فلسطين به جهاد اسلامي نسبت داده شده و طرف هايي بيگانه متهم به تحريک با جهاد اسلامي شده اند، بايد بگويم که اين اتهام ها اهانتی بس بزرگ به ملت فلسطين به شمار مي رود زيرا اين کلام به اين معنی است که اين ملت ياراي تحريک براي دفاع از خود و

سرزمینش را در مقابل تجاوزات صهیونیستی نداشته و تنها با تحریک دیگران دست به انجام چنین کارهای می زند.^۱

علاوه بر آن توصیف سوریه و ایران به عنوان جهت هایی بیگانه نیز در زمانی که تشکیلات خودگردان با اسرائیل علیه ملت فلسطین و امت اسلامی هم پیمان می شود خود محکومیتی برای تشکیلات به شمار می رود.

آیا سوریه و ایران که پشتیبان مبارزات ملت فلسطین می باشند، بیگانه اند ولی اسرائیل که به هم پیمان دوست تبدیل شده است، هم پیمانی با آن، نعمت و فخر است؟ این تحریف و تزویری خطرناک به شمار می رود.

آینده ی منازعه فلسطین و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در نسبت سنجی میان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و منازعه فلسطینی اسرائیلی و به طور کلی موجودیت رژیم صهیونیستی، عنایت به این نکته حایز اهمیت است که منازعه مذکور و موجودیت اسرائیل، صرفنظر از نگاه آرمانی و

ایدئولوژیک، مساله امنیتی نیز هست. بدین جهت می بایست این بحران به شکل

معادله ای امنیتی مطرح گردیده و مولفه های تاثیر گذار از جمله محیط بین المللی

۱- رمضان عبدا...، فلسطین و طرح اسلام معاصر، کمیته فرهنگ و تبلیغات جنبش جهاد اسلامی، دفتر تهران، ۱۳۷۸، ص ۴۱.

و منطقه ای، موقعیت بازیگران موثر و فعال و برآیند تعامل آنان بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران مد نظر قرار گیرد. محیط امنیتی ایران بی شک در برقراری موازنه قوا، مشارکت در ترتیبات امنیت منطقه ای، جلوگیری از ائتلاف های امنیتی علیه ایران و تضعیف همزمان قدرت های رقیب اسرائیلی - عربی شکل می گیرد.

هرچند در شرایط کنونی ادامه انتفاضه به جهت تضعیف و مشغول سازی اسرائیل و آمریکا و تقویت موضع مردم فلسطین گزینه مطلوبی برای ایران به شمار می رود اما به دلیل محدودیت های فلسطینیان، عدم حمایت موثر اعراب و برخورداری اسرائیل از حمایت آمریکا و بی توجهی رژیم صهیونیستی به افکار عمومی جهانی و فرم ها و قواعد بین المللی، علی القاعده می بایست انتفاضه را اهرم فشاری دانست که به راه حل سیاسی در آینده خواهد انجامید. لذا استراتژی کشورمان بر این اساس قابل تنظیم است.

جمهوری اسلامی ایران همواره مخالف روند صلح بوده و آن را عادلانه نمی دانسته است. اما با توجه به پذیرش ایده صلح و مقبولیت جهانی آن، این گونه موضع گیری کشورمان نزد افکار عمومی جهانی انعکاس وارونه داشته و ایران را به عنوان مخالف صلح معرفی نمود است. این امر تا حدودی ناشی از ضعف

دیپلماسی کشورمان بوده است. ضمن این که مواضع ایران در گذشته عموماً جنبه سلبی داشته و کمتر بعد ایجابی به خود گرفته است.

با عنایت به موارد یاد شده ضرورت دارد به سیاست های ایجابی متناسب با شرایط جدید پرداخت که از جمله می توان به عملیاتی نمودن طرح پیشنهادی مقام معظم رهبری مبنی بر برگزاری رفراندوم در سرزمین های اشغالی اشاره نمود. پر واضح است حل و فصل منازعه در موقعیت نابرابر طرفین به سود اسرائیل می انجامد، اما مداخله ایران می بایست به شکل منطقی و در چارچوب قواعد بازی باشد تا مورد پذیرش جهانی قرار گیرد.^۱

بر این اساس چنین می نماید که ایران با هیچ یک از بازیگران موثر و کشورهای عربی و اسلامی حتی سوریه، نمی تواند اتحاد استراتژیک داشته باشد. و همواره کشورهای عربی مسلمان خواهان تضعیف ایران اسلامی نیز بوده اند و کمکهای بسیاری را هم برای نابودی جمهوری اسلامی ایران در زمان جنگ ایران و عراق

هزینه کرده اند، این کشورها هیچ به متجاوز به نظر نیفکندند و فقط ناسیونالیسم عربیت را مد نظر داشتند نه مسائل اسلامی یا انسانی حتی عرفات رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین که مورد استقبال و حمایت ایران و رهبر ایران واقع نشده

۱- گزیده تحولات جهان، شماره ۵، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶.

بود، و نهال نوپایی جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از آن، خود را با مشکلات بسیار شدید آمریکا و غرب درگیر کرده بود. در زمان جنگ ایران و

عراق با حمایت از صدام و مخالفت با جمهوری اسلامی ایران پرداخت و همه چیز را نادیده گرفت و بیان داشت که حتی اگر صدام متجاوز هم باشد از او به خاطر عرب بودنش حمایت می کنیم. در نتیجه مسوولان نظام سیاسی کشور باید این نکته را مد نظر قرار دهند که آیا در صورت پیروزی مقاومت فلسطین تکرار واقع عرفات، یا برهان الدین ربانی و ... تکرار نخواهد شد، با اینکه ما همواره شاهد

محکومیت ایران در مورد سه جزیره ایرانی خلیج فارس در کنفرانس های متعدد اعراب می باشیم، که همچنان عربیت را به اسلامیت کشورها ترجیح می دهند و از ایرانی نیرومند در کنار خود نه تنها خوشنود نیستند، بلکه آنچه مسلم است و همه ما می دانیم خواهان تضعیف آن نیز می باشند. لذا به نظر می رسد که طرح مساله فلسطین می بایست به عنوان مساله ای انسانی و در سطح بین المللی دنبال

شود و صرفاً یک مساله اسلامی و متعلق به جهان اسلام تلقی نگردد. توجه و تاکید به بازگشت آوارگان، حق تعیین سرنوشت و برگزاری رفراندوم تحت نظر سازمان ملل متحد و با نظارت بین المللی برای تعیین نظام آتی فلسطین به مورد تاکید است.

پر واضح است تا زمانی تمکین اسرائیل و حامی آن آمریکا به چنین شرایطی، ایران نمی تواند برگهای برنده خود از جمله پشتیبانی انتفاضه را کناری نهد. اما

روند پشتیبانی انتفاضه نیاز به بازنگری جدی دارد. حمایت جدی معنوی و پشتیبانی با واسطه از کلیه گروه های فلسطینی و محدود نکردن حمایت ایران به گروه های اسلام گرا و جلوه انسانی بخشیدن به حمایت ایران از آرمان فلسطینی ها در شرایط کنونی ضرورت و اهمیت فراوان می یابد. برای نیل به این مهم ضروری به نظر می رسد که اقدامات مراکز سیاسی، نظامی و اطلاعاتی

کشورمان صورت متمرکز و هماهنگ دنبال شود.

فصل ششم - بخش اول

بازدارندگی ایران در روند صلح اعراب و اسرائیل

واکنش ایران و دیگر کشورها در قبال توافقنامه اسلو غزه اریحا

در جهان و در میان تمام حکومتها تنها کشوری که توافقنامه غزه - اریحا را به

دلیل ناعادلانه بودن رد کرد و آن را محکوم به شکست دانست جمهوری اسلامی

ایران بود. ایران صراحتاً و علناً توافقنامه را ظالمانه خواند و آن را به شدت

محکوم کرد. مقام معظم رهبری ضمن ناعادلانه خواندن توافقنامه و محکوم کردن

پذیرش موجودیت نامشروع رژیم صهیونیستی توسط ساف و عرفات صراحتاً

اعلام نمود که رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت تجاوز کارانه و توسعه طلبانه

خود حتی به مفاد این توافقنامه استثماری و ظالمانه نیز پایبند نخواهد ماند که

روند حوادث، صحت نظرات مقام معظم رهبری را اثبات نمود. در آن مقطع زمانی

فضای سیاسی و تبلیغاتی جهان به گونه ای شکل گرفته بود که حتی سوریه و

لبنان نیز نارضایتی خود را از توافقنامه غزه - اریحا در راستای حل و فصل

مسائل فی ما بین خود با رژیم صهیونیستی عنوان داشتند. سوریه در واکنش به

مصوبات اسلو و قرارداد صلح سکوت اختیار کرد اما مطبوعات سوریه آن را

مبهم خواندند و محتاطانه علیه آن موضعگیری کردند. دولت لبنان توافق حاصله

را تامین کننده خواسته های ملت فلسطین ندانست و مخالفت خود را با آن اعلام نمود.^۱

ده گروه و سازمان فلسطینی از جمله جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) و سازمان جهاد اسلامی با محکوم کردن توافقنامه غزه - اریحا آن را ناعادلانه خواندند و آمادگی خود را برای مبارزه تا احقاق حقوق ملت فلسطین اعلام داشتند.

جنبش مقاومت اسلامی و حزب الله لبنان نیز همگام با جمهوری اسلامی ایران علیه توافقنامه صلح غزه - اریحا موضعگیری کردند و آن را به دلیل ناعادلانه بودن محکوم نمودند.

انتفاضه و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

اگرچه رژیم صهیونیستی با تخلیه تنش (انتفاضه) از محدوده حاکمیت صهیونیسم به محدوده به ظاهر تحت حاکمیت فلسطینی ها و واگذاری مسئولیت کنترل این

معضل به حکومت خودگردان، توانسته از این مخمصه بزرگ تا حدود زیادی نجات پیدا کند و رژیم خود را از سرنگونی و نابودی رها نماید، ولی در هر حال با توجه به قدرت، گستردگی و عمومی بودن موج عظیم انتفاضه از یک سو و

۱- واعظی، حسن، نبرد نابرابر: روند ظهور و سقوط رژیم صهیونیستی، تهران، سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳.

ناتوانی حکومت خودگردان و همچنین رژیم اسراییل در کنترل کامل این حرکت مردمی از سوی دیگر، انتفاضه نقش مهمی در بازدارندگی روند صلح ایفا کرده و

توانایی ادامه این نقش را نیز در آینده دارا خواهد بود و از آنجایی که شروع این قیام مردمی و آغاز کنندگان و هدایت گران این قیام متأثر از قیام اسلامی مردم ایران و با الهام گیری از انقلاب اسلامی ایران بوده و همچنین نفوذ جمهوری اسلامی ایران بر رهبران انتفاضه که از مخالفین روند سازش مانند حماس و جهاد اسلامی - می باشند، نقش غیر مستقیم جمهوری اسلامی ایران را در

بازدارندگی روند صلح کاملاً آشکار می سازد.^۱

جهاد اسلامی فلسطین و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

یکی دیگر از راههایی که جمهوری اسلامی ایران توسط آن نقش بازدارندگی غیر مستقیم را در روند صلح ایفا نموده، سازمان جهاد اسلامی فلسطین بوده است. این سازمان که با الهام گیری از انقلاب اسلامی ایران تشکیل یافته و فعالیتهايش

استمرار پیدا کرده است، نقش بسیار موثری در کند نمودن روند صلح و تهدید امنیت ملی و منافع رژیم صهیونیستی ایفا نموده است. جهاد اسلامی با اقداماتی مانند هدایت انتفاضه، عملیات چریکی و استشهادی علیه اهداف و منافع رژیم

۱- سلیمانی، محمد باقر، بازیگران روند صلح خاورمیانه، وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۷۱.

صهیونیستی و سازماندهی مردم مسلمان فلسطین برای مخالفت با روند صلح، یک عامل موثر بازدارنده در روند صلح محسوب گردیده، بطوریکه همواره یکی از شرایط رژیم اشغالگر قدس برای تحقق صلح میان یاسر عرفات رییس حکومت خودگردان و اسرائیل، کنترل و سرکوبی گروههای اسلامی از جمله جهاد اسلامی فلسطین توسط حکومت خودگردان بوده است. سازمان جهاد اسلامی فلسطین، اهداف خود را با اهداف جمهوری اسلامی ایران بویژه در مورد رژیم صهیونیستی و قضیه فلسطین یکسان می بیند و از نظر ایدئولوژیکی خود را به جمهوری اسلامی ایران بسیار نزدیک می پندارد و از سوی دیگر از حمایت های سیاسی و روانی جمهوری اسلامی ایران نیز بهره مند می گردد و از این نظر نیز دلگرمی کافی جهت ادامه مبارزه با اشغالگران را بدست می آورد. بنابراین جهاد اسلامی در راستای اهداف جمهوری اسلامی ایران در زمینه صلح که ضمناً آنها را اهداف خودش نیز تلقی می کند، گام برمی دارد و چون همانند ایران، روند صلح اعراب و اسرائیل را غیر منطقی و ناعادلانه و به ضرر کامل مسلمانان منطقه و فلسطینی ها قلمداد می کند، با این روند آمریکایی به مخالفت پرداخته و اقدامات مقتضی را جهت بازدارندگی صلح بعمل آورده است.

حماس و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

حرکت مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، یکی از گروههایی است که جمهوری

اسلامی ایران از طریق آن در روند صلح خاورمیانه ایجاد بازدارندگی می کند.

اگرچه حماس همانند حزب الله لبنان و حتی جهاد اسلامی فلسطین به جمهوری

اسلامی ایران نزدیک نیست، ولی به اندازه کافی دیدگاههای حماس نسبت به رژیم

صهیونیستی، مساله فلسطین و اهمیت و جایگاه والای آن در جهان اسلام و

همچنین اهداف و منافع این گروه در روند صلح با دیدگاهها و اهداف و منافع

جمهوری اسلامی ایران در مسایل نکر شده، نزدیک و هماهنگ می باشد و از

سوی دیگر حماس نیز تقریباً در سطح حزب الله و جهاد اسلامی ایران به اندازه

کافی توانسته و می تواند از طریق حماس در معادلات منطقه ای مشارکت و تاثیر

داشته باشد و روند صلح را کند و مانعی بر سر راه آن ایجاد نماید.

حماس نیز مانند ایران معتقد است که رژیم صهیونیستی، رژیم غاصب، غیر

قانونی، نژاد پرست، توسعه طلب و غیر قابل مذاکره می باشد و با هر گونه اقدام

و سیاستی که باعث تثبیت و امنیت این رژیم گردد، مخالف است. در نتیجه

استقرار صلح آمریکایی را که طی آن جهاد اسلام و اعراب بازنده اصلی و

اسرائیل و آمریکا برنده اصلی این میدان خواهند بود، مردود دانسته و با اقدامات

سیاسی، اجتماعی، تبلیغاتی و نظامی توانسته بر روند صلاح بازدارندگی ایجاد نماید.

حماس با توجه به توانایی های بالقوه و بالفعل و نفوذ فوق العاده مردمی، تشکیلات وسیع، گسترده و مقتدری را در دخل سرزمین اشغالی فلسطین و خارج از آن ایجاد کرده و از طریق این تشکیلات است که نقش فوق العاده ای را در مساله فلسطین ایفا می نماید. اگرچه حماس نیز همانند سایر گروههای اسلامی مخالف صلح، توانایی توقف کامل روند صلاح را ندارد، اما قادر است که از عادی

سازی روابط بین اسرائیل و ملل اسلامی و عربی مانع شده و نقش مهمی را در این زمینه ایفا نماید و در هر صورت به عنوان یک نیروی بازدارنده روند صلح مطرح می باشد ولی به اندازه حزب الله و جهاد اسلامی، موضعگیریهایش تند و حاد نیست.

خالد مشعل رییس دفتر سیاسی حماس، ضمن ستایش از حملات شهادت طلبانه ضد اسرائیلی گفت، مقاومت تنها زبانی است که اسرائیل می فهمد. وی گفت به عملیات انتحاری که از سوی قهرمانان ما به اجرا در می آید، تنها راه مقابله با دشمن است و جنایاتش را علیه مردم ما متوقف می کند.

-جنبش حماس اعلام کرد که با تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی در اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ حمایت می کند اما در عین حال حاضر نیست دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسد. محمود الزهار از اعضای رهبری حماس گفت، جنبش حماس بدون عقب نشینی از مواضع استراتژیک خود، از تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی در قلمرو مرزهای ۱۹۶۷ حمایت می کند.

فشار غرب و آمریکا بر ایران در پی حمایت از مقاومت فلسطین در این مقطع زمانی دو جریان به موازات یکدیگر علیه جمهوری اسلامی ایران و گروههای جهادی فلسطین شکل گرفت:

۱- جمهوری اسلامی ایران آماج حملات ناجوانمردانه غرب بویژه امریکا و صهیونیسم قرار گرفت و به عنوان حامی تروریسم و مختل کننده صلح منطقه ای و امنیت جهانی معرفی گردید. امریکا تحریمهای وسیعی را علیه ایران به مرحله اجرا گذاشت و لغو تحریمها را موکول به پذیرش قرارداد صلح غزه - اریحا نمود.

جو روانی و تبلیغاتی علیه ایران به اندازه ای شدید شد که حتی برخی از دوستان جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان توصیه می کردند که اظهار نظر ایران مبنی بر ناعادلانه بودن طرح صلح به صلاح نمی باشد و ایران را در صحنه جهانی منزوی خواهد کرد زیرا نمی توان برخلاف جهت مسیر رودخانه خروشان

کنونی شنا کرد، بنابراین چاره ای جز پذیرش این بی عدالتی نیست زیرا ایران به تنهایی نمی تواند در برابر تمام کشورهای غرب و متحدان عرب آنها بایستد. اما

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر سنت لایتغیر الهی مبتنی بر وعده پیروزی حق و زوال باطل و با اتکال به خداوند تبارک و تعالی همچنان بر مخالفت خود تاکید نمود و از تایید قرار داد صلح امتناع ورزید و بر شکست محتوم آن به دلیل ناعادلانه بودنش پافشاری کرد.

۲- به موازات فشارهای وسیع و گسترده علیه ایران، تحرکات امریکا و اسرائیل

برای سوق دادن ساف به سوی خلع سلاح گروههای جهادی و دستگیری نیروهای وابسته به تشکیلات حماس و جهاد اسلامی آغاز گشت هدف اصلی این بود که بر اساس توافقنامه صلح تشکیلات ساف دقیقاً به تعهد خود مبنی بر مقابله با نیروهای مخالف اسرائیل و روند صلح وفا کند و با ایفای نقش پلیس برای حفظ امنیت اسرائیل به سرکوب مبارزان فلسطینی مبادرت ورزد تا از این طریق جنگ فلسطینی با فلسطینی متحقق گردد.

جمهوری اسلامی ایران به شدت علیه این توطئه قیام نمود و آن را افشا کرد و نیروهای جهادی را از افتادن در چنین دامی بر حذر داشت گروههای جهادی بویژه جنبش مقاومت اسلامی (حماس) و سازمان جهاد اسلامی فلسطین ضمن

پافشاری بر ناعادلانه بودن قرارداد صلح غزه - اریحا اعلام داشتند هرگز اجازه نخواهند داد جنگ فلسطینی با فلسطینی به مرحله اجرا درآید.

فصل ششم - بخش دوم

کنفرانس تهران

کنفرانس تهران در حمایت از انتفاضه مردم فلسطین

کنفرانس حمایت از انتفاضه مردم فلسطین که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ در تهران

برگزار شد در غرب و اسرائیل بازتاب های گوناگونی داشت. تلاش گروه های

طرفدار اسرائیل در امریکا این بود با استفاده از تبلیغات گسترده در خصوص

برگزاری این کنفرانس در تهران، سیاست مداران امریکایی را به ادامه سیاست

خصمانه علیه ایران تشویق نمایند.

اهداف این کنفرانس حمایت معنوی و مادی بیشتر از مردم فلسطین بود خالد

مشعل، از رهبران حماس، در این کنفرانس گفت که ما خواهان یک تصمیم سیاسی

برای پذیرش مسئولیت مقاومت فلسطین، حمایت مالی و حمایت نظامی هستیم.

نمایندگان تعداد زیادی از کشورهای اسلامی، عربی و جناح های مختلف فلسطینی

بیش از ۳۰ هیئت پارلمانی متشکل از ۱۰۰ نماینده مجلس از کشورهای عربی و

اسلامی و نمایندگان سازمان های غیر دولتی فلسطینی در این کنفرانس شرکت

داشتند.

این تعداد از جهتی برای تحلیکگران شگفت انگیز است؛ زیرا همواره به این

موضوع اشاره می کردند که کشورهای عربی از سیاست ایران در قبال فلسطین

حمایت نمی کنند و تا قبل از برگزاری این کنفرانس، رسانه های غربی تلاش

داشتند تا این موضوع را القا نمایند که فلسطین، مسئله ای عربی است و ارتباطی با ایران ندارد.

گیل سدان، تحلیلگر یهودی، اعتقاد دارد که ایران با برگزاری کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطینی، خواهان تقویت جبهه ضد اسرائیلی است، زیرا در حال حاضر رژیم اسرائیل در وضعیت بسیاری بی ثباتی قرار دارد. وی می افزاید که ایران در چند سال گذشته تلاش فراوانی نمود تا مبارزه علیه اسرائیل را از ماهیت عربی آن، به ماهیت اسلامی تغییر دهد و ایران توانست با برگزاری این کنفرانس جایگاه ویژه ای را به دست آورد.

در این کنفرانس به سخنان آقای محتشمی اشاره می شود که، خواهان نابودی رژیم صهیونیستی است و گفت: «اگر جهان اسلام بخواهد با این خنجر در قلب مسلمانان زندگی کند باید مرگ تدریجی را بپذیرد» سخنان آقای خاتمی نیز در این کنفرانس مورد توجه این تحلیلگران صهیونیستی قرار گرفت. آقای خاتمی

مطابق معمول خواهان تشکیل دادگاه بین المللی برای محاکمه رهبران اسرائیل به عنوان جنایتکاران جنگی است. اعتقاد به نابودی رژیم اسرائیل را دارد ولی روشی که توصیه می کند برگزاری همه پرسی برای همه مردم فلسطین اعم از یهودی،

مسیحی و مسلمان برای تاسیس دولتی مستقل است که پایتخت آن بیت المقدس باشد.

تحریف واقعیت ها به وسیله یهودیان

موضوع تحریف واقعیت جنگ جهانی دوم و آدم سوزی یهودیان در چند سال اخیر، بین صاحب نظران مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است. حتی تعدادی از این افراد چون روژه گارودی، محقق فرانسوی، به علت افشای بعضی از این واقعیت ها در فرانسه محاکمه شده است. طرح این موضوع همواره با مخالفت صهیونیست ها و حامیان آنان در غرب مواجه شده است. باز به اظهار آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، اشاره می کند که در آن آدم سوزی یهودیان اغراق آمیز عنوان شده و به همکاری نازی ها و یهودیان اشاره شده است. وی بخشی از اظهارات ایشان را می آورد که در آن تاکید کرده اند که «اسرائیل باید با زبان زور سخن گفت».

موضوع تحریف واقعیت های آدم سوزی یهودیان به وسیله یورگن گراف، مدیر موسسه بررسی تاریخی در سوئیس، آغاز شد. او به علت مردود دانستن آدم سوزی یهودیان از سویس گریخت و به ایران پناهنده شد. گراف تلاش داشت تا کنفرانسی در این زمینه در مارس ۲۰۰۱ در بیروت برگزار کند که با مخالفت رفیق

حریری، نخست وزیر لبنان، مواجه شد و تلاش‌های وی برای برگزاری آن در آن زمان نیز مورد مخالفت عبدالله دوم، شاه اردن قرار گرفت.

دستاوردهای کنفرانس حمایت از انتفاضه در تهران

«تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بین مردم فلسطین و کشورهای اسلامی»

تفاوت عمده ای که این کنفرانس با سایر گردهمایی‌های دیگر که برای حمایت از فلسطین تشکیل شده است، دارد ارائه راه کارهای عملی برای مقابله با اسرائیل

بوده است. علاوه بر این، ایران توانست با برگزاری این کنفرانس تا حدی با موضوع فلسطین، در جهان اسلام جایگاه ویژه ای برای خود به دست آورد و حضور نمایندگان کشورهای اسلامی غیر عرب موجب شد تا ماهیت اسلامی مبارزه مردم فلسطین علیه اسرائیل تقویت شود.

به طور کلی، در بررسی بازتاب کنفرانس حمایت از انتفاضه مردم فلسطین، می

توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) تحلیکگران غربی و اسرائیلی معتقدند که جناح‌های سیاسی در ایران علی رغم وجود اختلاف نظرها در موضوع فلسطین، اتفاق نظر دارند و خواهان نابودی

اسرائیل هستند. از نظر این افراد، جناح های اصلاح طلب و محافظه کار ایرانی، در حمایت از مردم فلسطین با یکدیگر اختلاف نظر ندارند.

۲) نکته ای که نگرانی و حیرت این تحکیلگران را برانگیخت، حضور چشمگیر نمایندگان گروه های مختلف فلسطینی از طرفداران عرفات گرفته تا مخالفان وی و هم چنین نمایندگان کشورهای اسلامی بوده است. این نشان می دهد که استراتژی اسرائیل و بعضی از کشورهای عربی و قایید آن بر این مسئله که فلسطین موضوعی عربی و فلسطینی است، شکست خورده است و این کنفرانس تا حدی ماهیت اسلامی موضوع فلسطین را به عرصه بین المللی بازگرداند.

۳) موضوعی که نگرانی مقام های اسرائیلی و امریکایی را برانگیخته است، نقش حزب الله در مقاومت مردم فلسطین علیه اسرائیل است. استراتژیست های نظامی اسرائیل از طرفی مطرح می کنند که ایران با استفاده از حزب الله با گروه های فلسطینی ارتباط دارد و کمک های نظامی در اختیار آنان قرار می دهد، و از طرف

دیگر معترف اند که پیروزی حزب الله موجب شد تا گروه های فلسطینی به این نتیجه برسند که می توانند به اسرائیل از لحاظ نظامی فشار وارد آورند. این موضوع در بین بعضی از صاحب نظران وجود دارد که اسرائیل با خروج از لبنان تا حدی توان بازدارندگی خود را از دست داده است و حتی در زمان خروج

اسرائیل از جنوب لبنان، بعضی از نظامیان و حتی شارون به همین علت، با خروج این رژیم از جنوب لبنان مخالف بودند.

به نظر می رسد که برای اولین بار است که موضوع تحریف واقعیت های آدم سوزی یهودیان در جنگ جهانی دوم به طور رسمی مطرح می شود و این استراتژی باعث خشم و نگرانی اسرائیل شده است. اسرائیل همواره از آدم سوزی یهودیان برای دریافت کمک مالی و هم چنین حمایت سیاسی از کشورهای مختلف استفاده می کند و در حال حاضر نیز دعاوی حقوقی در کشورهای

اروپایی برای پرداخت غرامت یهودیان در جریان است. آلمان اخیراً موافقت نمود تا مبلغ قابل ملاحظه ای را به یهودیان به عنوان خسارت پرداخت نمود. طرح این قضیه اگر در دراز مدت مورد پی گیری قرار گیرد، می تواند به عنوان اهرمی برای اعمال فشار علیه اسرائیل در مجامع بین المللی استفاده شود.

۴) در پایان بدون تردید می توان گفت که برگزاری این کنفرانس جایگاه جمهوری

اسلامی ایران را در بین مردم فلسطین و کشورهای اسلامی تقویت کرد. در مقابل عاملی شد تا گروه های طرفدار اسرائیل در امریکا بتوانند با استفاده از آن، سیاست های امریکا علیه ایران مانند تحریم های اقتصادی را تشدید کنند.

کنفرانس تهران در تشکیل دادگاه بین المللی جنایات جنگی

تحلیلگران اسرائیلی از این که کنفرانس حمایت از انتفاضه مردم فلسطین، خواهان تشکیل دادگاههای بین المللی برای محاکمه رهبران اسرائیل به عنوان جنایتکار جنگی است، ابراز نگرانی می کنند. به نظر می رسد، یکی از علت هایی که کنگره امریکا با عضویت امریکا در دادگاه بین المللی جنایت های جنگی مخالفت می کند ترس از این احتمال است که در آینده، متحدان این کشور چون اسرائیل به اتهام ارتکاب جنایات جنگی، محاکمه شود.

در قطعنامه نهایی این کنفرانس که به امضای ۳۰ کشور رسیده است، تاسیس دادگاه بین المللی برای محاکمه جنایتکاران جنگی اسرائیلی مطرح شده است و هم چنین از امریکا برای حمایت های سیاسی، نظامی و اقتصادی ای که از اسرائیل می کند، انتقال شده است.

سازمان کنفرانس اسلامی و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح سازمان کنفرانس اسلامی از دیگر راه هایی است که جمهوری اسلامی ایران از طریق آن توانسته تا حدودی در برابر روند ناعادلانه صلح، نقش مخالف و بازدارنده ایفا کند.

اگرچه اعضا و عوامل موثر در این سازمان با نقش و مواضع ایران در رابطه با رژیم صهیونیستی و مساله صلح، هماهنگی و همنوایی مطلوبی نداشتند ولی

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک عضو موثر و با نفوذ سازمان، موفق گردید برخی از مصوبه های این سازمان را به تایید و تصویب اعضا رسانده و یا در

تغییر بندها و مصوبه ها اعمال نظر کند. از سوی دیگر، سازمان کنفرانس اسلامی همواره به عنوان تریبونی برای اعلام موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر مسایل مختلف منطقه و جهان از جمله مساله صلح خاورمیانه مطرح بوده است. همچنین ایران در حاشیه اجلاس مختلف و در مصاحبه ها، ملاقاتها و رایزنی ها و چانه زنی های سیاسی متعددی که انجام می دهد، مراتب ناراضایتی و نگرانی خود

را از روند صلح غیر عادلانه اعراب و اسراییل اعلام می نماید و از این جهت نیز به نوعی نقش بازدارندگی خود را در روند صلح ایفا می کرده و می نماید.

برای مثال در ششمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در داکار بنگلادش در دسامبر ۱۹۹۱، زمانی که در بیانیه پایانی اجلاس، کلمه «جهاد» برای آزادی قدس شریف حذف و واژه «تلاش» جایگزین آن گردیده و مذاکرات صلح مادرید مورد

تایید قرار گرفت، جمهوری اسلامی ایران نسبت به آن واکنش تندی نشان داد و دکتر ولایتی وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران طی یک مصاحله مطبوعاتی گفت، جمهوری اسلامی ایران اساساً مخالف هرگونه حرکت و قطعنامه ای است که در آن، کنفرانس صلح مادرید به رسمیت شناخته شود ... جمهوری

اسلامی ایران این قطعنامه را به دلیل پذیرش کنفرانس مادرید قبول نکرد. یکی از آثار مثبت حضور مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران در اجلاس داکار، تاکید کنفرانس بر قطعنامه ۳۳۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر این که «صهیونیسم معادل نژاد پرستی» می باشد، بوده است. در شرایطی که رژیم اسرائیل، تلاش بین المللی گسترده ای را به منظور لغو این قطعنامه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد سامان می داد، تاکید کنفرانس سران بر قطعنامه ۳۳۷۹، یک پیروزی سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیشنهاد دهنده این طرح و ... تلقی شده است.

و یا در هشتمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۷ نیز جمهوری اسلامی ایران توانسته به عنوان میزبان اجلاس، تاثیر بیشتری را در روند مصوبه ها در محکومیت رژیم صهیونیستی و مساله صلح بر جای گذارد. به طوری که در بیانیه پایانی اجلاس تهران در خصوص مسایل مربوط به فلسطین، صلح و رژیم صهیونیستی آمده است که اشغال فلسطین عربی شامل قدس شریف، ارتفاعات جولان در سوریه و جنوب لبنان را محکوم می کنند.

مقاومت استوار مردم فلسطین و لبنان و سوریه را در برابر اشغالگری اسرائیل می ستایند. آزادی کلیه سرزمین های اشغالی عربی و اعاده حقوق مردم فلسطین

را می خواهند. سیاستها و اعمال توسعه طلبانه اسرائیل مانند احداث و گسترش شهرکهای یهودی نشین در سرزمین های اشغالی فلسطین و اعمالی را که برای تغییر وضعیت جغرافیایی و جمعیتی شهر مقدس قدس صورت می گیرد، محکوم می کنند. بر ضرورت توقف عملیات تروریستی دولتی توسط اسرائیل تاکید می کنند بازنگری هرگونه همکاری نظامی با اسرائیل با هدف قطع کامل آن را خواستارند. ایجاد منطقه عاری از کلیه سلاحهای کشتار جمعی و ضرورت پیوستن اسرائیل به معاهده عدم اشاعه سلاحهای هسته ای و قرار گرفتن کلیه تاسیسات اتمی را تحت نظارت آژانسهای بین المللی انرژی اتمی خواهانند و همچنین بر عزم و اراده خود برای بازپس گیری قدس شریف و مسجد الاقصی و اعاده حقوق ملی فلسطین و ... تاکید می کنند.

www.kandoo.cn.com

فصل ششم - بخش سوم

پیروزی حماس در انتخابات

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

پیروزی جنبش حماس در انتخابات شهرداری ها «نوار غزه»

پیروزی قاطع جنبش مقاومت اسلامی حماس در انتخابات شهرداری ها که نتایج

نهایی آن دیروز اعلام گردید، مهم ترین پیام سیاسی ملت فلسطین به رژیم

صهیونیستی و جهان در زمینه حقیقت احساسات این ملت نسبت به سازش هایی

است که اکنون در اتاق های تاریک {سازش} صورت می گیرد.

این پیروزی (۷۵ کرسی در برابر ۳۹ کرسی جنبش فتح یعنی دستیابی به ۷ حوزه

از ۱۰ حوزه انتخاباتی) تمامی مفاهیم، معادله ها و دسته بندی ها را که بر اساس

آن میزان قوا در داخل فلسطین ارزیابی می شد، برهم زد. این پیروزی همچنین

تمامی تصورات را در این زمینه که گروه های غیر اسلامی امور را داخل فلسطین

به دست می گیرند و با طرف "اسرائیلی" به منظور رسیدن به سازش نهایی در

زمینه قضیه فلسطین به مذاکره می نشینند، برهم زد.

اهمیت این دگرگونی سیاسی فلسطینی را می توان در نکات زیر خلاصه کرد:

۱- این انتخابات که جنبش اسلامی برای اولین بار در آن شرکت کرد، تمامی

دیدگاه های گذشته را در زمینه نمایندگی این جنبش برای ملت فلسطین اثبات کرد.

نتایج این انتخابات همچنین اشتباه بودن برآوردهای اغلب مراکز نظرسنجی که

غیر علمی هستند و جریان های مشکوکی به منظور گمراه کردن مردم با ارائه آمارهای غیر دقیق در آن دست دارند، ثابت کرد. این مراکز مدعی شده بودند که ۲۰ درصد ملت فلسطین به این جنبش رأی خواهند داد.

۲- این انتخابات و نتایج آن ثابت کرد که جنبش آزادیبخش فلسطین (فتح)، حزب حاکم، دیگر قادر به اداره توده فلسطینیان نیست زیرا رهبری آن از همگامی با تغییرات حاصله در توده ملت و فهم جریان های نو ظهور در بین آن عاجز مانده است.

۳- رأی مثبت به حماس یعنی رأی مثبت به نفع مقاومت، عملیات شهادت طلبانه، حق بازگشت، مخالفت با فساد و دست اندرکاران آن و سازش های بی سرانجام است.

۴- این نتایج تمامی ادعاهای ساختگی هواداران سازش را که گفته بودند ملت فلسطین از حماس و گروه های دیگر مبارزان فلسطینی به سبب عملیات های شهادت طلبانه و حمله موشکی آن به شهرک های "اسرائیلی" در داخل سرزمین اشغالی ۴۸ و خارج از آن خسته شده اند، آشکار ساخت. همه حوزه های انتخاباتی که جنبش حماس در آن پیروز شده است، بیش از همه با یورش و

عملیات های تلافی جویانه صهیونیست ها در پاسخ به عملیات های مقاومت و موشکباران رو به رو بوده است. نتایج مذکور همچون صاعقه بر سر کابینه

"اسرائیل" و آریل شارون رئیس آن فرود آورد و پس از آن آقای محمود عباس را با کابوس های وحشتناکی رو به رو ساخت به ویژه که او به امید اجرای نقشه راه خود را برای مذاکره آماده کرده بود.

ملت فلسطین در اولین تجربه انتخاباتی دو حقیقت را ثابت کرد، اینکه به درجه بالایی از حس ملی و آگاهی سیاسی رسیده است و به این نتیجه دست یافته است

که آمریکایی ها و "اسرائیلیان" می خواهند انتخابات فلسطین به موفقیت آقای عباس در ریاست تشکیلات خودگردان منجر شود به ویژه که او خود را برای

بازگشت به سفره مذاکره با رژیم صهیونیستی به امید اجرای طرح نقشه راه آمده می کرد. شارون اکنون می فهمد که ترورها و کشتارها و تخریبی که در طول

چهار سال گذشته مرتکب شده است به هیچ وجه جنبش های مقاومت را تضعیف نکرده و موجب پراکنده شدن ملت فلسطین از اطراف این جنبش ها نشده است،

بلکه توان و صلابت این مقاومت و گروه های مبارز را در میان ملت فلسطین ریشه دارتر کرده است.^۱

پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی

پیام مهمی که انتخابات چهارشنبه ۲۵/۱/۲۰۰۶ داشت رو آوردن یک جنبش مسلحانه به مبارزه دموکراتیک است. هر چند حماس رسماً نپذیرفته است که سلاح را کنار بگذارد اما از امروز حماس دیگر تنها یک جنبش مسلح برای نابودی اسرائیل نیست بلکه به حزب حاکم در دولت و مجلس فلسطین تبدیل شده است و حزب حاکم شدن نیز الزاماتی دارد که حماس نمی تواند خود را از آن الزامات مستثنا نماید

نتایج رسمی انتخابات پارلمانی فلسطین حکایت از پیروزی قاطع جنبش انقلابی حماس دارد. این گروه مسلح فلسطینی با به دست آوردن ۷۶ کرسی از مجموع ۱۳۲ کرسی، به اکثریت قاطع در پارلمان دست یافت. الفتح، حزب حاکم کنونی تنها با کسب ۴۳ کرسی تن به شکست سنگینی داد. احمد قریع به روش کاملاً غربی و دموکراتیک داوطلبانه با قبول شکست حزب مطبوعش استعفا نمود و

۱- عبدالباری عطوان سایت مرکز اطلاع رسانی فلسطین، به نقل از روزنامه قدس العربی.

محمود عباس رئیس تشکیلات خودگران بلافاصله از حماس خواست تا دولت جدید را تشکیل بدهند. نکته حائز اهمیت مشارکت ۷۷ درصدی مردم فلسطین در این همایش دموکراسی بود که برای محافل خبری و افکار عمومی دنیا بسیار شگفت انگیز بود. سابقه شکل گیری جنبش حماس به اواخر دهه ۱۹۶۰ باز می گردد که ظاهراً در ابتدای کار همچون شاخه ای کوچک از گروه اسلامی اخوان المسلمین در سرزمین های اشغالی باریکه غزه و کرانه باختری رود اردن بوده است. تا ۱۹۸۱، حماس نفوذ خود را در سرزمین های اشغالی گسترش داد و گفته می شود در سال ۱۹۸۰، حماس به عنوان یک سازمان سیاسی و خیریه در اسرائیل ثبت شده است اما با قرار گرفتن شیخ احمد یاسین در مقام رهبری این جنبش در اواسط این دهه، حماس به تدریج به تلاش عملی از جمله از طریق اقدامات مسلحانه علیه اسرائیل گرایش یافت و فعالانه از انتفاضه فلسطینیان حمایت کرد. پیام مهمی که انتخابات چهارشنبه داشت رو آوردن یک جنبش مسلحانه به مبارزه دموکراتیک است. هر چند حماس رسماً نپذیرفته است که سلاح را کنار بگذارد اما حماس دیگر تنها یک جنبش مسلح برای نابودی اسرائیل نیست بلکه به حزب حاکم در دولت و مجلس فلسطین تبدیل شده است و حزب حاکم شدن نیز الزاماتی دارد که حماس نمی تواند خود را از آن الزامات مستثنا نماید.

بی تردید از مهمترین الزمات حزب حاکم شدن آنست که باید در چارچوب قواعد و مقررات حقوق بین الملل و در راستای برقراری صلح و ثبات حرکت نمود و با این اوصاف حماس میان حکومت و جنبش مسلحانه بودن ناگزیر از انتخاب اولی است. در انتخابات پارلمانی دوره قبل و انتخابات ریاست حکومت خودگردان، حماس از شرکت در آن امتناع ورزید و آندو انتخابات را تحریم نمود اما با شرکت در این انتخابات یک گام مهم و بلند بسوی دموکراتیزه شدن ساختار و عملکردش برداشت. پیام دیگر این پیروزی میزان پایگاه رهبران حماس در میان مردم فلسطین است. مردم با مشارکت گسترده خود در کلان قضیه حضور مسالمت آمیزشان برای رشد و تعالی فلسطین را به نمایش گذاشتند و از سوی دیگر نسبت به روش الفتح و وابستگان آن در حکومت خودگردان اعتراض سر دادند. شایعات در خصوص فساد مالی و سوء استفاده های کلان حاکمان دولت خودگردان در جای جای مطبوعات غرب به چشم می خورد. بسیاری از وابستگان الفتح و در رأس آن رهبر فقید ایشان یاسر عرفات دارای املاک و خانه های اشرافی متعددی در اروپای غربی و سواحل آفریقای شمالی هستند و این در حالی است که منابع تأمین آنها از ردیف کمک کشورهای عربی و اسلامی به دولت خودگردان و نیز کمکهای اتحادیه اروپا می باشد.

بررسی علل پیروزی و آینده تشکیلات حماس

فلسطینیان ساکن قدس و کرانه باختری و نوار غزه در تاریخ ۲۵/۱/۲۰۰۶م. مهم ترین انتخابات تاریخ خود را برای گزینش نمایندگانشان در مجلس قانونگذاری برگزار کردند.

این انتخابات نتایجی در پی داشت که مهم ترین آنها به شرح ذیل است:

۱. مشخص شدن توان ملت فلسطین بر اداره سالم و نظم بخشی دقیق و پذیرش متقابل. این امر با تاکید بر برگزاری انتخابات و مدیریت خوب آن، کاملاً آشکار است.

۲. عملکرد جدی کمیته مرکزی انتخابات و شفافیت آن و پایداری این کمیته در برابر باج خواهی ها و فشارها. این موضوع از مهم ترین عوامل برگزاری آرام انتخابات و پایان سالم آن بود. به همین سبب من معتقدم این کمیته مستحق تجلیل و قدردانی از سوی همه است به گونه ای که متمدن بودن ما را نشان دهد و مبنای صحیحی برای فعالیت سالم و مثبت در تمام عرصه های زندگی باشد.

۳. مشارکت گسترده سیاسی احزاب و گروه ها و شخصیت ها و مشارکت گسترده مردمی در انتخاب و اختیار. این امر نشان دهنده عمق آگاهی سیاسی فلسطینیان و علامت مهمی از علائم پویایی سیاسی فلسطینیان مبتنی بر درک و آگاهی و فهم مسئولیت ها و حقوق است.

۴. شکست کلیه دخالت های بیگانه از جمله دخالت ها و مانع تراشی ها و عملیات گسترده بازداشت که "اسرائیل" در پیش گرفت و تهدید هایی که این رژیم و اتحادیه اروپا و دولت آمریکا در جهت مخالف برگزاری انتخابات انجام دادند و فشارهایی که به شکل باج خواهی علنی مطرح شد. این فشارها و باج خواهی ها از طرق مختلف از جمله اعطای کمک های مالی و سیاسی و امنیتی یا تهدید به عدم حمایت حماس صورت پذیرفته است. نکته ای را که باید بدانیم و درک کنیم این است که این روش ها همچنان ادامه دارد و تا زمانی که اشغالگران و استبداد وجود دارد، آنها نیز ادامه دارند.

۵. تاثیر معکوس تلاش های تبلیغاتی و جنگ رسانه ای و جنگ روانی پلیدی که برخی علیه جنبش حماس به راه انداخته اند. این جنگ تبلیغاتی با انتشار بیانیه

های مشکوک و مجهول و وارونه جلوه دادن حقایق و داستان پردازی های خیالی و انتشار نشریه هایی که منبع آنها مشخص نیست، پیگیری شد.

۶. ادامه تغییر در نقشه سیاسی. نتایج نشان داد که جنبش "حماس" که روند رو به رشدش به وضوح در انتخابات شهرداری ها مشخص بود، با کسب اکثریت در مجلس قانونگذاری همچنان در حال رشد است، کما اینکه نتایج بر رکود هر چه بیشتر حزب حاکم در طول سال های گذشته صحه گذاشت و نیز نشان داد که جناح فتح در فلسطین همچنان ناتوان است و از نظر فکری و عملی کاملاً ناتوان شده است.

با توجه به آنچه بیان شد حادثه انتخابات فلسطین در همه عرصه ها بسیار مهم بود و بر اساس آن مردم فلسطین از مرحله ای به مرحله دیگر و از فکر و رفتاری به فکر و رفتار دیگری منتقل شدند که این امر نیازمند آن است که دلایل حقیقی وضع احزاب و گروه ها در عرصه فلسطین را بررسی کنیم.

علل ناکامی فتح

۱. فقدان نظام فکری مشخص در جنبش. فتح به مبانی فکری و فلسفی اسلامی یا خاصی وابسته نیست و آنچه بر روابط داخل سازمانی آن حکم می کند، یک نظام

اداری صرف است که با ادامه بحران های داخلی این جنبش، این قواعد اداری نیز از بین رفته است. نبود نظام جامع فکری موجب شد که اعضای آن از همه گونه

اعتقادات اسلامی و ملی و کمونیستی و نژادی باشند و هر یک اهداف ویژه خود را دنبال کند و یک وحدت و انسجام فکری در این جنبش وجود ندارد.

۲. فقدان نظام جامع و اساسنامه عام فهم. به همین سبب اعضای جنبش بیش از آنکه به سازمان وابسته باشند به شخص یا رهبر وابسته اند و به همین سبب بود که برخی به یاسر عرفات و برخی به ابو ایاد و برخی به ابوجهاد یا غیره وابسته بودند. این وضع تا آنجا پیش رفت که حتی گروه های نظامی با نام گردان های الاقصی به وجود آمد و هر یک از این گروه ها به یک رهبر سیاسی یا فرمانده فلان سازمان امنیتی وابسته است.

۳. تناقض میان برنامه های اعلام شده. به همین علت برخی از رهبران مذاکره را تنها راه حل می دانند و برخی دیگر مقاومت مسلحانه را یگانه گزینه مورد پذیرش خود اعلام می کنند و گروهی نیز منادی اختلاط میان آن دو گزینه هستند. در جایی هم وزیر یا حتی رئیس تشکیلات خودگردان در رسانه ها اعلام می کند که عملیات نظامی که یک جوان مبارز عضو جنبش فتح انجام داده است " تروریستی "

است و به نفع ملت فلسطین نیست. در چنین وضعی این مبارز که جان خود را در دست گرفته و مبارزه می کند، چگونه می تواند به آن رهبری که کارش را محکوم کرده است، اعتماد کند و بر همین اساس ملت فلسطین در طول سال های اخیر از وضعیت داخلی فتح دچار سردرگمی شد.

۴. تک روی جنبش فتح در امضای توافقنامه های ننگین به بهانه آنکه "این تنها راه ممکن بود" و تبدیل این طرح ها به پروژه های فردی و سودآوری که هیچ ارتباطی به فتح یا تشکیلات خودگردان یا ملت یا فلسطین نداشت.

۵. ناتوانی فتح در اداره تشکیلات خودگردان و ناتوانی در از بین بردن فساد و مفسدانی که برخی آنان از رهبران مهم و نمادهای اصلی فتح به شمار می آمدند. برخی از همین رهبران فتح به نام همین جنبش تشکیلات خودگردان را به مرکز فساد سیاسی و امنیتی و اقتصادی و اجتماعی تبدیل کردند و ملت فلسطین از این فساد مرارت های فراوان چشید و حال آنکه مشکلات ناشی از سرکوبگری و اشغالگری صهیونیست ها را هم تحمل می کرد.

۶. فتح حتی به شمار زیادی از اعضای خود و دیگر گروه ها به ویژه جنبش حماس ستم فراوان کرد. این جنبش پس از به دست گرفتن قدرت در تشکیلات

خودگردان، زندان ها را از اعضای سایر گروه ها پر کرد و شکنجه های وحشیانه ای علیه آنان روا داشت و حال آنکه سنت های هستی با این اقدام ها مغایر است و سرنوشت ستمگر جز تباهی و سقوط نخواهد بود.

علل پیروزی حماس

پیش از توضیح علل پیروزی حماس در انتخابات مجلس قانونگذاری و شهرداری ها باید تاکید کنم که این جنبش یک گروه از فرشتگان نیست، بلکه اعضای آن تلاش می کنند و فعالیت دارند و ممکن است که گاهی هم اشتباهی مرتکب شوند، اما دستاوردها و موفقیت های این جنبش بسیار بیشتر از اشتباهاتی است که البته آن هم از برخی اعضا سر زده و تعمدی در کار نبوده است. از جمله علل پیروزی این جنبش می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- جنبش حماس یک حرکت فکری است که ادبیات، نظام و منابع ویژه خود را که از اسلام بر گرفته شده است، دارد و همه فعالیت ها و تحرکات خود را با استناد به این ادبیات که مبدأ و فلسفه و نظم بخشنده و حاکم بر تصمیم گیری های کوچک و بزرگ و راهبردها و راهکارهای آن است، انجام می دهد.

۲. تاریخ و تجربه ثابت کرده است که این جنبش یک سازمان مشورتی و نظام مند است و تصمیم گیری های آن بر اساس نظر شخص خاصی نیست. در این جنبش

یک مرد و یک حرف معنا ندارد، بلکه این جنبش دارای سازمانی اداری و سیستماتیک است که حرکت و اقدام رهبران و اعضای آن را کنترل و هدایت می کند و ماهیت روابط آن را با کشورها و هیأت ها و احزاب گوناگون مشخص می سازد. این وضعیت هنگامی که بهترین رهبران و بنیانگذاران این جنبش مانند شیخ احمد یاسین و دکتر عبدالعزیز رنتیسی و دیگران به شهادت رسیدند کاملاً در

عرصه های سیاسی و مبارزه مسلحانه جنبش آشکار بود و ما پس از شهادت این بزرگواران دیدیم که جنبش بیش از پیش منسج تر و یکپارچه تر شد.

۳. حماس ادامه حرکت و تلاش های جنبش اسلامی مادر (اخوان المسلمین) است که از بیش از شصت سال پیش تاکنون فعالیت دارد، بنابراین این جنبش به یکباره پای به هستی ننهاده است و تاریخ ۱۹۸۷/۱۲/۱۴ فقط یک مرحله و علامت جدید

وباز پویش امور و مواضع و رفتارها بر اساس مقتضای مصلحت عمومی و به عنوان تحول طبیعی فعالیت ها و کشت چندین دهه بود به همین سبب دیدیم که تلاش هایی که برای نابودی این جنبش از سوی رژیم اشغالگر و تشکیلات خودگردان صورت پذیرفت و حتی ترورها و تبعیدها نتوانست از ترقی و پیشرفت

این جنبش بکاهد و پس از هر بار تلاش برای نابودی که دشمنان مبذول می داشتند، این جنبش با قدرت و صلابت بیشتری وارد عرصه می شد.

۴. صبر و گفت و گو و رازداری در برخورد با سیاست های تشکیلات خودگردان علیه این جنبش. "حماس" هیچ گاه درصدد مقابله یا نشان دادن واکنش به اهانت هایی که تشکیلات خودگردان علیه این جنبش روا داشت و تا زندانی شدن هزاران تن از رهبران و اعضای نیز انجامید و آنان در این زندان ها به شدت شکنجه شدند و حتی ریش رهبران را نیز تراشیدند، بر نیامد. مقامات تشکیلات خودگردان حتی شیخ مجاهد احمد یاسین رهبر و بنیانگذار حماس را نیز در حبس خانگی قرار دادند و بارها تیم های نظامی این جنبش را به صورت غیر مستقیم به اشغالگران تسلیم کردند که ماجرای تیم عملیاتی "صوریف" - که اعضای آن در یکی از زندان های تشکیلات خودگردان در اسارت بودند - از جمله این اقدامات بود.

۵. عملکرد مثبت مؤسسات خدماتی وابسته به حماس. این جنبش در اداره ده ها مؤسسه آموزشی، اجتماعی، ورزشی، پزشکی و غیره ماهرانه عمل کرد و این مؤسسات موفق شدند خدمات گسترده ای به شمار زیادی از مردم فلسطین ارائه

دهند. این جنبش همچنین در اداره اتحادیه های دانشجویی و سندیکاها موفقیت های زیادی کسب کرد و نمونه ای زنده و عملی از سلامت افراد آن و نیز مدیریت توانمند ارائه کرد.

۶. عملکرد موفق شاخه نظامی. شاخه نظامی جنبش حماس نیز با انجام عملیات شهادت طلبانه و توسعه موشکی توانسته است توازن وحشت را با دشمن برقرار سازد و با تجاوزات و حملات مکرر اشغالگران به مناطق فلسطینی نشین مقابله کند و از طریق آتش بس نیز مهارت خود را در اداره نبرد در زمان های مشخص و افزایش حملات در زمان های دیگر به خوبی به اثبات رساند.

مسئولیت های حماس

۱. جنبش حماس باید تماس ها و دیدارهای خود را با همه جریان های داخلی و خارجی افزایش دهد و افکار عمومی را از ایده ها و تصمیمات آینده خود مطمئن سازد و البته این جنبش این بخش از مسئولیت های خود را آغاز کرده است.

۲. هواداران جنبش حماس باید به اهمیت و حساسیت وضع کنونی واقف باشند و هر چه بیشتر در برابر این پیروزی که آنان را خادم ملت قرار داده است و نه حاکم بر آنها، فروتنی نشان دهند و این امر را امانت و وظیفه ای بدانند که خداوند

متعال و سپس مردم و تاریخ درباره آن از آنها بازخواست خواهد کرد و به همین سبب رفتار و گفتار و نگرش خود را در برابر دیگران بیش از پیش مد نظر قرار دهند.

۳. جنبش حماس باید تجربیات جنبش فتح را در طول چهار سال گذشته بررسی کند و اشتباهات و موفقیت های این جنبش را مشخص سازد و در اندیشه و رفتار و عملکرد هر چه بیشتر به آنها توجه کند.

۴. کابینه متخصص و متکی بر شایسته سالاری و فرد مناسب در جای مناسب بدون در نظر گرفتن وابستگی حزبی، امروز بیش از پیش ضروری به نظر می رسد و حماس باید افراد شایسته و لایق و البته به دور از شبهات فساد را که در میان همه سازمان ها و گروه ها یافت می شود در جای مناسب بگمارد و در این میان به زیرکی نیاز است تا وزارتخانه های مختلف به گونه ای تقسیم شود تا مصلحت عمومی محقق گردد.

۵. موضوعات سیاسی و نوع تعامل با اشغالگران به ویژه در امور خدماتی روزمره و نیز روابط با اتحادیه اروپا و کشورهای ارائه کننده تسهیلات به فلسطینیان، از جمله مسائل است که باید شفاف بیان شود و آشکار گردد.

۶. حماس باید در حین خطاب قرار دادن مردم به دشواری کار و مرحله ای بودن کسب موفقیت ها و تعدد مشکلات تاکید کند، زیرا بسیاری از مردم فکر می کنند که راه حل جادویی وجود دارد و حماس برای جلوگیری از واکنش منفی مردم باید به مردم بگوید که تغییر را فوراً آغاز می کند، اما برای آنکه شهروندان تغییر را لمس کنند به زمان نیاز است.

ورود خالد مشعل به تهران و حمایت های رهبر انقلاب

رهبر انقلاب در دیدار رئیس دفتر سیاسی حماس تاکید کردند: پیروزی حماس در انتخابات اخیر فلسطین، یکی از غافلگیری های شیرین الهی و تحقق وعده خداوند است.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب امروز دوشنبه در دیدار خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس و هیئت همراه پیروزی حماس را در انتخابات اخیر فلسطین، یکی از غافلگیری های شیرین الهی و تحقق وعده خداوند برشمردند و با اشاره به شرایط سال های گذشته مردم فلسطین و گروه های مبارز افزودند: مردم فلسطین و گروه های مبارز در شرایطی که ظاهراً همه درها به روی آنان بسته بود، دچار یأس و ناامیدی نشدند و به جهاد خود ادامه دادند و در نهایت شاهد تحقق وعده های الهی یکی پس از دیگری هستیم و

بعد از آزادی غزه پیروزی حماس روی داد که موجب غافلگیری همه شد. ایشان این پیروزی‌ها را مرهون مقاومت و ایستادگی ملت فلسطین دانستند و خاطرنشان کردند: ملت فلسطین نشان داد که ملتی هوشیار، سیاسی و داناست، زیرا فلسطینی‌ها در حالی به حماس رأی دادند که می‌دانستند این رأی به معنای انتخاب مقاومت و مبارزه با رژیم صهیونیستی است.

آیت الله خامنه‌ای با اشاره به سخنان آقای خالد مشعل که از به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی، مذاکره نکردن با این رژیم، بازگشت آوارگان فلسطینی و پایتختی بیت المقدس به عنوان اصول و خطوط قرمز حماس نام برد، افزودند: مواضع حماس بسیار اصولی و صحیح است و تنها راه موفقیت، ادامه این مسیر و رعایت این خطوط قرمز است.

رهبر انقلاب وظیفه دولت‌های اسلامی و ملت‌های مسلمان را در خصوص مسئله فلسطین بسیار خطیر ارزیابی و تأکید کردند: باید با برنامه ریزی صحیح زمینه‌ای فراهم شود تا همه مسلمانان بتوانند با کمک‌های خود در این مسئله مهم جهان اسلام شریک شوند.

ایشان طراحی کمک مالی سالیانه همه مسلمانان را به مسئله فلسطین از جمله راه‌های سهیم کردن امت اسلامی در این مسئله دانستند و افزودند: این کمک

داوطلبانه ضمن ایجاد ارتباط روحی میان مسلمانان با مسئله فلسطین تأثیر بزرگی در جهان خواهد گذاشت.

آیت‌الله خامنه‌ای همچنین بر لزوم همکاری، همراهی و همدلی همه گروه‌های فلسطینی برای ادامه مسیر و حل مشکلات مردم فلسطین تأکید کردند.

خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی حماس با قدردانی از مواضع جمهوری اسلامی ایران درباره مسئله فلسطین، پیروزی حماس را پیروزی همه امت اسلامی دانست و تأکید کرد: قطعاً جمهوری اسلامی ایران نیز در این پیروزی سهیم است و ما این پیروزی را به ملت ایران نیز تبریک می‌گوییم.

وی پیروزی حماس را در انتخابات اخیر فلسطین لطف الهی و تحقق وعده خداوند دانست و با تأکید بر نقش مقاوت و خون شهدا در این پیروزی افزود: انتخاب مردم فلسطین انتخابی آگاهانه بود و آنان با درک شرایط و فشارها، در واقع به اسلام، مقاومت و اصلاح و تغییر رأی دادند.

خالد مشعل با اشاره به فشارهای تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی غرب به ویژه آمریکا و همچنین صهیونیستها بر ضد حماس و مردم فلسطین تصریح کرد: حماس بدون کوچکترین عقب نشینی از مواضع اصولی و خطوط قرمز خود در شرایط جدید به پیش خواهد رفت و با کمک مردم فلسطین و امت اسلامی،

دولتی متناسب با عزت و اقتدار ملت فلسطین تشکیل خواهد داد و تحقق شعارهایشان را پیگیری خواهد کرد.

کمک ۲۵۰ میلیون دلاری ایران به حماس

ایران به خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) قول داد، ۲۵۰ میلیون دلار کمک در اختیار این جنبش قرار دهد.

کشورهای عربی که خود نمی‌توانند به صورت مستقیم از تفکرات حماس حمایت

معنوی کنند، ایران را سپر بلای خود برای ارسال کمک‌های اقتصادی و مالی به

تشکیلات فلسطینی می‌کند و سال‌هاست که از این روش استفاده می‌کنند. این شیوه عملکرد، حتی اسرائیلیان را نیز در فهم موضوع دچار مشکل کرده است.

حجم کمک‌های میلیونی که پیش از این به جنبش «فتح» سرازیر می‌شد، تا

اندازه‌ای بود که حتی منجر به فساد مالی برخی از سران جنبش «فتح» شد و یکی

از دلایل شکست این جنبش را در انتخابات اخیر رقم زد.

در اثنای جنگ عراق و ایران، چگونه رهبران فتح به عراق مسافرت می‌کردند و

چگونه از حمایت کسانی مثل صدام هم برخوردار بودند.

ماجرای طرح کمک ۲۵۰ میلیون دلاری ایران به حماس توسط «الحيات» اسرائیلی‌ها را بر آن داشت تا به دنبال راه‌هایی باشند که بتوانند از ارسال پول ایران به منطقه نوار غزه جلوگیری کنند. مقامات رسمی اسرائیل می‌گویند: هرچند بسیار مشکل است که از انتقال پول به بانک‌های غزه جلوگیری کرد اما اسرائیل می‌تواند از انتقال این پول‌ها به کرانه باختری جلوگیری کند.

یک کارشناس ارشد مسائل فلسطین گفت: واقعیت آن است که کمک اصلی ایران به گروه‌هایی نظیر حماس، صدور فکر انقلابی و استقلال‌طلبی است که برگرفته از اندیشه‌های والای امام خمینی(ره) است، امری که سران کشورهای منطقه به دلیل نوع نگاه ناشی از وابستگی، تحجر و عدم استقلال خود، حتی از درک آن عاجزند.^۱

نخست وزیر و رئیس مجلس جدید فلسطین

در پی پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین سرانجام با گذشت چندین روز و شروع نشست پارلمان، عزیز الدویک به عنوان رئیس مجلس جدید فلسطین انتخاب گردید و همچنین آقای اسماعیل هنیه را به نخست وزیر جنبش حماس

۱- سایت بازتاب، حماس تفکر ایرانی، سرمایه عربی، ۱۳۸۴/۱۲/۱۰

برگزیدند. اکنون می رود تا با شکل گیری دولتی جدید فلسطینی سیاستهای این گروه اسلامی شکل گیرد، در آستانه شکل گیری دولت جدید اسرائیل اعلام نموده است که جنبش حماس از برنامه های ترور هدفمند اسرائیل درامان نخواهد بود. شائول موفاز، وزیر دفاع اسرائیل گفت: از این ترورها اسماعیل هنیه نخست وزیر حماس هم مستثنی نخواهد بود، زیرا در کار آمدی این سیاست تردیدی نیست. جنبش حماس این اظهارات موفاز را تروریسم دولتی خواند.

همه پرسشی برای به رسمیت شناختن اسرائیل

عزیز الدویک رئیس مجلس جدید فلسطین و از رهبران حماس همه پرسشی را شرط اساسی برای تغییر موضع گیری این جنبش در قبال اسرائیل دانست. این در حالی است که مجلس جدید فلسطین در اولین جلسه خود با تنش و اختلاف مواجه گردید. پارلمان جدید فلسطین تمامی تصمیمات پارلمان قبلی به ویژه اختیارات رئیس تشکیلات خودگردان را لغو کرد. این موضوع موجب اختلاف نظر جدی میان عزم الاحمد، رئیس جبهه فتح در پارلمان و عزیزالدویک، رئیس پارلمان شد.

اعضای فتح، حماس را متهم به تغییر قوانین با هدف تضعیف عباس کرده و جلسه پارلمان را ترک کردند. عزام این تصمیم پارلمان را غیر قانونی دانست و افزود: ما هرگز در جلسات غیر قانونی شرکت نمی کنیم.

عزیزالدویک رئیس مجلس جدید فلسطین، اعلام داشته است حماس موضوع به رسمیت شناختن اسرائیل را تنها از طریق همه پرسی در فلسطین مورد بررسی قرار خواهد داد. وی افزود: همه پرسی شرط اساسی برای تغییر موضع گیری ما در قبال اسرائیل است.

وی تأکید کرد، پیش شرط برگزاری همه پرسی بازگشت پناهندگان فلسطینی از نقاط مختلف جهان به میهن و شرکت آنان در همه پرسی است. وی ادامه داد اگر اسرائیل رفتار خود را تغییر دهد، امکان دارد مردم فلسطین در همه پرسی به شناسای این رژیم رای مثبت دهند.^۱

۱- روزنامه خراسان، شماره ۱۶۳۶۹، چهارشنبه ۱۷ اسفند، ۱۳۸۴.

نتیجه گیری

پس از پایان جنگ عراق علیه ایران و به قدرت رسیدن آقای هاشمی رفسنجان،

جمهوری اسلامی ایران فرصت پیدا کرد با انتخاب گزینه های سیاسی بسیار

گسترده تری نسبت به آنچه که جنگ میسر می ساخت خط مشی واقع بینانه تری

را اتخاذ نماید. ظاهراً این جریان در قالب دکترین ام القرای جهان اسلام متجلی

گردید. در این مقطع این اتفاق نظر بوجود آمد که جمهوری اسلامی بدون

گسترش انقلاب اسلامی در خارج از مرزهایش قادر به ادامه حیات نیست.

شعارهایی همچون آرمان آزادی کربلا و قدس و نابودی اسرائیل به مثابه خط

مشی اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تلقی می شد، بدین خاطر می

توان در این سالها نظریه اصلی سیاست خارجی ایران را همان ام القرای اسلامی

دانست.

حمایت ها و کمکهای ایران به گروههای مبارز طرفدار ایران بیشتر گردید و

گروههایی که به دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نزدیک بودند، مورد حمایت و

کمکهای بیشتر قرار گرفتند، بخصوص در فلسطین اشغالی که همواره مساله

جهانی اسلام تلقی می شد. گروههای حزب الله لبنان، جهاد اسلامی، حماس که

معمولاً دیدگاهی همگام با ایران داشتند، مورد حمایت قرار گرفتند، و بحث آزاد

سازى فلسطين در محافل داخلى و خارجى از سوى ايران تقويت گرديد، و نقش بازدارندگى جمهورى اسلامى ايران در صلح اعراب و اسرئيل موجب خشم و تهديدات بيشتر آمريكا و اسرئيل نسبت به ايران را فراهم آورد.

كمكهاى معذور كشورهاى عربى و كمكهاى مادى، اقتصادى و ... ايران كه بيشتر از طريق سوريه و حزب الله ... لبنان صورت مى گرفت، به گفته رهبران اين جنبشها نقش بسيارى در شكوفايى و بسيج توده ها به سوى مبارزات عليه اسرئيل ايفا نمود، و موجب تقويت و گسترش دايره نفوذ اين جنبشهاى مبارز در داخل و خارج فلسطين اشغالى گرديد.

با روى كار آمدن دولت آقاى خاتمى در سال ۱۳۷۶، و مشكلات متعدد روابط خارجى ايران با كشورهاى بزرگ و منطقه، ايشان به بازنگرى در سياست خارجى و روابط بحرانى ايران با ديگر كشورها پرداخت. در اين دوره بيشتر به تنش زدائى و ارتباطات بسيار با كشورهاى مختلف از جمله غرب توسط فعالان

ديپلماسى ايران صورت پذيرفت، اين دوره كه تقريباً همزمان با كنفرانس سران كشورهاى اسلامى در تهران صورت گرفت، در رابطه با منطقه و فلسطين بيشترين رويکرد ايران به مسائل عمومى و منطقه اى و فرامنطقه اى در مورد حقوق ملت فلسطين صورت پذيرفت. سياست ايران در منطقه براساس مصالح

ملی و حمایت ها از آزاد سازی فلسطین اشغالی ادامه یافت، و چرخه آن بیشتر به سوی حمایت های سیاسی و بین المللی گردید.

در این دوره سعی ایران بر این شد که مساله فلسطین با مشارکت هرچه بیشتر کشورهای عربی و سازمانهای بین المللی برای احقاق حقوق فلسطین اشغالی انجام پذیرد. که مجموع حمایت ها و کمکها باعث به باد نشستن مقداری از تلاش ها گردید، که همانا پیروزی حماس در انتخابات با پشت سر گذاشتن سازمان آزادیبخش فلسطین که خود را به عنوان نماینده مدعی فلسطین می دانست

انجامید. بی شک حمایت های ایران را می توان بیشترین فاکتور در این پیروزی ها دانست.

فصل سوم - بخش سوم

مخالفت شدید حماس با تشکیل دولت فلسطین

تشکیلات خودگردان و مواضع حماس

مواضع تشکیلات خودگردان و حماس در رابطه با گفتگو با اسرائیل

اقتدار حماس، انزوای عرفات

از شعار تا عمل (عقب نشینی گام به گام سازمان آزادیبخش فلسطین)

توطئه نقشه راه

جنبش های اسلامی و ملی فلسطین و موضع حماس

کنفرانس عقبه مخالفت حماس و فتح «عبدالعزیز رنیزی»

فصل سوم - بخش دوم

۱- انگیزه ها و اهداف

۲- اساس نامه یا میثاق نامه حماس

۳- روش های جنبش حماس برای دستیابی به هدفهای استراتژیک

۴- وجوب جهان برای آزادی فلسطین

۵- همبستگی اجتماعی حماس

۶- جهان شمولی دایره مبارزات فلسطین از دیدگاه حماس

۷- حمایت های حماس

۸- طرح حماس برای اتحاد گروه ها

۹- مساله اسراء هدف حماس

۱۰- رد راه حل های سازش با صهیونیسم

۱۱- آتش بس مشروط حماس «خروج اسرائیل از نوار غزه»

۱۲- مواضع جدید حماس، پس از شهادت شیخ یاسین رهبر حماس

۱۳- بازوی نظامی حماس

۱۴- نابودی رژیم صهیونیستی از سرکوب حماس آسانتر است «خالد مشعل»

۱۵- عدم ادغام حماس و دولت خودگردان

فصل پنجم بخش دوم

رهبران ایران و مقاومت فلسطین

الف- سیاست تصمیم گیری رهبران ایران

ب- دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اسرائیل «امام خمینی، آیت الله

خامنه ای ...»

۲- طرح روز جهانی قدس، احیای جنبشهای اسلامی و بسیج مسلمانان

۳- آیت الله خامنه ای و حمایت از مقاومت فلسطین

۴- آقای خاتمی و حمایت از مقاومت فلسطین

۵- وحدت نظر جهاد اسلامی فلسطین و رهبران جمهوری اسلامی ایران «زوال

اسرائیل»

۶- جنبش جهاد اسلامی و تاثیر اندیشه های امام خمینی (ره)

۷- رهبریت ایران و جنبش جهاد اسلامی فلسطین «دکتر رمضان عبدالله دبیر کل

جنبش اسلامی فلسطین»

فصل پنجم بخش سوم

حمایت ایران از مقاومت فلسطین حماس و جهاد اسلامی

۸- ایران و حمایت از مقاومت فلسطین

۹- ارتباط سازمان جهاد اسلامی فلسطین با جمهوری اسلامی ایران

۱۰- حمایت های مالی، نظامی حماس و جهاد اسلامی

۱۱- ایران یکی از منابع مالی جهاد اسلامی

۱۲- آینده منازعه فلسطین و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

فصل ششم بخش اول

بازدارندگی ایران در روند صلح

۱۳- ایران و مخالفت با روند صلح خاورمیانه

۱۴- واکنش ایران و دیگر کشورها در قبال توافقنامه اسلو «غزه-اریما»

۱۵- انتفاضه و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

۱۶- جهاد اسلامی فلسطین و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

۱۷- حماس و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

۱۸- کنفرانس اسلامی و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

۱۹- فشار غرب و آمریکا بر ایران در پی حمایت از مقاومت فلسطین